

بسم الله الرحمن الرحيم

تشریح :

وظایف مومنان

بر اساس

آیات وحی



محدثقی صرفی پور

* فهرست:

- پیشگفتار 7
1. در مواقع سختی سست ناراحت نشوید 8
- دانشجوی بزرگسال 11
2. فقط بر خداوند تبارک و تعالی توکل کنید 13
- یک داستان عبرت انگیز 14
3. از غیر خدا نترسید 16
- پیرمرد شجاع 16
- مسجد مهمان کش 17
4. اموال دیگران را بناحق تصرف نکنید 18
- اقتصاد ناسالم 20
- داستان سید محمد باقر شفتی رحمه الله علیه و ملک پیرزن 20
5. دنیا شمارا گول نزند 22
- ملا صالح مازندرانی 23
- حاج شیخ علی زاهد قمی 26
6. مبارزه شما فقط در راه خدا باشد 27
7. همیشه عدالت محور باشید 29
8. با کفار دست دوستی ندهید 32
9. به وعده های خود عمل کنید 34
10. همیشه به یاد نعمتهای خدا باشید 36
11. تقوا پیشه کنید 36

12. حلال خدا را حرام نکنید و از حدود الهی تجاوز نکنید
43
13. مواظب دین و ایمان خودتان باشید
45
14. مواظب نمازتان باشید
47
- آثار نماز : 1- شفای بیماری 47
- 2- پیروزی در جنگ 48
- 3- کاستن غم و اندوه 49
- 4- اجابت دعاء 51
- 5- برطرف شدن خطر 52
15. مبدا به خدا و رسول و پیمانهایتان خیانت کنید!
53
16. در مقابل دشمنان ثابت قدم باشید
55
- جعفر طیار رضوان الله تعالی علیه 60
- استقامت خباب الأرت 61
- افسر شجاع اسلام 61
- دلاوری عبدالله بن رواحه 62
- بوی بهشت 63
17. امر به معروف و نهی از منکر کنید
64
- امر به معروف و نهی از منکر در آئینه روایات 66
- مصادیق منکر 67

- جایگاه مهم زکات در اسلام 68
- زکات در آئینه روایات 72
18. همیشه با راستگویان باشید 74
- ابراهیم علیه السلام و ملکوت آسمانها 77
19. از شهر و روستا برای کسب علوم هجرت (حرکت) کنید 79
20. در عبادت و مجاهدت باشید 83
- عبادت پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله 83
- عبادت امیرالمومنین علی علیه السلام 84
- عبادت حضرت زین العابدین علیه السلام 84
- شب زنده داری میرزا جواد آقا ملکی تبریزی رضوان الله تعالی علیه 86
21. در کارهای خیر از هم سبقت بگیرید 87
- حقوق برادران از منظر امام سجاد علیه السلام 87
- ارزش مجاهدت و مبارزه در راه خدا 90
22. هیچگاه از شیطان پیروی نکنید 92
23. آداب ورود به منازل افراد را رعایت کنید 98
24. بسیار ذکر گوید و به یاد خدا باشید 100
- آثار ذکر 101
- انواع ذکر زبانی 101
- فواید ذکر الهی در دنیا 103
25. بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درود فرستید 104

..... سخن محکم و درست بزنیید	26
	106
..... زشتی های زبان	
	107
..... عوامل ناسزا گوئی	
	107
..... درمان ناسزا گوئی	
	108
..... دشنام در آئینه احادیث	
	108
..... انواع ناسزا	109
..... افشاء اسرار	109
..... انواع سِرّ	109
..... نمونه هایی از حافظین اسرار	110
..... دین خدارا یاری نمایید تا خداهم شمارا یاری نماید	27
	111
..... یاری کننده خدا باشید!	28
	113
..... خبر آدم فاسق را بدون تحقیق نپذیرید	29
	115
..... زشتی دروغگویی	116
..... نتیجه ترک دروغ	116
..... کیفر دروغگو در عالم برزخ	117
..... انواع دروغ	118
..... شرمنده شدن دروغگوی لاف زن	119
..... آثار دروغ	120
..... ریشه های دروغگویی	120

30. هیچگاه همدیگر را مسخره نکنید 123
- مسخره کردن دیگران 124
- ریشه های مسخرگی 124
- انواع مسخرگی 125
- چه برخوردی با تمسخر کنندگان بکنیم؟؟ 126
- عیب جوئی و تجسس 127
- سوء ظن 139
- درمان سوء ظن 131
- سوء ظن در آئینه روایات 131
31. سخنی که خود به آن عمل نمی کنید را بر زبان جاری نکنید 133
32. وقتی صدای نماز جمعه را شنیدید با عجله بسوی آن بشتابید 135
- آثار و فوائد نماز جمعه 135
- آثار توجه و بی توجهی به نماز جمعه 138
33. مبادا مال و اموال شما را از یاد خدا غافل کند 139
- خصوصیات پدر نمونه 140
- سرپرستی پدر 142
- نتیجه پول دوستی 142
34. بعضی از همسر و فرزندان شما دشمنان شما هستند، مواظب باشید! 145
35. چشمهای خود را بر حرام ببندید 148
36. بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف برای شما بهتر است، او را بخوانید! 151
- آیاتی که در مورد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تفسیر شده است 151
- کتابنامه 154

* مقدمه

الحمدُ و الثناءُ لله ربِّ العالمین و الصلاه و السلامُ علی اشرفِ الانبیاء و المرسلین حبیبِ إلهِ العالمین ابی القاسمِ المصطفی محمد و علی إلهِ الأطیبینِ الأطهرین و لا سیَّما بقیه الله فی الارضین روحی و ارواحُ العالمین لِترابِ مَقَدَمِهِ الفِداء.

خدا را سپاس گذاریم که به ما توفیق خوشه چینی مجدد از مزرعه سبزِ کلامش را عنایت فرمود و توفیق را رفیقِ راهمان ساخت تا سی و شش وظیفه از وظایفِ انسان مومن را بصورت جلسات منبر تدوین کرده و از این طریق توشه راهی برای نوسفرانِ مسیر تبلیغ آماده کنیم.

در این کتاب هر وظیفه و بیان آن بصورت یک جلسه تدوین شده است که البته بعضی کوتاه و بعضی طولانی اند، امید است مجزی باشد ان شاء الله.

این کتاب در دهه هشتاد شمسی توسط شیخ محمد تقی صرفی پور تدوین شده و در این نوبت تنها به ویرایش و تحقیق منابع آن دست زده ایم.

در مورد این ویرایش باید به نکاتی چند دقت نمود:

1- برای ترجمه آیات از ترجمه استاد حسین انصاریان دامت تاییداته که از دقیق ترین ترجمه ها است استفاده کردیم.

2- هریک از روایات دارای اسناد بی شمار است که ما تنها به ذکر یک یا دو سند اکتفا کرده ایم.

3- از بحث های دقیق علمی پرهیز شده است تا هویت «منبری بودن» کتاب حفظ شود.

امید است که امام حجت منتظر این عمل را از ما بپذیرد.

محمدحسین صرفی پور

قم مقدس - مدرسه علمیه سفیران هدایت

شعبان سنه 1440 هجری

جلسه اول :

* درمواقع سختی : ناراحت وسست نشوید!

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.

و [در انجام فرمان‌های حق و در جهاد با دشمن] سستی نکنید و [از پیش آمدها و حوادث و سختی‌هایی که به شما می‌رسد] اندوهگین مشوید که شما اگر مؤمن باشید، برترید.^۱

اگر در جنگ صدمه دیدید ، برای مثال اسیر دادید و یا شهید داشتید یا قسمتی از سرزمینتان به دست دشمن افتاد ، ناراحت نشوید زیرا اگر شما مؤمن هستید مقامتان در هر حال بالاتر و عالی تر است ، چرا که شما برحق هستید و مجاهدت شما برای خداوند سبحان بوده و عاقبت کار هم با متقین است و پایان کار شما سعادت و بهشت رضوان است.

«وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا : إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْتَخُونَ»

و صبرکنندگان را بشارت ده ، همان کسانی که چون بلا و آسیبی به آنان رسد گویند: ما مملوک خداييم و یقیناً به سوی او بازمی‌گردیم. آنانند که درودها و رحمتی از سوی پروردگارشان بر آنان است و آنانند که هدایت یافته‌اند.^۲

1. سوره مبارکه آل عمران : 139.

2. سوره مبارکه بقره : 155 – 157.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«الایمانُ نصفانُ نصفٌ فی الصبرِ و نصفٌ فی الشکرِ»

ایمان دو نیمه دارد : نیمی صبر و نیمی شکر است.³

از منظر امیرمومنان علی علیه السلام صبر دونوع است :

« الصَّبْرُ صَبْرَانِ : صَبْرٌ عَلَى مَا تَكْرَهُهُ وَ صَبْرٌ عَمَّا تُحِبُّ »

صبر دونوع است : صبر بر چیزی که دوست نداری و صبر در مورد چیزی که دوستش داری.⁴

انسان در دوران زندگی محدود خود با دشواریها ، سختیها و موانع فراوانی بر خورد می کند که صبر یعنی در برابر همه این موانع مقاومت ورزیدن و با اراده و عزمی استوار از آنها عبور کردن.

صبر توصیه همه پیامبران و رهبران حقیقت است به جانشینان.

امام پنجم علیه السلام می فرماید:

« لَمَّا حَضَرَتْ أَبِي : عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ الْوَفَاءُ ضَمَّنِي إِلَى صَدْرِهِ وَ قَالَ : يَا بُنَيَّ ! أَوْصِيكَ بِمَا أَوْصَانِي بِهِ أَبِي حِينَ حَضَرَتْهُ الْوَفَاءُ وَ بِمَا ذَكَرَ أَنَّ أَبَاهُ أَوْصَاهُ بِهِ : يَا بُنَيَّ إِصْبِرْ عَلَى الْحَقِّ وَ إِنْ كَانَ مُرًّا ! »

زمانی که لحظه وفات پدرم فرا رسید مرا به سینه خود چسبانیده فرمود:

3. نهج الفصاحه : ح 1070

4. نهج البلاغه : حکمت 55 : ترجمه مرحوم محمد دشتی رضوان الله تعالى علیه .

وصیت می کنم به تو به آنچه که پدرم در حین وفاتش به من وصیت کرد و او هم به آنچه پدرش حسین علیهم السلام وصیت کرد که : ای فرزند صبر بر حق کن اگر چه تلخ باشد.⁵

شاعر می گوید:

«سَأَصْبِرُ حَتَّى يَعْلَمَ الصَّبْرُ أَنَّى صَبْرْتُ عَلَى شَيْءٍ أَمَرَ مِنَ الصَّبْرِ»

آنچنان صبر می کنم تا صبر بداند که من صبر نمودم بر چیزی که از صبر تلخ تر بوده است!

امیر مومنان علی علیه السلام می فرمایند :

« الْعَجْزُ أَفْهُ وَ الصَّبْرُ شَجَاعَةٌ »

ناتوانی آفت و شکیبایی شجاعت است .⁶

استاد شهید مطهری رضوان الله تعالی علیه در کتاب داستان راستان در زمینه سست نشدن در برابر مشکلات داستان زیبایی را نقل می کند:

دانشجوی بزرگسال :

«سکاکی» مردی فلزکار و صنعتگر بود ، توانست با مهارت و دقت دواتی بسیار ظریف با قفلی ظریفتر بسازد که لایق تقدیم به پادشاه باشد. انتظار همه گونه تشویق و تحسین از هنر خود داشت . با هزاران امید و آرزو آن را به پادشاه عرضه کرد. در ابتدا همان طوری که انتظار می رفت مورد توجه قرار گرفت ، اما حادثه ای پیش آمد که فکر و راه زندگی سکاکی را به کلی عوض کرد .

در حالی که شاه مشغول تماشای آن صنعت بود و سکاکی هم سرگرم خیالات خویش ، خبر دادند عالمی (ادیب یا فقیهی) وارد میشود. همین که او وارد شد، شاه چنان سرگرم پذیرایی و گفتگوی با او شد که

5. اصول کافی : ج 2 : کتاب الایمان و الکفر : باب الصبر : ص: 119 : ح 1695 - چاپ اسوه

6. نهج البلاغه ، حکمت 4 : ترجمه مرحوم محمد دشتی رضوان الله تعالی علیه .

سکاکي و صنعت و هنرش را به يکباره از ياد برد . مشاهده ي اين منظره تحولي عميق در روح سکاکي به وجود آورد.

دانست که از اين کار تشويق و تقديري که مي بايست نميشود و آن همه اميد ها و آرزوها بي موقع است. ولي روح بلند پرواز سکاکي آن نبود که بتواند آرام بگيرد. حالا چه بکند؟ فکر کرد همان کاري را بکند که ديگران کردند و از همان راه برود که ديگران رفتند . بايد به دنبال درس و کتاب برود و اميدها و آرزوهاي گمشده را در آن راه جستجو کند. هرچند براي يک عاقل مرد که دوره ي جواني را طي کرده ، با طفلان نورس هم درس شدن و از مقدمات شروع کردن کار آساني نيست ، ولي چاره اي نيست، ماهي را هروقت از آب بگيرند تازه است.

از همه بدتر اينکه وقتي که شروع به درس خواندن کرد ، در خود هيچ گونه ذوق و استعدادي نسبت به اين کار نديد. شايد هم اشتغال چندين ساله ي او به کارهاي فني و صنعتي ، ذوق علمي و ادبي او را خشک کرده بود. ولي نه گذشتن سن و نه خاموش شدن استعداد، هيچ کدام نتوانست او را از تصميمي که گرفته بود بازدارد . با جديت فراوان مشغول کار شد، تا اينکه اتفاقي افتاد :

آموزگاري که به او فقه شافعي مي آموخت ، اين مساله را به او تعليم داد : « عقیده استاد اين است که پوست سگ با دباغي پاک مي شود . » سکاکي اين جمله را بارها پيش خود تکرار کرد تا در جلسه ي امتحان خوب از عهده بر آيد ، ولي همين که خواست درس را پس بدهد اين طور بيان کرد : « عقیده ي سگ اين است که پوست استاد با دباغي پاک مي شود . »

خنده ي حضار بلند شد. بر همه ثابت شد که اين مرد بزرگسال که پيرانه سر هوس درس خواندن کرده به جايي نمي رسد. سکاکي ديگر نتوانست در مدرسه و در شهر بماند، سر به صحرا گذاشت . جهان پهناور بر او تنگ شده بود. از قضا به دامنه ي کوهي رسيد، متوجه شد که از يک بلندي قطره قطره آب بر روي صخره مي چکد و در اثر ريزش مداوم ، صخره را سوراخ کرده است . لحظه اي انديشيد و فکري مانند برق از مغزش عبور کرد، با خود گفت : دل من هر اندازه غير مستعد باشد از اين سنگ سخت تر نيست. ممکن نيست مداومت و پشتکار بي اثر بماند . برگشت و آن قدر فعاليت و پشتکار به خرج داد تا استعدادش باز و ذوقش زنده شد. عاقبت يکي از دانشمندان کم نظير ادبيات گشت.⁷

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از قول خداوند فرمود:

اگر به بنده ای از بندگانم مصیبتی در بدنش یا مالش یا فرزندش تقدیر نمودم و او هم با صبر جمیل از این مصیبت استقبال نمود حیا می کنم روز قیامت اینکه نصب کنم برای او میزانی و یا دیوان حساب و کتابی را برای او باز کنم.^۸

امام صادق علیه السلام فرمود: «الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَلَا إِيْمَانَ لِمَنْ لَا صَبْرَ لَهُ»

نسبت صبر به ایمان مثل نسبت سر برای بدن است و همانطور که بدن بدون سر حیات ندارد ایمان هم بدون صبر حیاتی ندارد.^۹

۸. اصول کافی: ج ۳: ص ۲۱۸

۹. اصول کافی: ج ۲: ص ۱۱۵.

جلسه دوم:

* فقط برخداوند توکل کنید

وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ.

و مؤمنان باید فقط بر خدا توکل کنند.¹⁰

توکل برخدا یعنی : مایوس بودن از مخلوق و فقط به خدا امیدداشتن و از او ترسیدن و به او طمع داشتن.

توکل سه پایه دارد:

اول آنکه یقین کنیم که خدا بر هر چیزی قادر است، **دوم** آنکه یقین کنیم خدا از هر چیزی مطلع است و **سوم** آنکه یقین کنیم خدا بندگان را دوست دارد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

«إِنْ سَرَّكَ أَنْ تَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»

اگر می خواهی قوی ترین مردم باشی پس بر خدا توکل کن.¹¹

10. سوره مبارکه آل عمران : 160 .

11. مکارم الاخلاق: 468.

به حضرت موسی علیه السلام ندا رسید که : **نمک طعامت را از من بخواه !!**^{۱۲} یعنی باید بدانی که به امید خدا دنبال نمک بروی که اگر تمام دنیا پر از نمک باشد و خدا نخواهد بدست تو نخواهد رسید.

یک داستان شیرین:

یکی از حُکام به سفر شکار رفته بود در وسط روز سفره ناهار را پهن کرده و مرغ بریانی را درنزد او می گذارند، هنگامی که می خواهد بخورد ناگهان شاهینی از بالا می آید و در چشم برهم زدنی مرغ را بلند می کند و می برد. حاکم متغیر می شود و دستور می دهد همه سوار شده و شاهین را تعقیب کنند و بعد از مدتی شاهین فرود می آید و حاکم متوجه میشود مرغ را در دهان مردی که دستها و پاهایش بسته است می گذارد وقتی احوال مرد را می پرسند می گوید یکی از تجار بودم ، راهزنان مرا لخت کردند و دستها و پاهای مرا بستند و این شاهین پیدا شد و برای من نان و آب آورد حاکم با شنیدن این مطلب دچار تنبه شده ، از حکومت دست کشیده از زُهاد شد.

امیرمومنان علی علیه السلام در کلامی گوهر بار می فرماید :

«اعْلَمُوا عِلْمًا يَقِينًا أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَجْعَلْ لِلْعَبْدِ وَ إِنِ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ وَ اشْتَدَّتْ طَلِبَتُهُ وَ قَوِيَتْ مَكِيدَتُهُ أَكْثَرَ مِمَّا سُمِّيَ لَهُ فِي الذِّكْرِ الْحَكِيمِ وَ لَمْ يَحُلْ بَيْنَ الْعَبْدِ فِي ضَعْفِهِ وَ قَلَّةِ حِيلَتِهِ وَ بَيْنَ أَنْ يَبْلُغَ مَا سُمِّيَ لَهُ فِي الذِّكْرِ الْحَكِيمِ وَ الْعَارِفُ لِهَذَا الْعَامِلُ بِهِ أَعْظَمُ النَّاسِ رَاحَةً فِي مَنْفَعَةٍ وَ التَّارِكُ لَهُ الشَّاكُ فِيهِ أَعْظَمُ النَّاسِ شُغْلًا فِي مَضَرَّةٍ وَ رَبٌّ مُنْعِمٌ عَلَيْهِ مُسْتَدْرَجٌ بِالنُّعْمَى وَ رَبٌّ مُبْتَلَى مَصْنُوعٌ لَهُ بِالْبُلُوِّ فَزِدْ أَيْهَا الْمُسْتَنْفَعُ فِي شُكْرِكَ وَ قَصِّرْ مِنْ عَجَلَتِكَ وَ قِفْ عِنْدَ مُنْتَهَى رِزْقِكَ»

به یقین بدانید خداوند برای بنده خود هر چند با سیاست و سخت کوش و در طرح و نقشه نیرومند باشد، بیش از آنچه که در علم الهی وعده فرمود، قرار نخواهد داد،

و میان بنده، هر چند ناتوان و کم سیاست باشد، و آنچه در قرآن برای او رقم زده حایلی نخواهد گذاشت، هر کس این حقیقت را بشناسد و به کار گیرد، از همه مردم آسوده‌تر است و سود بیشتری خواهد برد. و آن که آن را واگذارد و در آن شک کند، از همه مردم گرفتارتر و زیانکارتر است، چه بسا نعمت داده شده‌ای که گرفتار عذاب شود، و بسا گرفتاری که در گرفتاری ساخته شده و آزمایش گردد، پس ای کسی که از این گفتار بهرمند می‌شوی، بر شکر گزاری بیفزای، و از شتاب بی جا دست بردار، و به روزی رسیده قناعت کن.^{۱۳}

که البته این کلام مولای متقیان علیه السلام منافاتی با تلاش برای کسب روزی حلال ندارد بلکه اشاره به اهمیت توکل به خدای متعال و سپس قناعت درمورد آنچه که دست آخر روزی انسان میشود دارد، در واقع میگوید: تلاش کن، در مورد نتیجه ی تلاشت بر خدا توکل کن و به دیگری امید مبند و دست آخر نتیجه هر چه شد راضی و قانع باش.

امام صادق علیه السلام در کلامی گوهر بار می فرماید:

«إِنَّ الْغِنَى وَالْعِزَّ يَجُولَانِ ، فَإِذَا ظَفَرَا بِمَوْضِعِ التَّوَكُّلِ أَوْطَنَا»

بی نیازی و عزت در حرکتند ، هرگاه در محلی توکل را بیابند ، آنجا اقامت میکنند !.^{۱۴}

وقتی حضرت ابراهیم علیه السلام را در آتش انداختند گفت: حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

لذا امام صادق علیه السلام فرمود تعجب می کنم از کسی که دچار خوف و ترس می شود چرا متوسل به این جمله « حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ » نمی شود.^{۱۵}

13. نهج البلاغه : حکمت 273 : ترجمه مرحوم محمد دشتی رضوان الله تعالى عليه .

14. اصول کافی : جلد 2 : کتاب الایمان و الکفر : باب التفویض الی الله و التوکل علیه : ص 91 ، ح 1586 .

15. کتاب نصایح آیت الله مشکینی رضوان الله تعالى عليه : ص 197.

جلسه سوم:

* فقط از خداوند بترسید!

فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِ إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ.

پس اگر مؤمن هستید از آنان نترسید و از من بترسید.^{۱۶}

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الشَّجَاعَةَ»

خداوند صفت شجاعت را دوست دارد.^{۱۷}

پیرمرد شجاع

گفته اند یکی از مبارزان عرب پیر شده بود و با وجود ضعف پیری قوت دل داشت روزی می خواست که سوار شود دو نفر بازوی او گرفتند تا سوار شد ، بی ادبی طعنه زد که : از این شخص چه کار می آید در حالی که دو نفر باید او را سوار کنند پس شجاعت او چه خواهد شد ، آن پیر مرد سخن او را شنیده و گفت : آری دو نفر باید که او را سوار کنند اما هزار نفر باید او را پائین آورند.

16. سوره مبارکه آل عمران آیه: 175

17. اللطائف و الظرائف: ج 1: ص 128

مسجد مهمان کش

سید جمال‌الدین اسدآبادی در یکی از نوشته‌هایش مثلی می‌آورد و می‌گوید:

«مسجدی بود که هر کس شب را در آن مسجد به روز می‌آورد، می‌مرد و صبحگاهان جنازه‌اش را بیرون می‌آوردند، مردی که در اثر فشار زندگی تصمیم به خودکشی گرفته بود، به سوی مسجد روان شد تا شب را در آن جا به سر برد و تصمیم خود را جامه عمل بپوشاند، هنگامی که در آن جا دراز کشیده بود و باکنجکاوی فراوان، مترصد بود که ببیند چه می‌شود و چگونه اسباب مرگ فراهم می‌گردد، ناگهان صدای عظیمی را شنید که از ستون مسجد برخاست و پس از اندی، صدای عظیم‌تری برخاست و پی در پی صداها عظیم‌تر و رعب‌آورتر می‌شد، او پنداشت که این صداها رعد آسا، مقدمه برای آمدن قاتل و یا افتادن چیزی است که مرگ به وسیله آن محقق می‌شود، بانگ زد که من آمدم در این جا بمیرم، به این صداها احتیاج نیست، کار خود را انجام دهید که صدایی عظیم‌تر و رعب‌آورتر برخاست، او خنده‌ای کرد و سخن خود را تکرار نمود و گفت: این چیزها در من تاثیری ندارد، کار خود را انجام دهید، باز هم صدای عظیم و رعدآسایی برخاست که در و دیوار را به لرزه درآورد، او همچنان نشسته و منتظر بود که سر انجام چه می‌شود که ناگهان ستون مسجد شکافی خورد و مقداری خاک از آن بر زمین ریخت و دیگر تا صبح صدایی شنیده نشد و آن مرد، زنده از مسجد بیرون آمد و معلوم شد که در آن ستون، طلسمی بوده که شکننده آن، کسی بوده که مرعوب آن صداها نشود و در برابر آن توپ‌های توخالی، پایداری کند دیگران با شنیدن آن صداها مرعوب شده و از میدان به در می‌رفتند و جان می‌دادند، ولی این مرد، چون از جان گذشته بود، مرعوب نشد و پوچ بودن آن‌ها را به چشم دید.»

و این نترسیدن راز پیروزی انسانهای بزرگ در لحظات حساس زندگی آنان است همانطور که امام راحل رضوان الله تعالی علیه فرمودند: حتی یک لحظه در زندگی ام از غیر خدا نترسیده‌ام.

امام علی علیه السلام در کتاب شریف نهج البلاغه می‌فرماید:

«الْجُبْنُ مَنْقَصَةٌ»

ترس نقص است.

جلسه چهارم:

* اموال دیگران را به ناحق تصرف نکنید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا.

ای اهل ایمان! اموال یکدیگر را در میان خود به باطل [و از راه حرام و نامشروع] مخورید، مگر آنکه تجارتی از روی خشنودی و رضایت میان خودتان انجام گرفته باشد. و خودکشی نکنید زیرا خدا همواره به شما مهربان است.¹⁸

مسئله نان حلال در آوردن از مسائل مهم زندگی هر سرپرست خانواده ای است. و عده زیادی از مردم در این مورد راه انحرافی رفته و از راههای خلاف پول در می آورند لذا سعادت مند نمی گردند.

امام صادق علیه السلام به مصادف که قرار بود با سرمایه ی امام تجارت کند اما سود بیش از اندازه گرفته بود، فرمود: ای مصادف! نان حلال درآوردن از شمشیر زدن در راه خدا سخت تراست.

و در سخن دیگر فرمود:

«السُّرَّاقُ ثَلَاثَةٌ مَانِعُ الزَّكَاةِ وَمُسْتَحِلُّ مَهْوَرِ النِّسَاءِ وَمَنْ اسْتَدَانَ دَيْنًا وَلَمْ يَنْوَ قَضَاءَهُ».

دزدها سه دسته‌اند. اول کسی که زکات نمی‌دهد. دوم کسی که مهریه زنش را نمی‌پردازد. سوم کسی که قرض کرده ولی قرضش را نمی‌پردازد.¹⁹

معاملات انسان و درآمد انسان باید از راه حلال باشد تا زندگی انسان از گرفتاری‌ها و اثرات زیانبار درآمد حرام مصون بماند.

در رساله حضرت امام اعلی الله مقامه در مساله 2055 آمده است:

در چند مورد معامله باطل است: **اول:** خرید و فروش عین نجس، مثل بول و غائط و مسکرات، بنا بر اقوی در بعضی و بنا بر احتیاط واجب در بعضی. **دوم:** خرید و فروش مال غصبی، مگر آنکه صاحبش معامله را اجازه کند. **سوم:** خرید و فروش چیزهایی که مال نیست. **چهارم:** معامله چیزی که منافع معمولی آن حرام باشد، مثل آلات قمار و موسیقی. **پنجم:** معامله‌ای که در آن ربا باشد.

و حرام است غش در معامله، یعنی فروختن جنسی که با چیز دیگر مخلوط است در صورتی که آن چیز معلوم نباشد و فروشنده هم به خریدار نگوید، مثل فروختن روغنی که آن را با پیه مخلوط کرده است، و این عمل را غش می‌گویند.²⁰

از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که فرمودند: از ما نیست کسی که در معامله با مسلمانان غش کند یا به آنان ضرر بزند یا تقلب و حيله نماید، و هر که با برادر مسلمان خود غش کند، خداوند برکت روزی او را می‌برد و راه معاش او را می‌بندد و او را به خودش واگذار می‌کند.²¹

در روایتی امام صادق علیه السلام فرمود: یکی از مصادیق آیه معروف «اکل مال به باطل» این است که انسان بدهکار بوده و می‌تواند بدهی خود را بدهد ولی نمی‌دهد و در راه مصارف خود صرف می‌کند.

19. الخصال: جلد 1، صفحه: 153

20. رساله توضیح المسائل امام خمینی رضوان الله تعالی علیه

21. وسائل الشیعه: ج 7: 279 ص

اقتصاد ناسالم

اقتصاد آلوده مثل رواج رشوه خواری، رانت، پولشویی، تقلب، کلاهبرداری، اختلاس و غیره باعث ظلم به مردم شده و عدالت اجتماعی را به خطر می اندازد. لذا خداوند متعال در آیه شریفه مسلمانان را از این آلودگیها برحذر می دارد.

داستان سید محمد باقر شفتی رحمت الله علیه و ملک پیرزن

گفته اند که زنی خدمت سید شفتی رسید و عرض کرد: کدخدای فلان ده، ملک کوچک مرا غصب کرده است. کدخدا را حاضر کردند او منکر شد و چهارده حکم از چهارده قاضی اصفهان گرفته مبنی بر این که او مالک آن زمین است نه آن زن.

مرحوم شفتی آن احکام را گرفت و پس از مطالعه، مقابل خود گذاشت و به آن زن فرمود: کدخدا مرد درستی است و سخن او طبق قانون است، آن زن شروع به الحاح و آه و ناله نمود ولی مرحوم شفتی به شکایت دیگران مشغول شد. در بین شکایت دیگران از کدخدا پرسید: ای کدخدا! آیا این ملک را خریده ای؟

گفت: نه، مگر در مالکیت خریدن لازم است؟

سید گفت: نه! لازم نیست و باز مشغول رسیدگی به شکایت دیگران شد و در اثنا از کدخدا پرسید: آیا این ملک از بابت ارث به تو رسیده است؟

کدخدا گفت: نه! مگر در مالکیت لازم است که آن مال از ارث به وراثین منتقل شده باشد؟

سید فرمود: نه، من هم املاکی دارم که از راه ارث به من منتقل نشده است. باز مشغول رسیدگی به شکایات شد. در آن بین فرمود: آیا این ملک از بابت مصالحه یا وصیت به شما رسیده است؟

گفت: نه، مگر در مالکیت این گونه انتقال لازم است؟

سید فرمود: نه. خلاصه در اثنای شکایات دیگران یک یک راههای مشروع رسیدن مال به انسان را از کدخدا می پرسید و همه را کدخدا نفی می کرد.

سید فرمود: پس از چه راهی این ملک به تو رسیده است؟

کدخدا گفت: راهی نمی خواهد بلکه از آسمان سوراخی باز شد و به گردن من افتاد.

سید گفت: چرا از آسمان برای من ملک نمی افتد؟ برو و ملک کوچک این زن را برگردان که تو غاصب هستی! سپس سید آن چهارده حکم را پاره کرد و ملک را به زن برگرداند.²²

22. پای درس علماء : ذیل زندگی نامه سید محمد باقر شفتی رضوان الله تعالی علیه.

جلسه پنجم:

* دنیا شما را گول نزند!

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا.

و نعمت ها و مال و ثروتی که خدا به سبب آن برخی از شما را بر برخی برتری داده آرزو مکنید [که آرزویش مایه حسد و فساد است. این تفاوت ها و برتری ها لازمه زندگی دنیا و بر اساس محاسبات حکیمانه است، اما در عین حال] برای مردان از آنچه کسب کرده اند بهره ای است، و برای زنان هم از آنچه کسب کرده اند بهره ای است. و [با کمک تقوا و عمل صالح] از بخشش خدا بخواهید، یقیناً خدا همواره به همه چیز داناست.²³

انسان نباید چشمش را به نعمتها و زیورهای که بعضی ها دارند بدوزد و حسرت آنها را بخورد؛ وقتی از کنار خانه زیبایی رد شود بگوید: چرا ما از این خانه ها نداریم! وقتی ماشین گرانبهائی از کنارش رد شود بگوید: چرا ما نداشته باشیم؟ و هنگامی به خانه کسی می رود و چشمش به وسایل زیبا و گرانبهائی صاحب خانه می افتد حسرت بخورد و این انگیزه ای شود تا خدای نکرده در راه حرام بیافتد، یا زنان بگویند: چرا ما مرد نشدیم! و امثال این حسرت خوردن ها نهی شده بلکه باید همت کنیم و تلاش نمائیم تا زندگی با عزت و سالمی را داشته باشیم و بدانیم که دنیا برای ماندن نیست که امام باقر علیه السلام فرمود: هر روز

منادی (از عالم غیب) ندا می‌دهد که: به دنیا بیاید برای مردن. جمع کنید برای از دست دادن. بسازید برای خراب کردن.^{۲۴}

در روایت است که ام سلمه رضوان الله تعالی علیه به پیامبر اعظم صلوات الله علیه عرض کرد: چرا ما زن‌ها از جهاد محرومیم؟ چرا نصف ارث می‌بریم؟ ای کاش ما هم مرد بودیم! ای کاش ما هم موقعیت اجتماعی داشتیم!

آیه فوق نازل شد که برتری‌هایی که خدا طبق حکمت برای بعضی بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید زیرا هر کدام از این تفاوت‌ها دارای اسراری است که بر شما پوشیده است چه تفاوت‌هایی که از نظر جسمانی با هم دارید و چه تفاوت‌های حقوقی مثل ارث و چه غیره که همه این تفاوت‌ها برپایه عدل الهی است.

آری در جهان هستی تفاوت میان انسان‌ها بصورت فراوان وجود دارد؛ عده ای فقیر و عده ای غنی، عده ای زیبا و عده ای زشت، عده ای سفید و عده ای سیاه، عده ای سالم و عده ای ناقص و پر از تفاوت هستند.

اما اولاً: خداوند اراده نکرده که عده ای ثروتمند باشند و عده ای فقیر، یا عده ای سالم باشند و عده ای فلج و ناقص بلکه جهان، جهان علت و معلول است و اگر کسی درباره علت چیزی بررسی کند احتمال دارد آن را کشف کند، مثلاً: چرا فلانی پولدار است؟ یا چرا فلانی زشت است؟

و ثانیاً: خدا از هر کسی به اندازه توانی که دارد تکلیف می‌خواهد؛ از آدم سالم به اندازه آدم معیوب تکلیف نمی‌خواهد، از آدم فقیر هم به اندازه آدم ثروتمند تکلیف نمی‌خواهد.

و ثالثاً: جهان برپایه عدالت الهی بنا شده لذا خدا سرسوزنی به کسی ظلم نمی‌کند اگر چه انسان‌ها هم به یکدیگر و هم به خودشان ظلم می‌نمایند.

انسان‌هایی که دچار فقر و بیماری و گرفتاری‌های مختلف و کمبودهایی هستند باید به نعمت‌هایی که دارند توجه کنند و تلاش‌شان را چندبرابر کنند که در تاریخ افرادی بوده اند که نقص جسمانی داشته اند یا فقیر بوده اند ولی با تلاش و همت به درجات بالای اجتماعی رسیده اند.

ملاصالح مازندرانی

دربارهٔ ابتدای طلبگی او آمده است که: آن قدر فقیر و نیازمند بود که اگر می‌خواست چیزی بنویسد، تهیه کاغذ برایش مقدور نبود و بر روی استخوان و چوب می‌نوشت! بخاطر کهنگی لباس، خجالت می‌کشید که بین شاگردان بنشیند و بیرون از کلاس در گوشه‌ای می‌نشست و صدای استاد را می‌شنید. او تحقیقات خود را بر روی برگ چنار می‌نوشت! و مردم و طلاب خیال می‌کردند که او برای گدایی آمده است! روزی استاد او، ملا محمد تقی مجلسی در حل مسأله‌ای ماند و جواب معما را به روز بعد موکول کرد و روز دوم و سوم هم نتوانست آن را حل نماید. در این حین یکی از طلاب به چند برگ چنار ملا صالح برخورد و دید که جواب آن مسأله روی برگها نوشته شده است! آنها را نزد استاد برد. وقتی استاد فهمید که اینها مال ملا صالح است، دستور داد تا لباس نو به او دادند و شهریه برایش مشخص کردند.

خود ملا صالح گفته است که: من در پیشگاه خداوند بر طلاب حجت هستم. زیرا احدی در فقر از من فقیرتر نبود، به طوری که زمانی به خاطر نداشتن پول برای تهیه چراغ، برای مطالعه از چراغ مستراح استفاده می‌کردم. در حافظه و استعداد، کسی از من فراموشکارتر نبود و هر موقع از خانه خارج می‌شدم، در موقع برگشت، خانه‌ام را گم می‌کردم و حتی نام بچه‌هایم را فراموش می‌نمودم و در سن سی سالگی شروع به یاد گرفتن الفبای فارسی نمودم. اما چون تلاش زیادی کردم، خدا هم بر من منت نهاد و توانستم تحصیل علم کنم و از جمله نعمتهایی که خدا به من داده مسیری فاضله از خاندانی پاک و طیبه (دختر علامه مجلسی) بود که به من عطا فرمود.²⁵

از حضرت باقر علیه السلام نقل است که فرمود: بپرهیز از اینکه چشم به مافوق خود بگشائی، کافی است به دستوری که خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله داده است توجه کنی که در قرآن فرمود:

«و لا تُعْجِبْكَ اَمْوَالُهُمْ و لا اَوْلَادُهُمْ»²⁶

اموال و فرزندانشان تو را به شگفت نیاورد

25. کتاب داستانهای از زندگی علماء: جلد اول

26. توبه: 55

و نیز فرموده است:

« لَا تَمْدَنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا »²⁷

دیدگانت را به آنچه برخی از اصناف آنان را بهره‌مند کردیم مدوز، [آنچه به آنان داده‌ایم] شکوفه [بی‌میوه و زیور و زینت] دنیا است.

پس هرگاه یکی از این امور برای تو پیش آمد از زندگانی رسول خدا صلی الله علیه و آله یاد کن که اگر دسترسی پیدا می‌کرد خوراکش نان جویی بود و شیرینیش خرما و آتشگیره اش شاخه درخت خرما بود.

سعدی شیرین سخن علیه الرحمه می‌فرماید :

آن شنیدستم که در صحرای کور یار سالاری در افتاد از ستور
گفت چشم تنگ دنیا دار را یا قناعت پر کند یا خاک گور

« وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ » .

به یقین ما شما را امتحان می‌کنیم تا مجاهدان از شما و صابران را مشخص نماییم، و اخبار شما را نیز [که اعمال و اسرار شماست] می‌آزماییم [تا صدق و کذب شما را در همه امور معلوم بداریم].²⁸

27. طه : 131

28. محمد : 31

حاج شیخ علی زاهد قمی

او در شداید و سختیها و گرفتاریها بسیار صبور و بردبار بود به حدی که اهل این زمان آن را بر نمی تابند و تحمل نمی کنند. فرزندش در نجف از دنیا رفت و او گریه و زاری نکرد. زمانی که از دفن او بر می گشت، خبر درگذشت فرزند دیگرش، شیخ شریف از ایران رسید پس او به سجده افتاد و شکر خدا را نمود و برای هردو مجلس فاتحه گذاشت و بر این مصیبت و بلا خدا را سپاس می گذارد. زیرا اعتقادش آن بود که این، آزمایش بندگان و پاک شدن گناهان است. صبر و بردباریش در بیماری اخیر او - که منجر به وفاتش شد - به این اعتقادش به خوبی گواهی داد.

او به بیماری سختی در مجرای ادرارش دچار شد و پس از عملی ناکارآمد، برای او مجرای ادراری از خاصره اش ساختند و چندبار برای معالجه به ایران آمد اما درمان مفید و کارساز نیافتاد. و در بستر بیماری بود و مرضش نزدیک ده سال به درازا کشید. در این زمان علما و فضلا و دوستانش و سایر مؤمنین به دیدار او می رفتند ولی کسی از او در خلال این مدت طولانی، کلمه ای گلایه و شکایت و اظهار ناراحتی و دلتنگی مطلقا نشنید بلکه زبانش همواره به حمد و شکر الهی و رضایت به قضای خداوندی گویا بود تا آنکه به سرای باقی شتافت.

جلسه ششم:

* مبارزه شما فقط در راه خدا باشد

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا
أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا.

آنان که ایمان آورده‌اند در راه خدا می‌جنگند و کسانی که کافر شده‌اند در راه طاغوت می‌جنگند. پس شما با یاران شیطان بجنگید، که یقیناً نیرنگ و توطئه شیطان [در برابر اراده خدا و پایداری شما] سست و بی‌پایه است.^{۲۹}

آری مؤمنین در راه پیامبر صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام و امامان دیگر مخصوصاً در زمان ما در راه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌جنگند ولی کفار در راه بتها و ابوسفیان ها و یزیدها و شمرها و دیگر طاغوتها می‌جنگند.

فرماندهی کل قوا در لشکر اسلام به عهده رسول الله یا امیر المؤمنین یا سید الشهداء و یا جانشینان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مانند امام راحل و مقام معظم رهبری است. ولی فرماندهی لشکر کفر به عهده ابوسفیان ها، معاویه ها، یزیدها، ابوبکر البغدادی ها و ترامپ ها می باشد.

سربازان اسلام از زمانی که داخل سربازی می شوند برای آنان پاداش فراوانی است تا زمانی که شهید شوند یا به شهر و دیارشان برگردند ولی سرباز کفر از همان زمانی که یاور طاغوت می شود برای او گناه و معصیت نوشته می شود تا زمانی که به دوزخ رهسپار می شود.

سرباز اسلام وقتی به شهادت می رسد تمام گناهانش پاک می گردد ولی سرباز کفر وقتی کشته می شود لعنت الهی بر او نازل می گردد.

سرباز اسلام وقتی کشته می شود شهید لقب می گیرد و باعث افتخار خانواده اش می شود ولی سرباز کفر وقتی کشته می شود به صورت آدم شکست خورده شناخته می شود و باعث ترس و هراس خانواده اش می شود.

سرباز اسلام در مبارزه است تا به یکی از حُسنین (شهادت یا پیروزی) دست می یابد ولی سرباز کفر یا در ظاهر پیروز می شود و پرونده گناهانش سنگین تر می شود و یا به هلاکت می رسد و به جهنم می رود

سرباز اسلام در کنار بزرگوارانی مانند حمزه سیدالشهداء و جعفر طیار و حنظله می جنگد ولی سرباز کفر در کنار افراد منحرفی چون ابوجهل ها و ابولهب ها و ابن زیادها و شمرها می جنگد!

سرباز اسلام شب که می شود عابد شب است و در روز همچون شیر می غرد ولی سرباز کفر روز و شبش لهو و لعب و آلودگی است.

جلسه هفتم:

* همیشه عدالت محور باشید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَوِ الْوَالِدِينَ
وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أُولَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ إِنْ تَعَدَّلُوا وَإِنْ تَلُوكَا
أَوْ تَعَرَّضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْلَمُونَ خَبِيرًا.

ای اهل ایمان! [همواره در همه امور زندگی] قیام کننده به عدل، و گواهی دهنده برای خدا باشید، هر
چند به زیان خود یا پدر و مادر یا خویشانتان باشد. اگر [یکی از دو طرف نزاع] توانگر یا فقیر باشد [با
لحاظ کردن وضع آنان، بر خلاف خدا گواهی ندهید زیرا] خدا به حمایت از آنان و رعایت حالشان
سزوارتر است. پس [در هنگام گواهی دادن] از هوای نفس پیروی نکنید تا از حق منحرف شوید. و اگر
زبانتان را [به سوی گواهی ناحق و دروغ] بیچانید، یا از گواهی دادن روی برتابید یقیناً خدا همواره به
آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.³⁰

خدا خود عادل است و به عدالت فرمان داده است. عدالت باعث خشنودی خدا و خلق خداست

« أَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ »

همواره دادگری را پیشه سازید که خدا دادگران را دوست دارد.³¹

30. سوره مبارکه نساء : 135 .

31. حجرات : 9

و اگر همه مردم عادل باشند، دنیا به طرف سعادت و کمال و خوشبختی پیش می رود ولی هیئات که دنیا طلبی و زیاده طلبی نمی گذارد انسانها همگی عادل باشند و همواره عده ای به دیگران ظلم و ستم می کنند و باعث فساد در زمین و خرابی و هرج و مرج و بدبختی می شوند.

ظلم و ستم و تجاوز از حدود الهی باعث می شود : خونهای بی گناهان ریخته شود ، فرزندان یتیم شوند ، خانه ها خراب شود ، بی گناهان زندانی و اسیر شوند ، اموال مظلومین به تاراج رود و ده ها مصیبت دیگر پیش بیاید.

افرادی که به عدالت خیانت کنند مثلاً : شهادت دروغ بگویند، یا به زیردستان ستم کنند یا به زن و بچه خود زور بگویند و برخلاف عدالت عمل کنند باید در همین دنیا احتمال انتقام الهی را بدهند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله میفرماید:

« عَدْلُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سِتِّينَ سَنَةً قِيَامَ لَيْلِهَا وَ صِيَامَ نَهَارِهَا، وَ جَوْرُ سَاعَةٍ فِي حُكْمٍ أَشَدُّ وَ أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ مَعَاصِي سِتِّينَ سَنَةً ».

یک ساعت عدالت، بهتر از شصت سال عبادت است که شبش به عبادت و روزش به روزه داری بگذرد و یک ساعت بی عدالتی در حکومت (داوری) نزد خدا سخت تر و سنگین تر از شصت سال گناه است.³²

همچنین حضرت فرمودند:

« مَنْ عَامَلَ النَّاسَ فَلَمْ يَظْلِمْهُمْ وَ حَدَّثَهُمْ فَلَمْ يَكْذِبْهُمْ وَ وَعَدَهُمْ فَلَمْ يُخْلِفْهُمْ فَهُوَ مِنْ كَمَلَتِ مُرُوءَتُهُ وَ طَهَّرَتِ عَدَالَتُهُ »

هر که در رفتار خود با مردم به ایشان ستم نکند و به گاه سخن، دروغ نگوید و در وعده خود خلاف نیاورد ، مردانگی اش کامل و عدالتش آشکار است.³³

32. جامع الأخبار : ص 1216/435 ح

33. الخصال : ص 208

امیرمومنان علی علیه السلام میفرماید:

«جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْعَدْلَ قِيَاماً لِلْأَنَامِ، وَتَنْزِيهاً مِنَ الْمَظَالِمِ وَالْآثَامِ، وَتَسْنِيَةً لِلْإِسْلَامِ».

خداوند پاک، عدالت را برپادارنده مردمان، مایه دوری از حق کشیها و گناهان و وسیله آسانی و گشایش برای اسلام قرار داده است.³⁴

حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها میفرمایند:

«فَرَضَ ... الْعَدْلَ تَسْكِيناً لِلْقُلُوبِ» .

خداوند عدالت را برای آرامش دلها واجب فرمود.³⁵

امام باقر علیه السلام میفرمایند:

« مَا أَوْسَعَ الْعَدْلَ ! إِنَّ النَّاسَ يَسْتَغْنُونَ إِذَا عُذِلَ عَلَيْهِمْ ».

چه گسترده است دامنه عدالت! اگر عدالت در جامعه اجرا شود، مردم بی نیاز می شوند.³⁶

34. غرر الحکم : ج 4789

35. علل الشرایع : ج 2 : ص 248

36. دعائم السلام : ج 1 : ص 380

جلسه هشتم:

* با کفار دوستی ننمائید!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلَا تَعْلَمُونَ أَنَّ تَجْعَلُوا
اللَّهُ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا .

ای اهل ایمان! کافران را به جای مؤمنان، سرپرست و یار خود مگیرید. آیا می‌خواهید برای خدا بر ضد
خودتان دلیلی آشکار [نسبت به عذابتان در دنیا و آخرت] قرار دهید؟^{۳۷}

هر کجای دنیا مؤمنی باشد، دوست و رفیق بقیه مؤمنان عالم است، چه در غرب باشد و چه در شرق و از
طرفی دشمنی با دشمنان خدا، حد و مرز نمی‌شناسد و باید با کفار چه غربی باشند و چه شرقی، دوستی
ننماید.

از امام ششم علیه السلام پرسیدند:

آیا دوستی با مؤمن و دشمنی با کافر جزو ایمان است؟ امام فرمود: آیا ایمان جز دوستی {با مؤمنین}
و دشمنی {با کفار} است؟^{۳۸}

۳۷. سوره مبارکه نساء : ۱۴۴.

۳۸. اصول کافی : ج ۲ : ص ۱۲۵

اما برخلاف این دستور الهی، همواره عده ای از مسلمانان بخاطر کالای نابودشدنی دنیا و غرب زدگی با کفار ارتباط برقرار می کنند و گاه نوکر و اسیر آنها می شوند و حتی ملت خود را بخاطر غمزه غربی ها می فروشند.

در صدر اسلام این اتفاق افتاده و در زمان ما هم این تخلف را می بینیم. مانند شیوخ خلیج! مانند روشنفکران غربزده! مانند منافقین! مانند علمای درباری!

جلسه نهم :

* به وعده های خود عمل کنید

یا ایّها الذین آمنوا اوفوا بالعقود .

ای اهل ایمان! به همه قراردادهای [ی فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نذر، عهد و سوگند] وفا کنید.³⁹

ای مؤمنین! به وعده های خود عمل کنید.

انسانهای مؤمن باید به تعهدات و وعده هایی که می دهند ؛ چه به خدا قول می دهند مثل پیمان درعالم «ذر» که غیر خدا را نپرستند و یا قولی که توبه کننده به خدا می دهد که دیگر گناه نکند.

یا قولهایی که به خودش می دهد که مثلاً : منظم باشد، دروغ نگوید، غیبت نکند و...

یا قولهایی که به مردم می دهد مانند: قولهایی که مسئولین مملکت به مردم میدهند یا قولهایی که پدر و مادر به فرزندان خود می دهند یا صاحبان حرفه ها به مردم می دهند مثلاً بنا و نجار و آهنگر قول می دهند که فلان ساعت کار شما را انجام می دهم و خلاصه به همه قولها باید عمل کند.

عمل به وعده از مهمترین واجبات الهی است و پیشرفت جامعه مسلمین وابسته به ادای پیمانهاست ، لذا در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده : کسی که به عهدش عمل نکند ، دین ندارد.

بزرگان دین خود در عمل به پیمانهایی که با دیگران می بستند یا قولی که می دادند سخت مصمم بودند و به هیچ وجهی تخلف نمی کردند. حتی اگر ضرری برایشان داشت.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با شخصی در مکانی وعده گذاشتند. آن شخص این وعده را فراموش کرد. پیامبر سه روز در آن مکان ماند تا اینکه آن شخص آمد. حضرت فرمود اگر نمی آمدی همینجا می ماندم تا بمیرم و از همینجا محشور شوم.

جلسه دهم:

* همیشه به یاد نعمتهای خدا باشید

یا ایها الذین آمنوا اذكروا نعمت الله علیکم

ای اهل ایمان! نعمت خدا را بر خود یاد کنید^{۴۰}

تشکر کردن از کسی که به انسان محبت می کند مطابق عقل است و جزء صفات خوب شمرده می شود؛ چه تشکر از خالق باشد که احدی نمی تواند شکر همه نعمتهای خدا را بجا آورد و چه تشکر از افرادی که به انسان محبتی می نمایند.

البته با این فرق که تشکر از خدا، باعث زیاد شدن نعمت می شود.

شکر نعمت نعمت افزون کند

کفر نعمت از کفت بیرون کند.

خدای تبارک و تعالی فرموده است:

«و به راستی ما به لقمان حکمت عطا کردیم که: برای خدا سپاس گزار و هر که سپاس گزارد تنها به سود خود سپاس می گزارد، و هر که ناسپاسی کند [به خدا زیان نمی زند، زیرا] خدا بی نیاز و ستوده است»⁴¹

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ الصَّائِمِ الْمُحْتَسِبِ وَالْمُعَافَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الْمُبْتَلَى الصَّابِرِ وَالْمُعْطَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الْمَحْرُومِ الْقَانِعِ.

پاداش کسی که غذا می خورد و شکر می کند مانند روزه گیر صبور است و پاداش آدم سالم شکر کننده مانند مریض صبر کننده است و پاداش صاحب نعمت شکر کننده مانند محروم قانع می باشد.⁴²

تشکر یا زبانی است و یا عملی : شکر زبانی با ادا کردن جملاتی مانند: خدایا شکر! تحقق می یابد و شکر عملی با انجام واجبات و ترک محرمات و راضی بودن خدا از اعمال انسان محقق می شود.

«امام صادق علیه السلام فرمودند: شاکر به شخصی گویند که خدا را بر هر نعمتی که به او داده از قبیل خانواده و ثروت، شکر گوید و حقوق الهی نسبت به اموالش را ادا نماید.»

از دست وزبان که برآید

کز عهده شکرش بدرآید

41. سوره مبارکه لقمان: 12.

42. اصول کافی : ج 2/ص 122.

خدا در قرآن به نوح نبی علیه السلام لقب «شکور» داده است، زیرا صبح و شب شکر خدا می کرد و می گفت: خدایا! آنچه در صبح و شب از نعمت و سلامتی دینی و دنیوی دارم، از تو ست ، تویی یگانه و بدون شریک ، ای خدا! حمد و شکر این نعمتها مخصوص تو ست تا از من راضی شوی.

همچنین او هیچ چیز کوچک و بزرگ را بر نمی داشت الا اینکه «بسم الله والحمد لله» می گفت. او در حین غذا خوردن می گفت: شکر خدایی که به من غذا داد و اگر می خواست مرا گرسنه می گذاشت. و هنگام آشامیدن می گفت: شکر خدایی که مرا سیراب کرد و اگر می خواست مرا تشنه می گذاشت. و در هنگام لباس پوشیدن می گفت: شکر خدایی که مرا پوشاند و اگر می خواست مرا بی لباس قرار می داد. و در هنگام پوشیدن کفش می گفت: شکر خدایی که مرا کفش پوشاند و اگر می خواست مرا پابرهنه می گذاشت. و در هنگام قضاء حاجت می گفت: شکر خدایی که اذیت را از من دور کرد و اگر می خواست در من باقی می گذاشت.^{۴۳}

نعمتهای خدابه انسان چه نسبت به خود انسان و چه در جهان هستی آنقدر مهم و حیاتی است که انسان باید در همه حالات از شکر الهی غافل نشود.

امام صادق علیه السلام در حدیثی می فرماید:

«فِي كُلِّ نَفْسٍ مِنْ أَنْفَاسِكَ شُكْرٌ لَازِمٌ لَكَ بَلْ أَلْفٌ وَ أَكْثَرُ وَ...»

در هر نفس کشیدنی یک شکر بلکه هزار شکر و بیشتر لازم است و پائین ترین درجه شکر آنست که نعمت را فقط از خدا بداند و به آنچه خدابه او داده راضی باشد و خدا را با نعمتش معصیت نکند (مثلاً با چشم گناه

نکند) و در امر ونهی الهی با نعمت خدا با خالق خود مخالفت ننماید. پس در هر حالی بنده شکرگذار خدا باشد، تا خدا را در هر حالی کریم بیابی.⁴⁴

در حالات رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است که: یکروز در سفر کوتاهی وقتی برای استراحت توقف کردند، پنج سجده بجا آورد. اصحاب علت را پرسیدند. فرمود: جبرئیل برایم پنج بشارت آورد و من برای هر بشارتی یک سجده انجام دادم.

با شکرگزاری می توان به خالق تقرب جست. شکر فرصتی است تا با خدای خود مناجات و نجوایی داشته باشیم.

«امام کاظم علیه السلام فرمودند: هرگاه یکی از شما به یاد نعمتی از نعمتهای خداوند عزوجل افتاد، پیشانیش را برای شکرگزاری، بر روی خاک بگذارد. و اگر سواره بود، پیاده شود و سجده کند. و اگر بخاطر انگشت نما شدن نمی تواند پیاده شود، پیشانیش را بر زمین اسب (در زمان ما فرمان ماشین) بگذارد و اگر این هم نشد، پیشانیش را بر کف دست بگذارد و خدا را بر نعمتهایش شکر کند.»⁴⁵

گاهی بایک شکر کردن بهشت بر انسان واجب می شود.

«امام صادق علیه السلام: فردی مقداری آب می خورد و با آن بهشت برایش واجب می شود. زیرا موقع نوشیدن آب وقتی ظرف آب را نزدیک دهانش می برد، بسم الله می گوید. سپس مقداری می خورد و حمد می کند. دوباره می نوشد و حمد می کند. برای بار سوم مقداری می نوشد و حمد الهی می کند. بوسیله این یک بسم الله و سه بار حمد، بهشت برایش واجب می شود.»

شکر، افراد غرق در نعمت را بیدار نگه می دارد و آنها دچار غفلت نمی شوند.

امام چهارم علیه السلام را «سجاد» یعنی بسیار سجده کننده گویند زیرا هرگاه به او نعمتی می رسید، به سجده شکر می رفت و هرگاه بین دو نفر اصلاح می کرد، سجده شکر می نمود و اگر از مریضی شفا می یافت، سجده شکر می کرد و اگر خداوند به او فرزندی می داد سجده شکر می نمود.

از آداب سفر است که وقتی به سلامت برگشتیم، سجده شکر نمائیم.

44. کتاب مصباح الشریعه: ص 24.

45. کتاب بحار الانوار: ج 68/ ص 35.

«امام رضا علیه السلام بعد از نماز ظهر به سجده رفته و صدبار می فرمود: حمدُ الله. وبعد از نماز عصر به سجده رفته و صدبار می فرمود: شکرُ الله.»

اما نعمتهایی که خداوند به ما داده قابل شمارش نیست، از جمله :

- ما را انسان آفرید
- به ما عقل داد
- ما را دین دار قرار داد و ما را با قرآن و اهل بیت علیهم صلوات الله آشنا نمود
- در جنگهای صدر اسلام، مسلمانان را یاری نمود، در دفاع مقدس مردم ایران آنها را یاری نمود و صدها توطئه علیه مسلمین مخصوصاً شیعیان آل محمد را خنثی فرمود

و...

جلسه یازدهم:

*** تقوا پیشه کنید**

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ

ای اهل ایمان! از خدا آن گونه که شایسته پروای از اوست پروا کنید!^{۴۶}

تقوا مهمترین راه سعادت دنیوی و اخروی است.

تقوا که همان پرهیزگاری است در لغت بمعنی دور نگه داشتن خود و در اصطلاح قرآن و احادیث منظور از تقوی دوری از گناه و در نظر داشتن خدا در همه لحظات زندگی می باشد و شخص متقی کسی است

که از هر چه خداوند نهی کرده دوری کند و در موقع برخورد با گناه خدا را در نظر گرفته از انجام آن پرهیز نماید و در حقیقت تقوی یک حالت روحانی و معنوی است که حافظ و نگهبان انسان از گناه است.

و خداوند متعال در جای دیگر تقوای مردم را موجب نزول برکات خدا می داند:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٌ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»⁴⁷

اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، یقیناً [درهای] برکاتی از آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم.

و در آیه دیگری می‌فرماید: «تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى»⁴⁸

به نفع خود توشه بگیرید، که بهترین توشه پرهیزکاری است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«ایمان به خدا کاملاً در انسان قرار نمی‌گیرد تا زمانی که خدا برای او بهتر و مهمتر از خودش و از مادرش و از پدر و خانواده اش و از مالش و از همه مردم باشد.»

شاعر می‌گوید:

توشه ره بساز از تقوی تا بمنزل رسی و شاد شوی

نبری ره به منزل مقصود گر در این ره بغیر زاد شوی

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله درذیل آیه:

47. سوره مبارکه اعراف: 96

48. سوره مبارکه بقره: 197.

((وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ))⁴⁹

هر که از خدا پروا کند، خدا برای او راه بیرون شدن [از مشکلات و تنگناها را] قرار می‌دهد و او را از جایی که گمان نمی‌برد روزی می‌دهد.

در تفسیر آن فرمودند: منظور از «راه بیرون شدن از مشکلات» این است که از مشکلات دنیا و از سختیهای مرگ و قیامت خداوند او را خارج می‌کند.

و حضرت علی علیه السلام در تفسیر آیه مذکور فرمودند: منظور از خروج یعنی خداوند او را از تاریکی فتنه‌ها نجات می‌دهد و در فتنه‌ها گرفتار نمی‌شود.

عارفی گفته است: جامع همه خیرات تقوی است.

تقوی شرف مرد بود در دو جهان

بی زهد و ورع کجا رسد کس بجنان

تقوای حقیقی یکی بر اثر دوری از موجبات گناه مثل پیشگیری در بهداشت و یکی هم بر اثر ممارست در روح و نفس نیرویی بوجود می‌آورد که به او مصونیت دهد و نمی‌گذارد دچار معصیت شود.

پس ای مؤمنین! همگی با انجام واجبات و ترک محرمات، شرافت دوجهان را برای خود بخريد و خدا را از خود خوشنودسازيد.

جلسه دوازدهم:

* حلال خدا را حرام نکنید و از حدود الهی تجاوز ننمائید!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ
الْمُعْتَدِينَ.

ای اهل ایمان! چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا برای شما حلال کرده بر خود حرام نکنید، و [از حدود خدا]
تجاوز ننمایید یقیناً خدا متجاوزان را دوست ندارد.^{۵۰}

انسانهای مؤمن همیشه مطیع خداوند سبحان می باشند و آنچه را که خدا حرام کرده، حرام می دانند و آنچه را که حلال نموده، حلال می دانند.

اسلام با ریاضت مخالف است، دین ما با اینکه کسی از گوشت و لباس خوب و عطر و دیگر نعمتهای حلال استفاده نکند و آنها را بر خود حرام نماید مخالف است، اگر چه این روش مرتاضان هند و رهبانان و تارکان دنیا و دروایش و بعضی از فرق می باشد.

زیرا اسلام دین دنیا و دین آخرت است و فقط به آخرت توجه ندارد، بلکه نعمتهایی که در دنیا است را برای مؤمنین خلق نموده تا آنها استفاده کرده و شکر او را بجا آورند.

لذا وقتی به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله خبر دادند چند نفر از مسلمانان تصمیم به ریاضت گرفته و از زن و گوشت و لباس خوب و عطر و امثال آن دوری می کنند، حضرت ناراحت شده و به مسجد رفتند و برای مردم سخنرانی فرمودند و گفتند: من که پیامبر شما هستم گوشت می خورم، همسر دارم، عطر می زنم و... و در دین من رهبانیت نیست!

پس احکام دین اسلام را نمی توان به دلخواه تغییر داد و حلالی را حرام کرد یا حرامی را حلال نمود. همانند بعضی از بدعتگذاران که در احکام دین تصرف کرده و تغییراتی ایجاد می نمودند. مثلاً «قره العین» نماینده بهائیت می گفت: ای مردم از امروز دیگر نماز بر شما واجب نیست! تکالیف از شما برداشته شده است!

آنها نماز جماعت را حرام و رباخواری را حلال می دانند!

یا وهابیون که حکم کردند همه زیارتگاهها باید تخریب شود! همه شیعیان باید کشته شوند! توسل به اهل بیت علیهم صلوات الله حرام است! عزاداری برای مرده حرام است! و...

یا خوارج نهروان که حکم کردند که کشتن علی علیه السلام واجب است! و پاره کردن شکم زن باردار را حلال نمودند!

یا بعضی از فرق دروایش که لواط را حلال می دانند و نماز را حرام می دانند! دادن «نیاز» را واجب میدانند!! خداوندا ما را از لغزش در دین حفظ بفرما.

آمین.

جلسه سیزدهم:

* مواظب دین و ایمان خودتان باشید!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ
جَمِيعاً فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ.

ای اهل ایمان! مراقب [ایمان و ارزش‌های معنوی] خود باشید اگر شما هدایت یافتید، گمراهی کسی که
گمراه شده به شما زیانی نمی‌رساند. بازگشت همه شما به سوی خداست پس شما را از آنچه انجام
می‌دادید، آگاه خواهد کرد.^{۵۱}

واقعا اگر کسی مؤمن باشد حتی اگر در قلب سرزمین کفر و شرک باشد یا در دست کفار اسیر باشد یا ببیند عده ای مرتد شدند باز بر سر دین و ایمان خود می ماند ، همان که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به عمار فرمود: اگر دیدی همه مردم از یک راه می روند و علی علیه السلام از راه دیگری می رود دنبال علی برو.

نباید ایمان ما عاریتی و سست باشد که فوری با مشکلات و حوادث از بین برود ؛ مانند عده ای از مسلمانان که وقتی آثار شکست را در جنگ احد دیدند در دل تصمیم به ارتداد و بازگشت به کفر گرفتند ، بلکه باید آنقدر ایمانش قوی باشد که مصداق حدیث قرار بگیرد که معصوم علیه السلام فرمود:

ایمان مؤمن از کوه قوی تر است زیرا کوه با کندن قسمتی از آن کوچک (کم) می شود ولی ایمان مؤمن هیچگاه کم نمی شود.

آیه فوق (که در ابتدای این وظیفه ذکر شد) ضرب المثل «خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو» را رد می کند. مؤمن در مسیری که خدا برای او در نظر گرفته حرکت می کند خواه مردم همراه او باشند یا نباشند.

ملاک حقانیت، کثرت و زیاد بودن همراهان نیست.

قرآن کریم اکثر مردم را گمراه می داند همانطور که الان اکثر مردم دنیا خواسته یا ناخواسته گمراه هستند ، چقدر قرآن می فرماید:

37. اکثرهم لایعقلون.⁵²

38. اکثرهم لایعلمون.⁵³

39. اکثرهم لایشکرون.⁵⁴

40. اکثرهم لایؤمنون.⁵⁵

41. اکثرهم یجهلون.⁵⁶

52. سوره مبارکه مائده: 103.

53. سوره مبارکه انعام: 37.

54. سوره مبارکه یونس: 60.

55. سوره مبارکه بقره: 100.

56. سوره مبارکه انعام: 111.

42. اکثرهم لفاسقین.^{۵۷}

43. اکثرهم کافرون.^{۵۸}

44. اکثرهم مشرکین.^{۵۹}

و...

جلسه چهاردهم:

* مواظب نمازتان باشید!

الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ.

آنان که همواره بر [اوقات و شرایط ظاهری و معنوی] نمازهایشان محافظت دارند.^{۶۰}

نماز آثار بسیار مهمی در انسان و اجتماع دارد که به بعضی اشاره می شود:

1- نماز و شفای بیماری

57. سوره مبارکه اعراف : 102.

58. سوره مبارکه شعراء : 223.

59. سوره مبارکه روم : 42.

60. سوره مبارکه مومنون : 9.

از جمله اثرات مثبت نماز، درمان بیماریهای جسمی است، طبق سفارشات طبیبان دینی و طبق بررسیهای دانشمندان غیر دینی، دعا و نماز و دل بستگیهای معنوی در درمان و یا کاهش بیماریها مؤثر می باشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به دیدار سلمان فارسی آمد و دید سلمان کمر درد دارد و خیلی شدید ناله می کند. فرمودند: سلمان! مثل اینکه درد به تو خیلی فشار آورده است؟ همین طور که نشسته ای یا خوابیده ای نماز بخوان!

سلمان گفت: یا رسول الله! مگر نماز برای کمر درد هم خوب است؟ حضرت فرمودند: مگر در قرآن نخوانده ای که «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»؟؟

آری نماز شفا دهنده دردها به اذن خداست و می توان با دور کعت نماز با حضور قلب آنچنان به خدا نزدیک شد، که شفای دردهایمان را از او بخواهیم و تعجبی ندارد اگر خدا به ندای نماز گزار پاسخ مثبت بدهد و دردها را از بین ببرد.

2- نماز و پیروزی در جنگ

در جنگها و عملیات های سخت و مهم گاهی عرصه بر انسانهای حق طلب، بسیار سخت می شود و دشمن از موضع قوی برخوردار است و شکست دادن او به آسانی میسر نمی شود. در این وقایع هم علاوه برداشتن توانائیهای جنگی، باید از نماز کمک گرفت.

امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: هر وقت که جنگ مغلوبه می شد و اسلام در مخاطره می افتاد، پیغمبر گرامی اسلام صلوات الله علیه و آله می فرمود: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ. أُمَّتِي الصَّلَاةُ الصَّلَاةُ» (یاری بجوئید از صبر و نماز. امت من بپادارید نماز را).

در همان وسط جنگ و در همان خط مقدم جبهه، پیغمبر اکرم صلوات الله علیه و آله پیاده می شدند و اصحاب هم پیاده می شدند و دور کعت نماز می خواندند. آنها پناه به نماز می بردند و بعد سوار می شدند و می جنگیدند و پیروز هم می شدند.

«امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ صفین به لشکریان خود فرمود: شما ان شاء الله فردا با دشمن درگیر می شوید. پس امشب را بیشتر به نماز مشغول باشید و قرآن را بسیار تلاوت کنید و از خدا صبر و پیروزی به طلبید.»

شهید سرلشکر زین الدین می گفت: در شبهایی که بسیجیان نماز شب می خواندند، وقتی عملیاتی علیه دشمن انجام می شد، معمولاً به پیروزی چشمگیری می انجامید ولی هنگامی که نماز شب برپا نمی شد، شکستهایی راهم در پی داشت.

3- نماز و کاستن غم و اندوه

نماز در کاهش غم و اندوه ها و ناراحتی های روحی نیز نقش درمانی دارد. همانطور که در زندگی اولیاء خدا آمده است که در مواقعی که غم و اندوه به آنها هجوم می آورد، همانند جنگهایی که دشمن به آنها هجوم گسترده می نمود، به نماز پناه می بردند.

روایت شده چون مشکلی برای خانواده رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش می آمد، می فرمود: «برخیزید نماز بخوانید، بعد می فرمود: خدا این گونه به من دستور داده است.»

در باره امیرالمؤمنین علیه السلام روایتی داریم که در شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها تا غم هجوم به اومی آورد، دو رکعت نماز می خواند. لذا قبل از غسل دادن، دو رکعت نماز خواند، قبل از اینکه زهرا را در قبر بگذارد هم نماز خواند، وقتی که زهرا را در قبر قرار داد و خاک روی قبر ریخت، غم به امیرالمؤمنین علیه السلام هجوم آورد و دو رکعت دیگر نماز خواند.

«امام صادق علیه السلام: هرگاه برای امیرالمؤمنین علیه السلام مشکلی پیش می آمد، به نماز پناه می برد»
«رسول خدا صلی الله علیه و آله: پیامبران خدا چنان بودند که چون دچار نگرانی می شدند، به نماز پناه می بردند.»

راوی می‌گوید: خدمت امام صادق علیه السلام آمد، امام مشاهده کردند که من غمگینم، علت را پرسیدند، گفتم: یک زنی در کوچه راه می‌رفت که ناگاه به زمین خورد، در این حال گفت: خدا لعنت کند قاتلین تو را ای فاطمه زهراء سلام الله علیها!

تا این حرف را زد مأمورین او را گرفتند و با کتک بردند، امام فرمودند: بلند شو دور کعت نماز بخوانیم، به مسجد رفتیم و دور کعت نماز خواندیم، امام از خدا خواستند که این زن نجات پیدا کند، طولی نکشید که خبر آوردند این زن را با احترام رها نموده‌اند.

در یکی از سفرهای عبدالله بن عباس به او خبر دادند که برادرت از دنیا رفت، عبدالله گفت: **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ** آن گاه از مرکب فرود آمد و به کناری رفت و دور کعت نماز خواند. پس از آن ساعتی با وقار و آرامش نشست و چون از جایش برخاست این آیه را می‌خواند: **«وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ»**⁶¹

«از صبر و نماز یاری بخواهید، و یقیناً این کار جز بر فروتنان، گران و دشوار است.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله: ای مردم! هرگاه مشکلات چون کمر بندی شخصی را محاصره کرد، وقتی دوسوم شب گذشت، فرشته‌ای به او می‌گوید برخیز و ذکر خدا بگو. اگر بلند شد و ذکر خدا گفت یک گره از مشکلش حل می‌شود و اگر وضو گرفت و به نماز ایستاد تمامی گره‌هایش باز می‌گردد و صبح را با شادمانی شروع می‌کند.»

«رسول خدا صلی الله علیه و آله: هنگامی که مشکلات و بلاها نازل می‌شود، اهل مساجد در امانند.»

از عوامل خودکشی‌های جوانان و بزرگسالان، هجوم غم‌ها و مصیبت‌ها به آنان است که اگر آدمی در این مواقع به نماز پناه نبرد شاید نتواند این بار را تحمل کند و از حال طبیعی خارج شده و دست به کارهای خلاف عقلی همچون خودکشی می‌زند. اما آنان که به نماز پناه می‌برند، احساس می‌کنند که که نیرو گرفته و قدرت تازه‌ای برای تحمل مشکلات و برخورد با آن پیدا می‌نمایند.

«امام صادق علیه السلام: چه مانعی دارد که وقتی برای یکی از شما مشکلی پیش می آید وضو گرفته و به مسجد رفته و دو رکعت نماز بخواند و از خدا حاجتش را بطلبد. مگر نشنیده اید که خدا فرموده است: استعینوا بالصبر والصلوة. از صبر و نماز کمک بگیرید.»

4- نماز و اجابت دعا

اثر دیگر نماز در اجابت دعای انسان است. کسانی که اهل نماز هستند چون به خدا نزدیکتر می باشند و پیشانی را در مقابل پروردگار خویش بر زمین می گذارند، دعاهایشان مستجاب می شود ولی افراد بی نماز دعایشان مستجاب نمی شود مگر به علت هایی همچون مهلت دادن برای اتمام حجت که

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمودند:

«یا بن آدم! اذا رايت رَبَّكَ سَبِّحْهُ يُتَابِعُ عَلَيْكَ نِعْمَهُ وَ اَنْتَ تَعْصِيهِ فَاحْذَرُهُ!»^{۶۲}

ای فرزند آدم زمانی که خدا را می بینی که انواع نعمت ها را به تو می رساند در حالی که تو معصیت کاری، بترس!

در حدیث قدسی است که خدا فرمود: اگر کسی مُحَدِّث شد و وضو نگرفت به من جفا کرده است. و اگر وضو گرفت و دو رکعت نماز نخواند، به من جفا کرده است. و اگر نماز را خواند و دعا نکرد، به من ستم کرده است. و اگر وضو گرفت و نماز را خواند و دعا کرد ولی من اجابت نکردم، من به او ستم کرده ام!

«امام صادق علیه السلام: هنگام حاجت، دو رکعت نماز بخوان و بر محمد و آلش صلوات بفرست و حاجتت را بگو. آنوقت حاجتت روا می شود.»

«امام صادق علیه السلام: هر که گرسنه باشد و پول نداشته باشد وضو بگیرد و دو رکعت نماز خوانده بگوید: خدا من گرسنه ام! مرا سیر نما! بلافاصله به او طعام داده می شود.»

«امام صادق علیه السلام: دروغ گفته کسی که بگوید نماز شب می‌خوانم ولی گرسنه‌ام و پول ندارم. زیرا نماز شب روزی روز را ضمانت کرده است.»

«امام صادق علیه السلام: همانا خداوند نماز را در بهترین وقتها واجب کرد پس بعد از نماز هایتان حاجتهای خود را بخواهید.»

علماء و عرفائی همچون مرحوم حسنعلی اصفهانی و راشد و شیخ انصاری و سید بحر العلوم و قاضی و دیگران که دعاهایشان مستجاب می‌شد بخاطر نمازهای خالصانه آنها بوده است. وقتی مرحوم حسنعلی اصفهانی شب را تا به صبح در یک رکوع می‌گذراند، چگونه مستجاب الدعوه نباشد که گویند افسری که سالها از همسرش بچه دار نشده بود به او مراجعه می‌نمود و او با یک دانه خرما او را معالجه می‌کرد و صاحب بچه شد، و یا زن مسیحی که دچار سرطان شده بود واسطه نزد او فرستاد و او زن را شفا می‌دهد چنانچه بعد از رحلت مرحوم اصفهانی می‌بینند زن مسیحی برای رحلتش سینه می‌زند و اشک می‌ریزد!

یکی از راههای شناخت افراد صاحب کرامت از مدعیان دروغین مسئله نماز است. گاه در فلان شهر پخش می‌شود که دختری امام زمان را دیده است! یا خانمی به نام بی بی زهرا زنهای عقیم را شفا می‌دهد و یا فلان آقا دعا نویس با کرامتی است! اما وقتی به حالات این مدعیان دقت می‌شود مشخص می‌گردد که حتی بعضی از آنها حمد و سوره را بلد نیستند بخوانند! و همین برای کذب ادعای آنان کافی است.

5- نماز و برطرف شدن خطر

در هنگامی که خطری متوجه انسان می‌شود، باید علاوه بر عکس العمل مناسب، به نماز روی بیاورد. و گاهی هیچ راهی جز روی آوردن به نماز برای انسان وجود ندارد.

راوی می‌گوید که : منصور دوانقی در وقتی غضبناک شد و تصمیم به قتل امام صادق علیه السلام گرفت، لذا امام را احضار نمود. هنگامی که امام به در قصر او رسیدند، امام به من (راوی) فرمود: صبر کن تا دورکت نماز بخوانم، وقتی امام نماز خواندند و نزد منصور رفتند، منصور اول عصبانی بود ولی بعد بصورت یک آدم متملق درآمد و امام را با احترام به منزلش برگرداند.

در زندگی علماء زیاد شنیده شده که در مواقع بحرانی و خطر به نمازروی می‌آوردند؛ از جمله وقتی حکم کشتن ملاطاهر قمی از سوی شاه‌طهماسب صفوی صادر شد و مأمور جلاد با دست خط شاه نزد ملاطاهر رفت. قبل از اجرای حکم شاه، ملاطاهر مشغول نماز شد، و یک نماز طولانی را شروع کرد، ناگاه حکم دیگر شاه مبنی بر دستگیری ایشان و رفتن نزد شاه به اطلاع ملاطاهر رسید و هنگامی که او را نزد شاه بردند، سخنانی بینشان رد و بدل شد و عاقبت با صحت و سلامت از کاخ شاه بیرون آمد.

جلسه پانزدهم :

*** مبدا به خدا و رسول و پیمان‌ها یتان خیانت کنید!**

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ.

ای اهل ایمان! [با فاش کردن اسرار و جاسوسی برای دشمن] به خدا و پیامبر خیانت نکنید، و به امانت‌های میان خود هم خیانت نورزید، در حالی که می‌دانید [خیانت، عملی بسیار زشت است].^{۶۳}

خیانت به خدا و پیامبرش صلی الله علیه و آله آن است که برای مثال: اسرار مسلمانان را برای دشمن فاش کنید! یا بادشمنان اسلام روابط پنهانی برقرار کنید و به آنها کمک کنید، یا دوست دار دشمنان پیامبر

اسلام وامامان علیهم صلوات الله وعلماء ربانی باشید ، یا به پیمانی که درعالم ذرّ وفطرت با خدا بسته اید عمل نکنید.

آری هر که به نحوی با اولیاء او دشمنی کند یا با قرآن مخالفت کند یا با احکام دین مخالفت نماید یا آنها را مسخره نماید جزو خائنین به خدا و رسول است.

همچنین اگر انسان به امانت مؤمنی خیانت کند، به خدا خیانت کرده چون امانت مؤمن، امانت خداوند است و آبروی مؤمن، آبروی خداست.

امانت انواعی دارد:

از جمله: مالی که نزد انسان امانت می گذارند ، اسرار مؤمن یک امانت است، فرزندان امانت هستند، پست و مسئولیت امانت است. شاگردان امانت هستند، عمر انسان امانت است، قرآن و اهل بیت علیهم السلام امانت هستند، مسجد و عالم محل امانت هستند، همسر امانت است.

در میان گناهان، خیانت در امانت از جمله منفورترین آنهاست.

جلسه شانزدهم:

* درمقابل دشمنان ثابت قدم باشید!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.

ای اهل ایمان! هنگامی که [در میدان نبرد] با گروهی [از مشرکان و کافران] برخورد کردید، ایستادگی نمایید و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید.^{۶۴}

استقامت و ثابت قدمی همراه با یاد خدا، از رموز پیروزی مؤمنین است.

تاریخ صدر اسلام پر از خاطره استقامت دلاورمردان در جنگهای بدر و خنین و خندق و خیبر است. که با جمعیت کمی در مقابل دشمنان فراوانی به پیروزی می رسیدند.

مسلمانانی که استقامت را از رسول خدا صلی الله علیه و آله یاد گرفته بودند کارشان به جایی رسید که شاهزادگان بزرگ جهان را به بردگی خود در آوردند و پای بر فرق فرقدان نهادند و کشورهای بزرگ ایران و روم را تحت تسخیر خود درآوردند درحالی که از نظر تعداد وامکانات درحد آن دو نبودند.

در روایت شریف آورده است:

در قیامت دسته‌ای از مردم درب بهشت را می‌کوبند، به آن‌ها گفته می‌شود: کیستید؟ گویند: ما کسانی هستیم که در دین خدا استقامت ورزیدیم، فرمان خدا را اطاعت کردیم و از نافرمانی خدا هر چند مخالف خواسته ما بود دوری کردیم، در این هنگام از طرف حضرت باری تعالی خطاب می‌رسد: راست می‌گویند، آن‌ها را داخل بهشت کنید.

خدای تعالی پاداش نامحدود به کسانی که در راه حق استقامت کردند، عنایت خواهد کرد.

«فَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ»

پس همان گونه که فرمان یافته‌ای ایستادگی کن و نیز آنان که همراهت به سوی خدا روی آورده‌اند [ایستادگی کنند].^{۶۵}

«عبدالله بن مسعود» ششمین شخصی بود که مسلمان شد و یکی از مسلمانان ثابت قدم و دانشمند گردید.

عبدالله نزد پیامبر اکرم صلوات الله علیه قرآن را می‌آموخت و یکی از نویسندگان وحی بود.

روزی عده‌ای از مسلمانان دور هم جمع شده بودند که صحبت از این‌به میان آمد که تابه حال غیر از پیامبر صلی الله علیه و آله، کسی جرعت تلاوت قرآن با صدای بلند در بین مشرکین را پیدا نکرده است. عبدالله اعلام آمادگی کرد تا این کار را انجام دهد! مسلمانان به او گفتند: تو عشیره‌ای نداری تا از تو دفاع کنند، بگذار کسی این کار را بکند که در صورت خطر، از او حمایت شود. عبدالله گفت: من می‌روم و پشتیبان من خداست!

فردای آن روز در حالی که سران مشرکین در کنار کعبه بودند، عبدالله آمد و در کنار مقام ابراهیم و در مقابل مشرکین، با صدای بلند مشغول تلاوت آیات قرآن شد! «اعوذُ باللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَلَّمَ الْقُرْآنَ ...» مشرکین با شنیدن آیات قرآن، از اینکه جوانی مانند عبدالله این چنین جرعت پیدا کرده، خشمگین شدند و به طرف او هجوم آوردند و او را که همچنان و بدون ترس، مشغول تلاوت بود، زیر ضربات خود گرفتند! اما عبدالله که جوانی لاغر و کوتاه اندام بود، دست برنداشت و بقدر لازم قرآن خواند، سپس خود را نجات داد و نزد مسلمانان بازگشت. وقتی مسلمانان او را با صورتی مجروح دیدند، گفتند: ما از همین می ترسیدیم! عبدالله گفت: نه، چیز مهمی نیست! اگر بخواهید فردا نیز برای تلاوت می روم! مسلمانان گفتند: نه! کافی است، آنچه آنها نمی خواستند را به گوش آنان رساندی!

یکی از اسرایی که به دست کومله اسیر شده بود درباره استقامت یکی از برادران ارتشی می نویسد: او را هفتاد و پنج روز شکنجه کردند، به پایش نعل کوبیدند و او را با همین صورت برای آوردن چوب و سنگ می بردند. برای گرفتن اعتراف و اطلاعات از او دو دست او را از بازو بردند، با دستگاههای برقی تمام صورتش را سوزاندند، پوستهای جدید را کنده و بر محل خونریزی آب نمک ریختند و او را داخل دیگ آب نمک انداختند ولی او که از ایمانی وصف ناپذیر برخوردار بود لب به سخن نمی گشود و آیات قرآن را تلاوت می کرد.^{۶۶}

در بنی اسرائیل عابدی بود که همیشه می گفت: الحمد لله رب العالمین والعاقبه للمتقين. ابلیس که از این حرف او در ناراحتی بود شیطانی را فرستاد که او را وادار کند بگوید: العاقبه للاغنياء! یعنی عاقبت با پولدارهاست! شیطان مذکور با عابد دیدار کرده و این پیشنهاد را به او کرد ولی عابد قبول نکرد و قرار گذاشتند که راجع به این سخن از یک نفری که می بینند پرسند، و هر که محکوم شد دست او را قطع نمایند، به یک نفر برخوردند و از او پرسیدند او گفت: العاقبه للاغنياء!

لذا دست راست عابد قطع شد ولی باز او می گفت: الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين. باز از شخص دیگری پرسیدند و او هم حرف شیطان را تأیید کرد پس دست دیگرش را قطع کردند اما او مرتب می گفت: الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين. وقرار گذاشتند که این بار هر کدام محکوم شد گردنش قطع شود. خداوند ملکی را فرستاد. آن دو از او سؤال کردند و او گفت: الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين وگردن شیطان را قطع کرد و دست عابد را هم شفا داد.

آری هیچ کس به موفقیت نرسید مگر بواسطه استقامت و صبر بر تلخیها و شداید که بعد از هر سختی آسانی است.

یکی از راههای آزمایش استقامت، مسئله شرکت در جهاد در راه خداوند است.

جهاد در راه خدا با استقامت رابطه مستقیمی دارد. لذا خداوند در حداقل هفده سوره قرآن کریم، و قریب چهارصد آیه درباره ارزش و جایگاه جهاد فرمانهای صادر فرموده است.

یکی از دلایل واجب شدن جهاد در اسلام، آزمایش مؤمنان است که چقدر در دینشان استقامت دارند.

درس «صبر و پایداری» از درسهای مهم جهاد است:

«الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»

در تنگدستی و تهیدستی و رنج و بیماری و هنگام جنگ شکیبایند اینانند که [در دین داری و پیروی از حق] راست گفتند، و اینانند که پرهیز کارند.^{۶۷}

صبر در جهاد باعث می شود که هر یک مسلمان برابر ده کافر و با تخفیف برابر دو کافر قرار گیرد و پیروز شود:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ. الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَ عَلَّمَ أَنْ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ»

ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ برانگیز که اگر از شما بیست نفر صابر باشند بر دویست نفر چیره می‌شوند، و اگر از شما صد نفر [صابر] باشند بر هزار نفر از کافران چیره می‌شوند زیرا آنان گروهی هستند [که حقایق توحید و حالات ملکوتیه را] نمی‌فهمند. اکنون خدا به شما تخفیف داد و معلوم داشت که در شما ضعفی هست بنابراین اگر از شما صد نفر صابر باشند بر دویست نفر چیره می‌شوند، و اگر هزار نفر [صابر] باشند، به فرمان خدا بر دو هزار نفر چیره می‌شوند و خدا با صابران است.^{۶۸}

اسلام برای مجاهدان در راه خدا، مقام بالایی در نظر گرفته است:

«لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرَ أُولِي الضَّرَرِّ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَ مَغْفِرَةً وَ رَحْمَةً وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»

آن گروه از مؤمنانی که بدون بیماری جسمی [و نقص مالی، و عذر دیگر، از رفتن به جهاد خودداری کردند و] در خانه نشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با اموال و جان‌هایشان به جهاد برخاستند، یکسان نیستند. خدا کسانی را که با اموال و جان‌هایشان جهاد می‌کنند به مقام و مرتبه‌ای بزرگ بر خانه‌نشینان برتری بخشیده است. و هر یک [از این دو گروه] را [به خاطر ایمان و عمل صالحشان] وعده پاداش نیک داده، و جهادکنندگان را بر خانه‌نشینان [بی‌عذر] به پاداشی بزرگ برتری داده است. به درجات و رتبه‌هایی، و آمرزش و رحمتی ویژه از سوی خود و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است.

اسلحه مجاهد هم مورد توجه اسلام قرار دارد و ارزشمند است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«الخير كله في السيف و تحت ظل السيف ولا يقيم الناس الا السيف و السيوف مقاليد الجنة والنار»⁶⁹

« همه خوبی در اسلحه است و زیر سایه اسلحه است و جز اسلحه چیز دیگری نمی تواند مردم را برپا نگه دارد و اسلحه ها کلیدهای بهشت و جهنم هستند.»

عثمان بن مظعون به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: دوست دارم به جهانگردی یا کوه نشینی بروم! فرمود: ای عثمان! این کار را نکن که سیاحت و جهانگردی امت من سفر جنگی و جهاد است.

کسانی که در جهاد کشته می شوند با کشته شدگان جنگهای دیگر فرق دارند:

«و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون. فرحين بما آتاهم الله من فضله و يستبشرون بالذين لم يلحقوا بهم من خلفهم الا خوف عليهم و لا هم يحزنون»⁷⁰

و هرگز گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شدند مرده اند، بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند. در حالی که خدا به آنچه از بخشش و احسان خود به آنان عطا کرده شادمانند، و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته اند [و سرانجام به شرف شهادت نایل می شوند] شادی می کنند، که نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند

رسول خدا صلی الله علیه و آله از آرزوی شهادت خود این چنین خبر داد: سوگند به آن که جانم در دست اوست که دوست می دارم در راه خدا کشته شوم بعد از زنده شوم و دوباره کشته شوم بعد از زنده شوم و دگر بار کشته شوم.

69. کتاب تهذیب الاحکام: ج 6 / کتاب الجهاد

70. سوره مبارکه آل عمران: 169-170.

جهاد همگانی است و حتی زنان باید به جهاد شرکت داشته باشند که ابتدا از کمک های آنان در پشت جبهه ها استفاده می شود ولی اگر نیروی مردان کافی نبود زنان هم باید سلاح بگیرند و دفاع و جهاد نمایند.

جعفر طیار رضوان الله تعالى علیه

جعفر طیار فرماندهی لشکر اسلام در جنگ موته را به عهده گرفت، وقتی لشگر سه هزار نفره مسلمین با لشگر صدهزار نفره روم مواجه شد، او همراه با رجزهایی که می خواند، حملات جانانه ای به دشمن می نمود و فرماندهی جنگ را به عهده داشت.

بعد از مدتی دشمن او را محاصره کرد. جعفر برای اینکه دشمن از اسبش استفاده نکند، ضربتی بر اسبش وارد کرد سپس به دفاع پرداخت. دشمن دست راست او را قطع کرد. او پرچم فرماندهی را به دست چپ گرفت اما دست چپش را نیز قطع کردند، او با بازوان قطع شده پرچم را گرفت تا اینکه او را شهید نمودند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در عوض دستهای قطع شده جعفر، خداوند به او بالهایی در بهشت عطا می کند که به هر کجا بخواهد پرواز کند. پس جعفر به «جعفر طیار» یعنی جعفر پرواز کننده معروف شد.

استقامت خباب الارت

وقتی خباب مسلمان شد، ارباش که زنی مشرک بود او را شکنجه می کرد و دستور می داد تا آهنی را گداخته و بر روی سرش قرار دهند. روزی خباب از این شکنجه ارباش به رسول خدا صلی الله علیه و آله شکایت کرد، حضرت برایش دعا نمود، اتفاقاً آن زن سردرد شدیدی پیدا کرد به طوری که از شدت درد زوزه می کشید. به او گفتند اگر بخواهی خوب شوی باید سرت را با آهن داغ گرم کنند! او هم به خباب می گفت تا آهن گداخته بر سرش بگذارد.

پسر خباب از شیعیان امیر المومنین علیه الصلاه و السلام بود. روزی عده ای از خوارج راه بر او گرفتند و با او درباره علی بن ابیطالب نزاع کردند و چون استقامت او را در ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام دیدند، او را در حالی که قرآنی به گردن آویخته بود کنار نهر بردند و سر بریدند. سپس شکم زنش را که حامله بود پاره کردند و کودکش را کشتند و چند زن دیگر را کشتند.

افسر شجاع اسلام

عبدالله بن حذافه از مسلمانان پیشتاز بوده که به حبشه هم مهاجرت نمود.

در جنگی اسیر رومیان شد ، ابتدا به او پیشنهاد مسیحی شدن دادند ، ولی او قبول ننمود ، دیگ بزرگی از روغن زیتون را به جوش آورده و یکی از اسیران را آورده و گفتند یا مسیحی شو یا کشته می شوی. او قبول ننمود. او را در دیگ انداختند. چیزی نگذشت که استخوانهایش بر روی روغن نمودار شد.

خواستند عبدالله را در دیگ بیاندازند ناگاه شروع به گریه کرد ، فرمانده رومیان گفت : از ترس می گرید ، او را برگردانید! عبدالله گفت: شما خیال کردید از ترس می گریم ، نه! من از این ناراحتم که چرا فقط یک جان دارم تا در راه اسلام تقدیم کنم، ای کاش به تعداد موهای بدنم جان داشتم تا به عدد جانهایم کشته می شدم.

فرمانده گفت : بیا سر مرا ببوس تا تو را آزاد کنم! عبدالله قبول ننمود، گفت: بیا مسیحی شو تا دخترم را به تو داده و تو را فرمانده نمایم! عبدالله قبول نکرد. گفت: اگر سر مرا ببوسی هشتاد اسیر مسلمان را آزاد می کنم. عبدالله گفت: اینک که بواسطه بوسیدن من اینها آزادی شوند حاضرم. او پیش رفت و سر فرمانده را بوسید و به اتفاق هشتاد نفر آزاد شد! وقتی به مدینه برگشت ، عمر بن خطاب پیش رفته و سر او را بوسید. اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله به شوخی به او می گفتند: سر کافری را بوسیدی خداهم در مقابل هشتاد نفر از مسلمین را آزاد فرمود.

دلاوری عبدالله بن رواحه

او یکی از فرماندهان جنگ موته بود. بعد از شهادت جعفر بن ابیطالب و زید بن حارثه او درحالی که سه روز در گرسنگی به سر برده بود پرچم را به دست گرفت ، پس عمویش مقداری گوشت به او داد ، همین که به دهان گذاشت به یاد شهادت جعفر افتاد، گوشت را بیرون انداخت و گفت: ای نفس! بعد از جعفر هنوز زنده هستی؟ سپس مشغول جهاد شد ، در گیاره روز جنگ ضربتی بر یک انگشتش وارد شد ، از اسب پیاده شد و انگشت را زیر پا نهاده تا جدا گردید. سپس به خود گفت: ای نفس! زن را طلاق دادم ! غلامان را آزاد کردم. باغ و بوستان را به رسول خدا صلی الله علیه و آله بخشیدم. اینک در این جهان چیزی ندارم پس چرا از شهادت گریزانی؟ دل بر شهادت نهاد و با قلبی آکنده از ایمان به کفار حمله نمود. بالاخره از اسب پیاده شد و شروع به نبرد کرد و آنقدر دلاوری نمود تا شهید شد.

اینها افرادی بودند که جان خود را در راه خدا فروختند و با مجاهدت خود، بهشت را برای خود خریدند. اما عده ای دیگر بودند و هستند که از میدان جهاد سرافراز بیرون نیامدند و به بهانه های واهی از جهاد فرار می کردند بطوری که خداوند در مذمت آنها می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ ائِفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْتِلُم إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ.»

ای اهل ایمان! شما را چه عذر و بهانه ای است هنگامی که به شما گویند: برای نبرد در راه خدا باشتاب [از شهر و دیارتان] بیرون روید به سستی و کاهلی می گرایید [و به دنیا و شهواتش میل می کنید؟!]. آیا به زندگی دنیا به جای آخرت دل خوش شده اید؟ کالای زندگی دنیا در برابر آخرت جز کالایی اندک نیست!^{۷۱}

انسان عاقل کالای کم دنیا را بر نعمتهای بی حد و حصر آخرت ترجیح نمی دهد.

بهشتی که درباره آن آمده است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: یک وجب از خاک بهشت، از دنیا و آنچه در دنیا است، بهتر می باشد.

بوی بهشت

ابابصیر می گوید: به امام صادق علیه السلام، عرض کردم که: مرا ترغیب و تشویق بفرمائید! فرمود: ای ابا محمد! بوی بهشت از مسیر هزار سال به مشام می رسد. کسی که پایین ترین درجه اهل بهشت را دارا است، اگر همه انس و جن، مهمان او شوند، برای آنها غذا و آشامیدنی دارد و چیزی کم نمی آورد. ساده ترین نعمتها برای یک فرد بهشتی، آنست که به او سه باغ می دهند. وقتی به باغ اول می رود، تا چشم کار می

کند، حورالعین و خادم و نهرها و میوه ها را می بیند و خدا را بخاطر این نعمتها شکر می کند. در این موقع به او گفته می شود، سرت را بلند کن و به باغ دوم نگاه نما! که در آن نعمتهایی است که در اولی نیست! و...

جلسه هفدهم :

* امر به معروف و نهی از منکر کنید!

والمؤمنون والمؤمنات اولياء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یقیمون الصلاه و یؤتون الزکوة و یطیعون الله ورسوله اولئک سیرحمهم الله ان الله عزیز حکیم

مردان و زنان با ایمان دوست و یار یکدیگرند همواره به کارهای نیک و شایسته فرمان می دهند و از کارهای زشت و ناپسند باز می دارند، و نماز را برپا می کنند، و زکات می پردازند، و از خدا و پیامبرش اطاعت می نمایند به زودی خدا آنان را مورد رحمت قرار می دهد زیرا خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است.^{۷۲}

«التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ
النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»

[آن مؤمنان، همان] توبه‌کنندگان، عبادت‌کنندگان، سپاس‌گزاران، روزه‌داران، رکوع‌کنندگان،
سجده‌کنندگان، فرمان‌دهندگان به معروف و بازدارندگان از منکر و پاسداران حدود و مقررات خداوند و
مؤمنان را [به رحمت و رضوان خدا] مژده ده.^{۷۳}

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ الْخَيْرَ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ
هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

و باید از شما گروهی باشند که [همه مردم را] به سوی خیر [اتحاد، اتفاق، الفت، برادری، مواسات و
درستی] دعوت نمایند، و به کار شایسته و پسندیده وادارند، و از کار ناپسند و زشت بازدارند و اینانند که
یقیناً رستگارند.^{۷۴}

«كُنْتُمْ خَيْرُ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَتَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ
الْمُنْكَرِ»

شما بهترین امتی هستید که [برای اصلاح جوامع انسانی] پدیدار شده‌اید، به کار شایسته و پسندیده
فرمان می‌دهید و از کار ناپسند و زشت باز می‌دارید.^{۷۵}

«الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»

مردان و زنان با ایمان دوست و یار یکدیگرند همواره به کارهای نیک و شایسته فرمان می‌دهند و از
کارهای زشت و ناپسند باز می‌دارند.^{۷۶}

73. سوره مبارکه توبه : 112 .

74. سوره مبارکه آل عمران : 104 .

75. سوره مبارکه آل عمران : 110 .

«يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»

پسرم! نماز را برپا دار و مردم را به کار پسندیده وادار و از کار زشت بازدار و بر آنچه [از مشکلات و سختی‌ها] به تو می‌رسد شکیبایی کن، که اینها از اموری است که ملازمت بر آن از واجبات است.^{۷۷}

«إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتَ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ»

چون بشنوید گروهی آیات خدا را مورد انکار و استهزا قرار می‌دهند، با آنان ننشینید تا در سخنی دیگر درآیند.^{۷۸}

«الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»

همانان که اگر آنان را در زمین قدرت و تمکن دهیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌پردازند، و مردم را به کارهای پسندیده وادارند و از کارهای زشت باز می‌دارند و عاقبت همه کارها فقط در اختیار خداست.^{۷۹}

این دو اصل امر بمعروف و نهی از منکر در حقیقت یک نوع جهاد هستند ولی جهاد مسالمت‌آمیز.

معروف هر آنچه است که اسلام بدو دستور داده مثل نماز خواندن و روزه گرفتن و... و منکر هر آنچه که اسلام از آن نهی نموده است مثل شراب خوردن و روزه خوردن و ...

76. سوره مبارکه توبه : 71.

77. سوره مبارکه لقمان : 17.

78. سوره مبارکه نساء : 140.

79. سوره مبارکه حج : 41.

این دو اصل باعث می‌شود که مسلمانان بر خلاف ملل دیگر نسبت به هم بی تفاوت نباشند و در مورد یکدیگر احساس مسئولیت نمایند:

«تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»

{مومنین} یکدیگر را به حق توصیه نموده و به شکیبایی سفارش کرده‌اند.⁸⁰

امر به معروف ونهی از منکر در آئینه احادیث

- 1- رسول خدا صلی الله علیه و آله : آمر به معروف و ناهی از منکر خلیفه خدا هستند.
- 2- امیر مؤمنان علی علیه السلام : تمام کارهای خوب نسبت به امر بمعروف ونهی از منکر همانند قطره نسبت به دریا است.
- 3- رسول خدا صلی الله علیه و آله : اگر گناهان علنی شود و کسی نهی از منکر نکند به توحید اهانت می‌شود.
- 4- امیر مؤمنان علی علیه السلام : کسی که نه با دل و نه با دست و زبان نهی از منکر نکند مرده‌ای در بین زندگان است.
- 5- امام صادق علیه السلام : کسی که همسایه گناهکارش را نهی از منکر نکند شریک اوست.
- 6- رسول خدا صلی الله علیه و آله : به خدا قسم از امت من اشخاصی محشور شوند که صورتی مانند بوزینه و خوک دارند اینها قدرت بر نهی از منکر داشتند ولی با گناهکار سازش کردند.
- 7- امام علی علیه السلام : امر به معروف ونهی از منکر را ترک نکنید که بدان بر شما مسلط شده و دیگر دعای شما مستجاب نمی‌شود!
- 8- امام باقر علیه السلام : امر به معروف ونهی از منکر دو مخلوق خدا هستند ، هر که آنها را یاری کند، خدا او را عزیز بدارد و هر که آنها را تنها بگذارد، خدا او را خوار کند.

9- امام صادق علیه السلام : هر که همسایه معصیت کاری داشته باشد و او را نهی از منکر نکند، شریک جرمش است.

مصادیق منکرات

- 1- منکرات اعتقادی: مثل کفر و شرک و اعتقاد به فرق ضاله و صوفی گری و ...
- 2- منکرات اخلاقی: مانند فحشاء و بی ادبی و بد دهانی و ...
- 3- منکرات عبادی: مانند روزه خواری و ترک نماز و توهین به مقدسات و ...
- 4- منکرات خانوادگی: مثل ترویج فساد در خانه و ...
- 5- منکرات اقتصادی: مانند احتکار و گرانفروشی و اختلاس و پولشویی و قاچاق و ...
- 6- منکرات اجتماعی: مانند خیانت و چشم چرانی و عدم رعایت قانون و ...
- 7- منکرات سیاسی: مانند اشاعه اکاذیب و شایعه پراکنی و ...
- 8- منکرات نظامی: مثل فرار از خدمت و ...
- 9- منکرات فرهنگی: مانند کراوات بستن و سگ گردانی و تبعیت از مد و فرهنگ غربی و ...
- 10- منکرات اداری: مانند رشوه خواری و ...

درباره اهمیت نماز گفته شد ،اما

جایگاه مهم زکات در اسلام:

زکات آن چنان جایگاه مهمی دارد که در صدر اسلام ،بخاطر اهمیتی که رسول خدا به امر زکات می داد، اخذ زکات از مسلمین اجباری بود و با هر روستا یا قبیله ای که از دادن زکات امتناع می کردند، می جگیدند و آنها را مجبور به دان زکات می کردند ، زیرا زکات علاوه بر اینکه یک واجب دینی است که رتبه اش بعد از نماز است، آثار مثبتی برای جامعه مسلمین به ارمغان می آورد از جمله:

الف- از بین رفتن فقر در جامعه مسلمین

اسلام عزیز برای از بین بردن فقر در جامعه مسلمین و برای جلوگیری از خوار و ذلیل شدن عده ای از مسلمانان، دستور داده است که زکات پرداخت شود. واقعا اگر همه مسلمانانی که زکات دامن آنها را می گیرد

زکات بدهند، آیا فقری در جامعه باقی می ماند؟ حتی اسلام برای ایجاد عدالت در بین فقرا و زکات گیرندگان، دستور داده است که به هر فقری بیشتر از مخارج یکسالش پرداخت نشود تا مبادا به عده ای از فقرا زیاد بدهند و به عده ای کم.

ب- پاک نمودن اموال مسلمانان از آلودگیها

چون زندگی مسلمان باید از هرگونه آلودگی پاک باشد، با دادن زکات اموالی که زکاتش پرداخت شده برای او پاک و پاکیزه می شود و استفاده از آنها در روح و روان خانواده آثار مثبتی دارد و بر عکس کسانی که زکات نمی دهند وقتی که از اموال زکات نداده استفاده می کنند گویا مشغول خوردن مال دزدی می باشند. چطور اگر به مسلمانی بگویند بیا و مال دزدی را بخور! ناراحت می شود. ولی از خوردن مال زکات نداده ابایی ندارد و امتناع نمی کند؟ علت این امر بعضی ها شاید بخاطر ندانستن مسئله زکات و جایگاه زکات در اسلام باشد. او نمی داند که دارد مال حرام می خورد، او نمی داند که کسی که زکات ندهد نمازش قبول نیست، او نمی داند که دارد حق فقرا را می خورد.

ج- بهره مندی همه مردم از مواهب زندگی

چرا باید همیشه عده ای از مسلمانان در رفاه و سیری و خوشی باشند و عده ای در فقر و گرسنگی و گرفتاری مالی؟ مگر همه انسان نیستند؟ و مگر خدا نفرموده که همه در پیشگاهش برابرند جز افرادی که تقوایشان بیشتر است؟

آری باید به وسیله اشاعه فرهنگ زکات در جامعه مسلمین، محیطی پدید آید که همه از مواهب زندگی استفاده کنند. اگر بناست انسان از ماشین استفاده کند همه مسلمانان باید ماشین داشته باشند، اگر بناست انسان در خانه زندگی کند همه باید خانه داشته باشند، اگر بناست انسان ازدواج نماید باید همه جوانها توانائی ازدواج داشته باشند، اگر بناست غذا خورده شود همه باید غذا بخورند، در این دین گرانبها، همه انسانها حق داند تا از نعمتهائی که خدا به آنها کرامت کرده بهره مند گردند.

د- جلوگیری از به وجود آمدن جرم

به گفته کارشناسان دینی و کارشناسان غیر دینی، یکی از عوامل بزهکاری در جامعه، فقر می باشد. دزدی و فحشاء و مواد مخدر و بیکاری و قاچاق همیشه قربانی گرفته است. گاهی انسان چشمش به پسر جوانی می افتد که بخاطر دزدی باید سالهای سال از عمر گرانقدر خود را در زندان سپری نماید. همچنین زنانی که بخاطر فقر، گوهر گرانبهای خود یعنی عفت خود را در مقابل مبلغ ناچیزی به حراج می گذارند.

در به وجود آمدن این بزه ها، افرادی که باید زکات بدهند نقش دارند، کسانی که متمکن هستند و اموال خود را در راه فقر زدایی صرف نمی کنند مقصر هستند. سرمایه دارانی که می توانند با سرمایه گذاری در کشور عزیز ایران، کارخانه و محل های اشتغال زائی ایجاد نمایند ولی سرمایه خود را به خارج از کشور منتقل کرده و در آنجا پول خود را صرف می کنند، آنها هم در ایجاد جرایم مقصر هستند.

ذ- کمک به پر رنگ شدن نقش دین

در جهان کنونی متأسفانه در کشورهای مسلمان فقر بی داد می کند، بیش از 50٪ مردم پاکستان در زیر خط فقر زندگی می کنند، در افغانستان، عراق، بنگلادش، مصر، سودان و دهها کشور اسلامی فقر و گرسنگی در سطح بالایی وجود دارد، اگر در این کشورها، افراد متمکن به وظایف اسلامی و انسانی خود عمل کنند و خمس و زکات اموالشان را بدهند و علاوه بر آن صدقات مستحب و انفاق های نیکوکارانه را انجام دهند، می توانند در فقر زدائی از کشورشان و نشان دادن چهره اصلی اسلام که مبنی بر از بین بردن هرگونه فقر و گرسنگی است نقش مهمی ایفا نمایند.

پرداخت زکات از نظر خداوند، یکی از علامتهای دینداری و شرط ضروری ایمان شمرده شده است.

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ. الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ. وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ. وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ»

بی تردید مؤمنان رستگار شدند. آنان که در نمازشان [به ظاهر] فروتن [و به باطن با حضور قلب] اند.

و آنان که از [هر گفتار و کردار] بی‌فایده روی‌گردانند، و آنان که پرداخت‌کننده زکات‌اند.^{۸۱}

ندادن زکات نشانه شرک است:

«وَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ. الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ»

وای بر مشرکان! همانان که زکات نمی‌دهند و آخرت را انکار می‌کنند.^{۸۲}

پرداخت زکات باعث جلب رحمت الهی است:

«أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»

نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید، و این پیامبر را اطاعت کنید تا مورد رحمت قرار گیرید.^{۸۳}

دادن زکات یکی از وظایف حاکمان مؤمن است:

«الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ»

همانان که اگر آنان را در زمین قدرت و تمکن دهیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌پردازند، و مردم را به کارهای پسندیده و از کارهای زشت باز می‌دارند.^{۸۴}

زکات در شریعت همه پیامبران الهی بوده است:

81. سوره مبارکه مومنون: 1-4.

82. سوره مبارکه فصلت: 6-7.

83. سوره مبارکه حج: 56.

84. سوره مبارکه حج: 41.

«وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِذْ كَانَ صَادِقُ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ
بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا»

و در این کتاب، [سرگذشت] اسماعیل را یاد کن، که او راست وعده و فرستاده‌ای پیامبر بود. و همواره خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد، و نزد پروردگارش پسندیده بود.^{۸۵}

«وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً بَامْرًا وَ أَوْحَيْنَا
إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءَ الزَّكَاةِ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ»

و اسحاق و یعقوب را به عنوان عطایی افزون، به او بخشیدیم و همه را افرادی شایسته قرار دادیم. و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کردند، و انجام دادن کارهای نیک و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات را به آنان وحی کردیم، و آنان فقط پرستش کنندگان ما بودند.^{۸۶}

زکات یکی از راههای امتحان مؤمنین است:

«إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ»

اموال و فرزندان فقط وسیله آزمایش‌اند، و خداست که پاداشی بزرگ نزد اوست.^{۸۷}

زکات در آئینه روایات

1- امام صادق علیه السلام: دزدها سه دسته‌اند: اول کسی که زکات نمی‌دهد، دوم کسی که مهر زنش را نمی‌پردازد، سوم کسی که قرض کرده ولی قرضش را نمی‌پردازد.

85. سوره مبارکه مریم: 54-55.

86. سوره مبارکه انبیاء: 72.

87. سوره مبارکه تغابن: 15.

2- نصیحت رسول خدا صلی الله علیه و آله به یکی از زنان:

ای حواء! حق زن بر مرد این است که شکم زن را سیر کند و لباس برایش فراهم کند و به او نماز و روزه و زکات را بیاموزد.

خداوند زکات و حقوق مالی الهی را پاک کردن نامیده است: **خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ.**

از اموالشان زکاتی دریافت کن که به سبب آن [نفوس و اموالشان را] پاک می‌کنی، و آنان را رشد و تکامل می‌دهی.^{۸۸}

3- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ندا کنند که ای مسلمین! زکات اموالتان را بدهید تا نمازتان قبول شود.

4- زکات از نماز جدانیست:

امام باقر علیه السلام: خدا در قرآن زکات را با نماز آورده پس هر که نماز بخواند ولی زکات ندهد مثل این است که نماز نخوانده است.^{۸۹}

5- امام صادق علیه السلام: قسم به خدائی که مخلوقات را خلق کرد و به آنها رزق داده‌یچ مالی در خشکی و در دریا از بین نمی‌رود مگر بواسطه ندادن زکات.^{۹۰}

۸۸. سوره مبارکه توبه: 103.

۸۹. کتاب وسائل الشیعه: ج 4 / ص 3

۹۰. همان.

جلسه هجدهم:

* همیشه با راستگویان باشید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید و با صادقان باشید [صادقانی که کامل‌ترینشان پیامبران و اهل بیت رسول بزرگوار اسلام هستند].^{۹۱}

در تفاسیر درباره مراد از صادقین، آمده که : آنها کسانی هستند که هیچگاه در عمرشان دروغ نگفته اند که شامل پیامبران و امامان صلوات الله علیهم می شود.

مقام پیامبران علیهم السلام که مشخص است اما درباره جایگاه اهل بیت علیهم السلام از باب تبرک و تیمن مطالبی را عرضه می داریم:

آیات زیادی در قرآن درباره امامت وجود دارد.

امامت دنباله نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است و اگر امامت نباشد، دین ناقص است.

تعبیرات قرآن از امامت بشرح زیر است:

1- با امامت، دین اسلام کامل شد

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»

امروز [با نصب علی بن ابی طالب به ولایت، امامت، حکومت و فرمانروایی بر امت] دینتان را برای شما کامل، و نعمتم را بر شما تمام کردم، و اسلام را برایتان به عنوان دین پسندیدم

2- علوم همه انبیاء در امام جمع شده است.

«وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ»

همه چیز را در امامی آشکار شماره کرده ایم.^{۹۲}

3- امامت بالاترین درجه حضرت ابراهیم علیه السلام بود.

«وَإِذَا ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»

92. سوره مبارکه یس : 12 . در ترجمه این آیه به استثناء از ترجمه استاد بزرگوار : سید کاظم ارفع استفاده شد زیرا طبق مبنای استاد انصاریان «امام» در این آیه همان کتاب است که با نظر مولف مغایرت دارد.

و [یاد کنید] هنگامی که ابراهیم را پروردگارش به اموری [دشوار و سخت] آزمایش کرد، پس او همه را به طور کامل به انجام رسانید، پروردگارش [به خاطر شایستگی و لیاقت او] فرمود: من تو را برای همه مردم پیشوا و امام قرار دادم. ابراهیم گفت: و از دودمانم [نیز پیشوایانی برگزین]. [پروردگار] فرمود: پیمان من [که امامت و پیشوایی است] به ستمکاران نمی‌رسد.^{۹۳}

4- امامان از آلودگیها پاک هستند.

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» احزاب 33

جز این نیست که همواره خدا می‌خواهد هرگونه پلیدی را از شما اهل بیت [که به روایت شیعه و سنی محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام اند] برطرف نماید، و شما را چنان که شایسته است [از همه گناهان و معاصی] پاک و پاکیزه گرداند.^{۹۴}

ابن عباس می‌گوید: وقتی آیه فوق نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله 9 ماه همه روزه به در خانه علی علیه السلام می‌رفت و بر آنها سلام می‌کرد و آیه فوق را تلاوت می‌فرمود.

5- علی علیه السلام و شیعیانش بهترین مخلوقات زمین هستند

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ»

مسلماً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، اینانند که بهترین مخلوقات اند. که در تفسیر آمده که: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مراد علی علیه السلام و شیعیانش هستند.^{۹۵}

6- بعد از خدا و رسول، امامان پیشوای مردمند

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»

سرپرست و دوست شما فقط خدا و رسول اوست و مؤمنانی [مانند علی بن ابی طالب اند] که همواره نماز را برپا می‌دارند و در حالی که در رکوعند [به تهیدستان] زکات می‌دهند.^{۹۶}

که علماء سنی و شیعه گفته اند که آیه فوق در شأن علی علیه السلام نازل شده است.^{۹۷}

93. سوره مبارکه بقره: 124.

94. سوره مبارکه احزاب: 33.

95. الاصفی فی تفسیر القرآن: ج2/ص1465 و تفسیر القمی: ج2/ص432 و البرهان فی تفسیر القرآن: ج5/ص719 و ...

96. سوره مبارکه مائده: 55.

7- امامان اولی الامر و صاحب اختیار مردمند

«یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»

ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و [نیز] از پیامبر و صاحبان امر خودتان [که امامان از اهل بیت‌اند و چون پیامبر دارای مقام عصمت می‌باشند] اطاعت کنید.^{۹۸}

که مفسرین شیعه و بعضی از عامّه معتقدند که مراد از اولی الامر، امامان معصوم علیهم السلام هستند.^{۹۹} درباره آیه فوق جابر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال کرد که اولی الامر که ماباید از آنها اطاعت کنیم کیانند؟ و حضرت فرمود: جانشینان من که اول آنها علی و بعد حسن و حسین سپس علی بن الحسین آنگاه محمد باقر که تو اورا می بینی پس سلام مرا برسان! سپس جعفر صادق و بعد از او موسی کاظم و بعد از او علی الرضا و بعد از او محمدجواد و بعد از او علی هادی و بعد از او حسن عسگری و بعد از او قائم منتظر مهدی صلوات الله علیهم لجمعین هستند که بعد از من امام و پیشوا خواهند بود.^{۱۰۰}

ابراهیم علیه السلام و ملکوت آسمانها

رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی خداوند، ملکوت آسمانها را به ابراهیم علیه السلام نشان داد، ابراهیم نوری را در عرش دید.

پرسید: خدایا! این چه نوری است؟

خطاب رسید: ای ابراهیم! این نور، محمد برگزیده من است.

پرسید: نور دیگری که پهلوی اوست، چیست؟

فرمود: این نور علی، یاری کننده دین من است.

پرسید: نور دیگری هم پهلوی ایشان مشاهده می‌کنم!

97. التبیان فی تفسیر القرآن: ج 5 / ص 559 و تبیین القرآن: ج 1 / ص 129 و تفسیر الصافی: ج 2 / ص 45 و از منابع عامه: انوار التنزیل و اسرار

التاویل: ج 2 / ص 132 و البحر المحیط فی التفسیر: ج 4 / ص 301 و بحر العلوم: ج 1 / ص 401.

98. سوره مبارکه نساء: 59.

99. منابع عامه: التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعہ و المنهج: ج 5 / ص 126 و شواهد التنزیل لقواعد التفضیل: ج 1 / ص 190.

100. اثبات الهدی: ج 3 / ص 123.

فرمود: این فاطمه است که پهلوی پدر و شوهرش قرار دارد. من دوستان فاطمه را از آتش نجات داده‌ام.

پرسید: خدایا! دو نور دیگر می‌بینم!

فرمود: آنها حسن و حسین هستند.

پرسید: نورهای دیگری هم می‌بینم!

فرمود: آنها علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و مهدی آل محمد می‌باشند.

پرسید: خدایا! غیر از این چهارده نور، نورهای بسیاری در اطراف آنها می‌بینم!

فرمود: اینها شیعیان و دوستان محمد و آل محمدند.

پرسید: شیعیان را با چه علامتی می‌توان شناخت؟

فرمود: خواندن پنجاه و یک رکعت نماز در شبانه روز (17 رکعت واجب و 34 رکعت نافله)، بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم، قنوت قبل از رکوع، سجده شکر و انگشتر به دست راست کردن.

ابراهیم علیه السلام درخواست کرد که: خدایا! مرا نیز از دوستان و شیعیان محمد و آل محمد قرار بده!

خطاب رسید: من تو را از دوستان و شیعیان آنها قرار دادم.^{۱۰۱}

این جایگاه اهل بیت علیهم السلام است که ایشان حجت‌های الهی و انوار خداوند در زمین هستند. هر که از آنها تبعیت کرد هدایت شد و هر که با آنها مخالفت کرد، گمراه گردید.

جلسه نوزدهم:

* از شهر وروستا برای کسب علوم هجرت کنید

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي
الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ

و مؤمنان را نسزد که همگی [به سوی جهاد] بیرون روند چرا از هر جمیعتی گروهی [به سوی پیامبر]
کوچ نمی کنند تا در دین آگاهی یابند و قوم خود را هنگامی که به سوی آنان بازگشتند، بیم دهند باشد
که [از مخالفت با خدا و عذاب او] پرهیزند.^{۱۰۲}

ای مؤمنین! باید عده ای از شما از شهر و روستای خودتان بسوی مراکز فقهی و علمی اسلامی هجرت نموده و پس از عالم شدن، برگردید و مردم را هدایت نمایید.

همانطوری که مردم در زندگی خود به انواع افراد متخصص نیازمند هستند مانند دکتر و مهندس و معمار و نجار و غیره به متخصص در دین و احکام شرعی نیز نیازمند می باشند.

لذا باید عده ای از افراد با استعداد و علاقه مند به علوم حوزوی، از سراسر کشور اسلامی به سوی حوزه های علمیه اعزام شوند و نزد اساتید و عالمان سپس در نزد مراجع تقلید علوم مورد نیاز مردم را فراگرفته بعد به عناوین مختلف مانند امام جمعه، استاد حوزه علمیه، منبری و سخنران، مسئول عقیدتی سیاسی و روحانی مستقر و مبلغ و غیره به شهرها و روستاها مراجعت فرمایند.

امام راحل رضوان الله تعالی علیه که خود از علماء بسیار بزرگ قرن حاضر بوده و بنیان انقلاب اسلامی را نهادند، در بیانات خود بارها و بارها به جایگاه ویژه روحانیت در اسلام اشاره می کردند و مردم را به پیروی از روحانیت راستین دعوت می کردند و اسلام منهای روحانی را، اسلام منهای اسلام می دانستند.

بعد از انقلاب اسلامی ایران، چون جایگاه و ارزش روحانیت برای همگان روشن گردید، باعث شد که از یک طرف مردم ایران بیشتر به جایگاه این نهاد مقدس پی ببرند و با آنان همراهی کنند و از تبعیت از آنان در امر دین و دنیایشان دوری ننمایند و از طرفی باعث شد که دشمنان روحانیت برای از بین بردن این جایگاه مهم و سرنوشت ساز از راههای مختلف به توطئه دست بزنند؛ یکی از این توطئه ها ایجاد توهم دشمنی روحانیت با لذات و رفاه و دنیا و زندگی و معاش مردم است.

به بعضی از جوانان القا کرده اند که روحانیون هستند که باعث شده اند همیشه مراسم عزاداری و روضه خوانی برپا باشد و از مجالس خوشحال کننده و سرور و شادی خبری نباشد و در پارکها و دربندها و بازارها مأمورین حکومت روحانیون! مانع از شادی جوانان می شوند و حتی از پوشیدن لباسهای سبک جلوگیری می کنند و روحانیون با لذات دنیوی مخالفند و می گویند مردم باید در دنیا زاهد باشند و ریاضت بکشند و در آخرت خدا آنان را به بهشت می برد.

به آنان القا کرده اند که روحانیون با هرگونه پیشرفت مخالفند و می گویند مردم نیازی به تلویزیون و رادیو و سینما و ویدئو ندارند. و صدها تهمت و دروغ دیگر، لذا بعضی از جوانان با یک دشمنی خاصی با روحانی

روبرو می‌شوند اما وقتی پای صحبت او می‌نشینند و می‌بینند از آن دروغها خبری نیست و متوجه می‌شوند که :

روحانی هرگز مخالف پیشرفت نیست! روحانی هرگز مخالف رفاه نیست! روحانی هرگز مخالف لذات مشروع نیست! روحانی هرگز مخالف تفریح سالم و گشت و گذار در کوه و دشت نیست! روحانی هرگز مخالف پوشیدن لباسهای زیبا و قیمتی و استفاده از نعمتهای خدادادی نیست! روحانی هرگز مخالف آزادی‌های مشروع نیست! روحانی هرگز مخالف زندگی مرفه نیست! روحانی به دنبال این است که مسئولین سعی کنند و تلاش کنند تا همه مردم صاحب خانه و ماشین و شغل باشند! روحانی به دنبال عزت مردم است! همانگونه که امام راحل رضوان الله تعالی علیه وقتی در بازگشت از تبعید در بهشت زهراء سخنرانی کرد، فرمود: من آمده‌ام تا شما عزیز باشید.

روحانی با فساد مخالف است! روحانی با بی بند و باری مخالف است! روحانی با آزادی‌های از جنس غربی مخالف است! روحانی با سینمایی که فیلمهای خلاف عفت و اخلاق نمایش دهد مخالف است! روحانی با رایانه‌ای که فساد را اشاعه دهد مخالف است! روحانی با اینترنتی که جوانان را به تباهی‌ها دعوت می‌نماید مخالف است! روحانی با پوشیدن لباسهایی که عفت عمومی را هتک حرمت کند مخالف است! روحانی با پارک و کوه رفتن افرادی که مزاحم نوامیس مردم می‌شوند مخالف است! روحانی با تلویزیونی که برنامه‌های مخالف امنیت و اخلاق و دین پخش می‌کند مخالف است! روحانی با مشروبات الکلی که عقل راضیع می‌کند مخالف است! روحانی با مواد مخدری که جوانان را بیچاره و بدبخت می‌کند مخالف است! روحانی با سرمایه داری که سرمایه‌اش را از راههای حرام کسب کرده مخالف است! روحانی با باندهای که در پی شکار جوانان ساده لوح هستند مخالف است! روحانی با پارتی‌ها و اجتماعاتی که در آن انواع گناهان و فسق و فجورها انجام می‌شود مخالف است! روحانی با گروههای سیاسی که جوانان را به دام انداخته و آنان را علیه دین و دیانت تحریک می‌کنند مخالف است! روحانی با گروههای سیاسی که بر خلاف امنیت و بر خلاف اسلام و انقلاب اسلامی حرکت می‌کنند مخالف است! روحانی با فساد مخالف است! روحانی با از هم پاشیده شدن کانونهای خانواده‌ها مخالف است! روحانی با زیر بار ظلم استکبار رفتن مخالف است! روحانی با زیر بار قدرتهای «حق و تو» دار رفتن مخالف است! روحانی با هرگونه استعمار و بهره‌کشی از انسانها مخالف است! روحانی با وطن فروشها مخالف است! روحانی با شاهانی که هزاران سال مردم ایران را اسیر خود نمودند و انواع جنایتها و ظلمها در حق او روا داشتند مخالف است! روحانی با ستم خان‌ها و حاکمان زر و زور مخالف است! روحانی با حکومتهایی که قبل از انقلاب

توسط استعمار به مردم تحمیل شدند مخالف است! روحانی با انحراف مخالف است! روحانی با تباهی مخالف است! روحانی با کفر والحاد وارتدادمخالف است! روحانی مردم را به نور دعوت می کند وباظلمت مخالف است!

روحانی، مردم ایران را که امتیاز شیعه بودن را از بین تمام کشورها به خود اختصاص داده اند دوست دارد! روحانی جوانانی را که دوستدار اهل بیت هستند دوست دارد! روحانی جوانانی را که در پیروزی انقلاب اسلامی سهم اصلی را داشتند دوست دارد! روحانی جوانانی را که در ایام دفاع مقدس با مجاهدتهای خود بینی استکبار را بر خاک مالیدند و صدام را به ذلت کشاندند دوست دارد! روحانی جوانانی را که بعد از دفاع مقدس در میادین سازندگی و در المپیادهای علمی و ورزشی پرچم اسلام را برافراشتند دوست دارد! روحانی جوانانی را که در ایام جوانی عفت و پاکی خود را حفظ می کنند و هرگز به ندای خناسان و وسوسه گرانی که آنها را به فساد و انحراف و روابط نامشروع دعوت می نمایند گوش نمی دهند دوست دارد! روحانی تمام جوانانی را که در ایام جوانی به تهذیب نفس و حضور در مساجد و محافل مذهبی روی آورده اند دوست دارد! روحانی تمام جوانانی را که در راهپیمائی ها و تظاهرات مردم علیه استکبار و اسرائیل غاصب، شرکت می کنند دوست دارد! روحانی همه جوانانی را که افتخار می کنند مسلمانند و هرگز حاضر نمی شوند علامتهای غیر اسلامی از قبیل صلیب را برگردن خود بیاویزند، دوست دارد! روحانی تمام جوانان ایرانی را که تکبر در مقابل خدا نکرده و در هنگام نماز به رکوع و سجود در مقابل ذات اقدس الهی روی می آورند دوست دارد! روحانی همه جوانانی را که در ایام محرم دسته های عزاداری تشکیل داده و در عزای سید شهیدان علیه السلام بر سر وسینه خود می زنند دوست دارد! روحانی همه جوانانی را که هیچگاه دچار غرزدگی نمی شوند و خود را در مقابل زرق و برق های غرب حقیر نمی دانند بلکه به ایرانی بودن و مسلمان بودن خود افتخار می کنند دوست دارد! روحانی تمامی جوانانی را که در ایام فراغت خود به جای هرزگی و مزاحمت برای نوامیس مردم، به فعالیتهای مفید فرهنگی و ورزشی و علمی می پردازند دوست دارد!

خلاصه کلام آنکه هیچگاه بین روحانی و جوانان ایرانی فاصله نخواهد افتاد و دشمنان این خواب و رؤیا را باخود به گور خواهند برد تا زمانی که این انقلاب به انقلاب جهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف متصل شود که به یقین تعدادی از یاران آن امام از این سرزمین خواهد بود.

جلسه بیستم:

* در عبادت و مجاهدت باشید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَجَاهِدُوا
فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ

ای اهل ایمان! رکوع به جا آورید و سجده نمایید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار نیک انجام دهید تا
رستگار شوید.^{۱۰۳}

مهمترین هدف از خلقت انسانها، عبادت و بندگی انسان است و هرچه انسان بیشتر در پیشگاه خداوند
بندگی کند مقامش بیشتر است اگرچه خداوند هیچ نیازی به عبادت انسان ها ندارد.

و مهم‌ترین جلوه عبادت در نماز و مهم‌ترین قسمت نماز سجده و رکوع است که انسان در مقابل پروردگارش اعضای بدن خود را خم می‌نماید و دل خود را خاشع می‌کند و اظهار بندگی می‌کند. لذا پیامبران و امامان علیهم السلام بسیار عبادت می‌کردند.

عبادت پیامبر صلوات الله علیه و آله:

«از امّ سلمه رضوان الله تعالی علیها درباره نماز پیامبر اکرم پرسیدند ، گفت: شما از نماز پیامبر چه می‌دانید؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام شب برای نماز برمی‌خواست و مشغول نماز می‌شد سپس به اندازه مدت نماز می‌خوابید دوباره بلند می‌شد و نماز می‌خواند سپس به اندازه مدت نماز، استراحت می‌کرد و مجدداً برای نماز برمی‌خواست تا صبح می‌شد.»

عبادت امیرمؤمنان علیه السلام:

امیرمؤمنان علی علیه السلام شبی هزار رکعت نماز می‌خواند و از کثرت سجده، پیشانی‌اش پینه می‌بست. هفتادبار از خوف خدا، غش کرد و بیهوش شد. در هنگام نماز، تیر را از پایش درآوردند، متوجه نشد. در موقع نماز رنگ برنگ می‌شد و دچار ترس و لرز می‌گردید.

امام سجاد علیه السلام فرمود: مَنْ يَقْدِرْ عَلَى 'عِبَادَةِ عَلِيٍّ؟ چه کسی می‌تواند مثل علی عبادت کند؟ او «تاج البکّائین» یعنی «تاج بسیارگریه کنندگان برای خدا» بود.

شاعر می‌گوید:

هُوَ الْبَكَاءُ فِي الْمَحْرَابِ لَيْلاً

هُوَ الضَّحَاكُ إِذَا اشْتَدَّ الضَّرَابُ

یعنی: علی در شب در محراب، بسیار می‌گریه در حالی که او در روز در هنگام جنگ، بسیار می‌خندد.

در یکی از شبهای سخت جنگ صفین، در حالی که تیر از هر طرف می‌بارید، امام مشغول نماز نافله بود.

او می فرمود: خدایا تورا بخاطر طمع به بهشت ویا ترس از جهنم عبادت نمی کنم! بلکه تورا چون شایسته عبادت می دانم، عبادت می نمایم.

عبادت امام سجاد علیه السلام

امام باقر علیه السلام می گوید:

پیش پدرم رفتم و هنگامی که دیدم که از کثرت عبادت و بیداری، رنگ مبارکش زرد و چشمهایش از گریه زیاد مجروح و پیشانی‌اش از کثرت سجود پینه کرده و ساقهای پایش از ایستادن زیاد در نماز ورم کرده بود، من به گریه افتادم. امام به من نگاهی کرد و گفت: آن کتابی که عبادت علی علیه السلام در آن ذکر شده است را بیاور! وقتی آوردم، مقداری خواند و فرمود: چه کسی می تواند مانند علی، عبادت کند؟

آمده است که :

امام در نماز بودند که خانه آتش گرفت. امام هیچ متوجه نشدند تا زمانی که نمازشان تمام شد. آنگاه فهمیدند که خانه آتش گرفته بوده است.

کنیز امام سجاد علیه السلام می گوید:

من هیچگاه برای حضرت در روز غذا نبردم و در شب بستر برای خواب پهن ننمودم.

آمده است که:

وقتی امام سجاد علیه السلام در نماز به «مالک یوم الدین» می رسید، آنقدر آن را تکرار می کرد که نزدیک بود روح از بدنش خارج شود.

امام شبهارا تا به صبح به عبادت مشغول بود و گاهی آنقدر نماز می خواند که وقتی می خواست به بستر برود، نمی توانست ایستاده برود، بلکه مانند کودکی که تازه راه افتاده است، حرکت می کرد و خود را به بستر می رساند.

امام در ماه رمضان، جز دعا و تسبیح و استغفار، سخن دیگری نمی فرمود.

«امام سجاد علیه السلام: به خدا قسم اگر اعضای بدنم پاره پاره شود و چشمانم از حذقه بر سینه‌ام فرو غلتند تا مگر شکر یک دهم، از یک دهم نعمتی از نعمتهای خدا را که شمارندگان، شمارش آن نتوانند کرد و حمد همه حامدان حق، یکی از آنها را ادا نتواند کرد بجا آورم، به خدا سوگند نمی‌توانم، جز آنکه خدا مرا چنان ببیند که در شب و روز و خلوت و آشکار، چیزی مرا از شکر و ذکر او باز نمی‌دارد و اگر نبود که خانواده‌ام بر من حق دارند و دیگران را نیز بر من حقوقی است که ناگزیر باید در حد توان خویش، آن حقوق را ادا کنم، همانا چشم به آسمان می‌دوخته و دل خود را به سوی خدا متوجه می‌ساختم و دیده و دل بر نمی‌گرفتم تا خدا جانم را بگیرد و اوست بهترین حکم‌کنندگان»

شب زنده‌داری میرزا جواد آقا ملکی رضوان الله تعالی علیه

مرحوم حجة الاسلام سید محمود یزدی، که از شاگردان حاج میرزا جواد آقا بوده، در بیرونی منزل استاد می‌نشست، درباره نماز شب‌های آن عارف وارسته می‌گوید: شب‌ها که ایشان برای شب‌زنده‌داری و عبادت برمی‌خاست، مدتی در رختخواب به گریه از خوف خدا و اشک برای عشق به حق مشغول بود، گاهی به سجده می‌رفت و زمانی لب به دعا می‌گشود، آن‌گاه در صحن منزل رو به طرف آسمان می‌کرد و آیات مخصوص را تلاوت می‌فرمود:

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ... رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا...»^{۱۰۴} اثر این آیات الهی آن چنان بود که او را از خود بی‌خود کرده، سر بر دیوار می‌گذاشت و لحظاتی گریه می‌کرد. آن‌گاه که برای گرفتن وضو آماده می‌شد، در کنار حوض نشسته، مدتی گریه می‌کرد و پس از وضو ساختن چون به مصالایش می‌رسید و مشغول تهجد می‌شد، حالش منقلب گشته، اشک بسیار می‌ریخت؛ به طوری که از گریه‌های طولانی در نمازها و مخصوصاً قنوت‌ها، بعضی ایشان را جزء «بکائین: بسیار گریه‌کنندگان» عصر به شمار آورده‌اند.

104. آیات 190-191 سوره مبارکه آل عمران: یقیناً در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌هایی [بر توحید، ربوبیت و قدرت خدا] برای خردمندان است. آنان که همواره خدا را ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده یاد می‌کنند، و پیوسته در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند، [و از عمق قلب همراه با زبان می‌گویند: پروردگار!! این [جهان با عظمت] را بیهوده نیافریدی، تو از هر عیب و نقصی منزّه و پاکی پس ما را از عذاب آتش نگاهدار

جلسه بیست و یکم:

* در کارهای خیراز هم سبقت بگیرید

فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

پس به سوی کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید. بازگشت همه شما به سوی خداست پس شما را به آنچه همواره درباره آن اختلاف می کردید، آگاه می کند.^{۱۰۵}

از مهمترین خصوصیات که پایه اجتماع را قوی و دلها را به هم نزدیک می کند «نوع دوستی» و مواسات است.

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که یک خاشاکی را از صورت برادرش بزداید خداوند ده حسنه برای او می نویسد و کسی که بر روی برادرش تبسم کند برای او یک حسنه است.

طبق قوانین شرعی مسلمان آنقدر ارزش دارد که باید برای حفظ جان او در صورت لزوم قسم دروغ خورد و یا به مقدسات در ظاهر توهین کرد و حتی گوشت سگ و خوک برای زنده ماندن مسلمان حلال می شود لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس که حاجتی برای برادر مؤمنش برآورده باشد مثل این است که روزگاری (یک عمر) عبادت خداوند نموده است.

حقوق برادران از دیدگاه امام سجاد علیه السلام:

امام سجاد علیه السلام می فرماید: اما حقوق برادران دینی آن است که همواره از صمیم قلب سلامتی آنها را خواسته و نهایت مهربانی داشته و مدارا کنی با بدان آنها و دلجوئی کرده در اصلاحشان بکوشی و از خوبانیشان تشکر کنی و همه را دعا کنی و یاری نمایی و هریک را فراخور حالش مراعات کنی بزرگشان را بمنزله پدرت و کوچکشان را بمنزله فرزندت و میانسالشان را به منزله برادر قرار داده و هر که نزدت آمد با مهر و محبت پذیرا باشی و به برادرت آنچنان خدمتی کنی مثل آنچه واجب است برادر به برادر خدمت کند.

محمد بن جمهور گوید: نجاشی حاکم اهواز بود یکی از کارمندانش به امام ششم علیه السلام عرض کرد در دفتر نجاشی خراجی به عهده من است و او مؤمن و مطیع شما است اگر صلاح بدانید برایم به او توصیه ای بنویسید :

امام ششم علیه السلام نوشت:

«بسم الله الرحمن الرحيم سرِ أَخَاكَ يُسْرِكَ اللهُ»

برادرت را مسرور نما تا خدا تو را مسرور نماید.

پس نامه را به نزد نجاشی آورد در زمانی که در جلسه عمومی بودند و چون مجلس خلوت شد نامه را به او داد و گفت این نامه امام صادق علیه السلام است . نجاشی نامه را گرفته و بوسید و روی دیده گذاشت و گفت: حاجت چیست؟ گفت: در دفتر شما خراجی بر گردن من است! نجاشی گفت: چه مقدار ؟ گفت: ده هزار درهم ! نجاشی دفتر دارش را خواست و دستور داد از حساب خود او بپردازد و سال آینده نیز همان مقدار برای سال آینده او بنویسد.

پس گفت: آیا تو را شاد کردم! گفت: آری! پس اسب و کنیز و نوکری به او داد و همچنین یک دست لباس، پس گفت: فرش این اطاق که روی آن نشسته بودند را نیز به او دادند! مرد فرش و هدایا را برداشته و به خدمت امام ششم علیه السلام مشرف شد و جریان را گفت حضرت از رفتار نجاشی مسرور شد آن مرد گفت: مثل اینکه برخورد نجاشی شما را خوشحال کرد فرمود: آری به خدا که خدا و پیامبرش را هم شاد کرد!!

امام ششم علیه السلام فرمود: کسی که سروری را بر دل مؤمنی وارد نماید پس مثل این است که بر دل پیامبر صلی الله علیه شادی وارد نموده و کسی که بر دل پیامبر شادی را وارد نماید پس به خدا می رسد و همچنین کسی که غمی را بر شخصی وارد کند این غم را بر پیامبر و کسی که پیامبر را غمگین کند مثل اینکه خدا را ناراضی نموده است.

حضرت موسی علیه السلام فرمود: مؤمنی در مملکت پادشاه جباری بود و آن پادشاه در صدد آزار وی بر آمد پس او گریخت و به شهر کفار وارد شده و پناه به کافری برد، آن کافر او را جا داد و مهربانی کرد چون وقت مرگ آن کافر شد حق تعالی فرمود:

به عزت و جلال خود سوگند می خورم که اگر بهشت بر کافر حرام نبود تو را به بهشت می بردم پس خطاب نمود که ای آتش جهنم او را بترسان ولی نسوزان.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«خَيْرُ النَّاسِ مَنْ يَنْفَعُ النَّاسَ وَ شَرُّ النَّاسِ مَنْ يَضُرُّ النَّاسَ»

بهترین مردم کسی است که به مردم نفع برساند و بدترین مردم کسی است که به مردم ضرر برساند.

صفوان جمال می گوید: در مجلس امام صادق علیه السلام نشسته بودم پس مردی از اهل مکه وارد شد و به عرض رساند که پولش تمام شده و کرایه بازگشتن به وطن را ندارد. امام علیه السلام به من دستور داد: برخیز و در اصلاح کار برادر دینی خود اقدام کن! پس فوری برخاستم و پول کرایه آن مرد را تهیه و

به او تسلیم کردم و به مجلس حضرت برگشتم حضرت پرسید: در کار برادرت چه اقدامی کردی؟ به عرض رساندم که خداوند اصلاح کرد و کارش روبراه شد. امام فرمود: آگاه باش که اگر برادر مسلمانان را یاری نمائی در نزد من محبوبتر از آن است که یک هفته بیت الله الحرام را طواف کنی.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«لَا يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ»

خدا به کسی که نسبت به مردم رحم و مروت ندارد رحم نمی کند.

امام ششم علیه السلام فرمود: روا کردن حاجت مؤمن بهتر است از آزاد کردن هزار بنده و بهتر از فرستادن هزار اسب در راه خدا.

در روایت است که: دری در بهشت است بنام معروف که فقط افراد نیکوکار از آن وارد می شوند.

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مردم «روزی خور» خدا هستند پس محبوبترین خلق به خدا کسی است که به «عیال الله: روزی خور» نفع برساند و بر آنها شادی وارد کند.

ارزش مجاهدت و مبارزه در راه خدا

مجاهدت به معنای تلاش و مبارزه در راه بندگی است و این تلاش به صبر و استقامت و اخلاص و همت و اراده بالا نیاز دارد.

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ

به یقین ما شما را امتحان می کنیم تا مجاهدان از شما و صابران را مشخص نماییم، و اخبار شما را نیز [که اعمال و اسرار شماست] می آزماییم [تا صدق و کذب شما را در همه امور معلوم بداریم].^{۱۰۶}

مجاهدت گاهی با دادن جان است گاهی با صرف مال است گاهی با دادن فرزندان است گاهی با تحمل بیماری است گاهی با تحمل گرسنگی است گاهی با تحمل اسارت و زندان است گاهی با تحمل بی خوابی و شب زنده داری گاهی با تحمل شکنجه های روحی و جسمی است گاهی با تلاش در جهاد مقدس گاهی با توبه کردن های متعدد است گاهی با احیاء های فراوان است.

حضرت نوح علیه السلام را گاهی آنقدر می زدند که تا سه روز بیهوش می افتاد واز گوشش خون می آمد!!

یوسف صدیق علیه السلام سالیان سال در زندان، اسیر بود!!

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مدت سیزده سال در مکه تحت شکنجه روحی بود و یارانش تحت شدیدترین شکنجه های جسمی و روحی بودند و در مدینه هم با تحمیل دهها جنگ، عده ای از یاران مخلصش چون حمزه و زید و جعفر و حنظله را کشتند و پیشانی و دندان حضرت را شکستند!!

و همه اولیاء خدا به نوعی مجاهدت داشتند.

علامه طباطبائی رضوان الله تعالی علیه فرمودند: هفده سال تمام در هیچ شب ایام بهار و تابستان نخوابیدم و تا صبح مطالعه می نمودم و در تمام عمرم در ماه رمضان هیچ شبی را نخوابیدم.

اما با وجود نیاز به این مجاهدت ها، اسلام دین «سختی کشیدن» نیست، دین رنج و زحمت نیست و همه واجبات بر مبنای توانستن است و هرکسی به اندازه وسعش تکلیف دارد و بیشتر از وسع و قدرت انسان، تکلیفی نیست.

مثلا اگر انسان نتوانست نماز را ایستاده بخواند، نشسته یا خوابیده بخواند.

اگر انسان نتوانست در ماه مبارک رمضان، روزه بگیرد، هر وقت توانست قضای آن را بگیرد.

اگر نتوانست جهاد برود، چیزی بر او نیست.

اگر نیاز به ارضاء غریزه جنسی داشت، در چارچوب اسلام، ازدواج کند.

در خوردن و آشامیدن غیر از محرّمات، می تواند بهترین غذا و نوشیدنی و شربت را استفاده کند و بهترین لباس را بپوشد و خلاصه از نعمتهای حلال دنیا استفاده کند.

پس اسلام دین ریاضت کشیدن و رنج بردن نیست و اگر احکام مفصلی برای انسان از هنگام ولادت تا مردن دارد همه آن احکام در جهت سعادت بشریت است و هیچ کدام بر مبنای هوای نفس یا بدون فایده نیست.

جلسه بیست و دوم:

* هیچگاه از شیطان پیروی نکنید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَ مَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ
بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ

ای مؤمنان! از گامهای شیطان پیروی نکنید و هر که از گامهای شیطان پیروی کند [هلاک می شود]
زیرا شیطان به کار بسیار زشت و عمل ناپسند فرمان می دهد.^{۱۰۷}

هر انسانی برای رسیدن به زندگی سعادت‌مندانه خود باید دوستان و دشمنان خود را بشناسد.

دوستان انسان مؤمن، خدا و رسولان و فرشتگان و مؤمنان هستند و دشمنانش، ابلیس و شیاطین و کفار و منافقین می‌باشند. ابلیس سرسخت‌ترین دشمن بشریت بوده که هرچه خرابی و فساد و جنگ و آدم‌کشی و اختلاف در جهان است از اوست و او بنیان‌گذار اختلافات است.

اگر مکر و حیل‌های ابلیس نبود، آدمی از بهشت رانده نمی‌شد، اگر دشمنی ابلیس نبود قابیل برادر خود رانمی‌گشت! اگر عداوت ابلیس نبود، پیامبران به دست انسانها کشته و شهید نمی‌شدند، اگر دشمنی ابلیس نبود همه انسانها خداشناس و موحد و مومن بودند و نیازی به جهنم و عذاب الهی نبود اگر چه علاوه بر ابلیس، نفس اماره و میل انسان به شهوات و ذخارف دنیا نیز در انحراف انسانها نقش مهمی داشته است. اگر مکر ابلیس نبود این چنین بین بیش از یک میلیارد مسلمان جهان اختلاف نبود تا یک کشور کوچک به نام اسرائیل غاصب بتواند بر مسلمانان ظلم کند و ندای «أنا رجل؛ من هم کسی هستم» برآورد! و اگر حیل‌های ابلیس نبود ولایت غضب نمی‌شد و همه مسلمین «یدِ واحده» بودند و به یک شیوه نماز می‌خواندند و یک پیشوا را تبعیت می‌کردند و...

در هر حال برای رسیدن به سعادت باید ابلیس را شناخت و با مکر و حیل‌های او آشنا شد و با یاری از حول و قوه الهی از موانعی که او به یقین سر راه انسان مؤمن ایجاد می‌نماید، به راحتی عبور نمود و به صف رستگاران پیوست.

خداوند متعال فرموده است:

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ.

ای فرزندان آدم! آیا با شما عهد نکردم که شیطان را پرستید که او بی‌تردید دشمن آشکاری برای شماست؟^{۱۰۸}

ابلیس از آن زمانی که بخاطر سجده نکردن بر آدم علیه السلام از زمره مأمورین الهی اخراج شد، کینه انسان را در دل گرفت و قسم خورد که همه انسانها را منحرف کند لذا از آن موقع تاکنون به دنبال

گمراهی انسانها ودوری انسان از خداوند بوده و البته موفق شده است که عده زیادی از بندگان خدا را با کمک هواها و نفسانیات و میلهايشان به شهوات دنیا، منحرف کرده و جهنمی نمایند.

هر عمل فحشائی که در دنیا انجام شده و یا انجام می شود، و هر کودک حرام زاده ای که متولد می گردد، جای پای ابلیس در آنجا وجود دارد! هر جنگ و خونریزی و قتل انسانها به خصوص قتل پیامبران و امامان و انسانهای بزرگ و اولیاء خدا و دانشمندان و عالمان دلسوز و سیاستمداران پاک سرشت که انجام می شود با وسوسه های ابلیس است.

هر اختلاف و دشمنی بین انسانها و حتی بین افراد یک خانواده و حتی بین پدران و مادران با فرزندانشان وجود داشته و دارد و هر کانون خانواده ای که تلاشی می گردد از کارها و تلاشهای ابلیس است!

هر بتی که پرستیده می شود و هر دین جدیدی به وجود می آید و هر مکتب منحرف کننده جدیدی که ظاهر می شود از نفس پلید ابلیس است!

خودکشی ها و افسردگی ها و مرضهای مهلکی چون ایدز و گرفتاریهای بشر امروزی نیز از کید و مکرهای بلیس است!

عشقهای مجازی و روابط نامشروع و قانونی شدن هم جنس بازی در بسیاری از کشورها و تشکیل مؤسسات فحشاء و آلوده کردن مردم دنیا به انواع مفاسد همه از توطئه های ابلیس است که اخیراً فزونی گرفته است! تشکیل باندهای مواد مخدر و صدها نوع مواد مخدر شیطانی، تشکیل باندهای مخوف جنایت و شرارت و حتی باندهایی که علنی خود را شیطان پرست می خوانند و باند های به دام انداختن دختران و زنان برای استفاده از فحشاء و تشکیل محافل رقص و شرابخواری و روابط جنسی نامشروع علنی و... همه از اقدامات و فعالیت های ابلیس و یارانش می باشد.

ابلیس بنیانگذار همه بدعتها و مذهبهای ساختگی و آئینهای بدون ریشه الهی است!

ابلیس در قتل پیامبرانی همچون حضرت زکریا و یحیی علیهما السلام و در آتش انداختن حضرت ابراهیم علیه السلام و توطئه فرعون علیه موسی علیه السلام و تحریک مشرکین مکه برای کشتن پیامبر اسلام و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما . آلهما نقش داشته است و اوست برپاکننده جنگهایی همچون جمل و صفین و نهروان و...

ابلیس از راههایی چون نگاه وسخن با نامحرم، شراب و مستی، دروغ، خیانت و مال اندوزی و حرص و از این دست رذیلت ها انسانها را منحرف می کند.

ابلیس در موقع تنها بودن انسان، موقع عریان شدنش، وقت خلوت با نامحرم و هنگام همراهی با فاسقان و در هنگام طلوع و غروب خورشید موفق تر است.

بیشتر یاران ابلیس، زنان، عابدان جاهل، حاکمان ستمگر و جوانان بی تقوا هستند!

و خلاصه هر کجا انحراف و گناه و معصیتی باشد رد پای ابلیس و اعوان و انصارش به چشم باطنی می خورد.

در زمان ما امریکا مرکز اصلی فعالیتهای شیطان شده که هر انحرافی در دنیا است نقطه اولیه آن از امریکا شروع می شود و هر فتنه و تجاوزی وجود دارد امریکا در آن به نحوی نقش دارد.

نیوت گنگریج، رئیس اسبق مجلس آمریکا:

«ایالات متحده باید جهان را رهبری کند، اما با کشوری که در آن دوازده ساله ها باردار می شوند، پانزده ساله ها هم دیگر را می کشند، هفده ساله ها به ایدز مبتلا می شوند و هجده ساله ها دیپلم می گیرند بدون این که بتوانند بخوانند و بنویسند هیچ کس رانمی شود رهبری کرد»

واشنگتن پست:

«آمریکا ملت قماربازان شده و قماربازی به مقدار 482 میلیارد دلار در سال بزرگترین سرگرمی ملی آمریکا شده است. موسیقی، قایق و کشتی رانی، پارکهای تفریحی، مسابقات ورزشی و سینما و فیلم از جنبه سرگرمی پایین تر از قمار قرار گرفته اند. بر اساس آمار: تعداد ورودی به همه نوع پارک تفریحی، سالیانه 128 میلیون نفر می باشد.

تعداد ورودی به کازینوهای قمار، سالیانه 125 میلیون نفر، به کنسرت موسیقی سالیانه 24 میلیون نفر، به بازی های فوتبال کلوپ های اصلی 14 میلیون نفر و به تئاترهای معمولی سالیانه 9 میلیون نفر می باشد.

«در مطالعه ای که در سال 1986 در مدارس ایالت کالیفرنیا انجام گرفت، هفت مورد از مسائل جاری به شرح زیر بود:

استفاده از مواد مخدر، نوشیدن مشروبات الکلی، حاملگی دختران جوان، خودکشی، تجاوز، دزدی و خشونت. البته یک مورد دیگر که در سال های اخیر به موارد بالا افزوده شده در غالب ایالات آمریکا به عنوان یک معضل اجتماعی مطرح شده، مسلح شدن جوانان دانش آموز به انواع سلاح های گرم و بعضاً استفاده از آن ها علیه معلمان، کارکنان و دانش آموزان دیگر است.»

«در سال 1997-1998 در 10٪ مدارس آمریکا 4100 مورد تجاوز و اقدامات تهاجمی و 7100 فقره دزدی و 1100 مورد درگیری مسلحانه میان دانش آموزان به وقوع پیوسته است.»

ویلسون، پزشک آمریکایی:

«در ایالات متحده از هر دو زن یکی در طول زندگی در معرض تهدید و تجاوز گروهی بوده که همراه با مصرف الکل و مواد مخدر می باشد.»

«سالانه بیش از چهارصد هزار مورد سقط جنین در زنان زیر بیست سال رخ می دهد که اکثراً در دختران ازدواج نکرده آمریکایی است و 70٪ این دختران، حملات جنسی افراد و گروه های مستهجن و هرزه را تجربه می کنند.»

آری آمریکا و کشورهای غربی با فاصله گرفتن از دین، به مرکزی برای فعالیت های باند شیطان به سرکردگی ابلیس قرار گرفته اند و روزانه میلیون ها فیلم زشت و تصاویر زشت تهیه و به جهانیان صادر می کنند تا همه دنیا را مانند خود بی بندوبار و مطیع شیطان نمایند. اما بدانند که ایران اسلامی به کانون

صدور اسلام ناب محمدی و دستورات دینی و مرکز مبارزه با شیطان تبدیل شده و بخاطر همین مطلب روزانه تعدادی از مردم غرب مسلمان می شوند حتی در خود امریکا عده ای دل پاک، متوجه دین اسلام شده و مسلمان شده اند و اخیرا مسلمانان امریکایی تقاضای مهر کربلا نموده اند و دوست دارند بیشتر با معنویات باشند.

رادیو آمریکا:

«این رادیو در گزارش که با پخش صدای اذان آغاز شده بود گفت:

این صدایی که مسلمانان را به نماز فرا می خواند مربوط به خیابان های پر ازدحام مرکز شهر جاکارتا یا روستایی در پاکستان نمی باشد بلکه این صدای اذان در خیابان معروف ماساچوست واشنگتن است که بیشترین سفارت خانه های خارجی را در خود جای داده است و از مناره بلند مرکز اسلامی واشنگتن که یکی از قدیمی ترین مساجد آمریکا است به گوش می رسد.»

«فرید تومن، محقق آمریکایی یقین دارد که روزی که اسلام یک دین واقعی آمریکا باشد فرا خواهد رسید.»

«بر اساس آخرین آمار: بیش از ده هزار درجه دار ارتش ایالات متحده به اسلام گرویده اند.»

«بنابر گزارش رادیو آمریکا، به نقل از عضو شورای مسلمانان آمریکا: شمار مسلمانان در نیروی مسلح آمریکا در حال افزایش است و نکته حائز اهمیت این است که درصد رشد مسلمانان در نیروهای مسلح بسیار بیشتر از رشد جمعیت مسلمانان این کشور است.»

«خدیجه ریورا که در سال 1983 به اسلام گرویده با ایجاد یک ایستگاه رادیویی در نیویورک سعی دارد به مردم آمریکا بفهماند قبول اسلام به معنای قبول یک مذهب پیشرفته است.»

احمد حنیف کواسی تازه مسلمان آمریکایی:

«من یکی از چند میلیون نفری هستم که در طول تقریباً سی سال اخیر مسلمان شده اند. از لحاظ آمار در اوایل قرن بیست و یکم تعداد مسلمانان در آمریکا آن قدر زیاد می شود که اسلام دین دوم آمریکامی شود.»

این پیشرفت اسلام در یک محیط دور از اسلام صورت می‌گیرد و در آمریکا یادآوری‌های دین اسلام وجود ندارد و تعداد مساجد خیلی کم است با این حال اسلام سریع‌تر از هر دینی پیش می‌رود. از پیروان همه ادیان آن جا هستند: بودایی، شینتو و... و خیلی هم منظم هستند ولی مسلمانان حتی یک برنامه منظم تبلیغ هم ندارند امروز به روز گرایش آمریکایی‌ها به دین اسلام بیشتر می‌شود.

«هفته نامه آبرواتور ضمن طرح پیش بینی آندره مالرو، نویسنده بزرگ فرانسوی و وزیر فرهنگ اسبق فرانسه، از قول وی می‌نویسد:

قرن 21 میلادی یا اصلاً وجود نخواهد داشت و یا قرن مذهب خواهد بود.»

جلسه بیست و سوم:

*** آداب ورود به منازل افراد را رعایت کنید**

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا
ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَ
إِنْ قِيلَ لَكُمْ ارجِعُوا فَارجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

ای اهل ایمان! به خانه‌هایی غیر از خانه‌های خودتان وارد نشوید تا آنکه اجازه بگیرید، و بر اهل آنها سلام کنید، [رعایت] این [امور اخلاقی] برای شما بهتر است، باشد که متذکر شوید.

پس اگر کسی را در آنها نیافتید، پس وارد آن نشوید تا به شما اجازه دهند، و اگر به شما گویند: برگردید، پس برگردید که این برای شما پاکیزه‌تر است، و خدا به آنچه انجام می‌دهید، داناست.^{۱۰۹}

یکی از آداب اجتماعی در برخورد با مردم این است وقتی مؤمنین به ملاقات همدیگر می‌روند مواظب باشند مسئله‌ای پیش نیاید که باعث ناراحتی شود، برای مثال اگر سرزده به خانه شخصی بروند احتمال دارد آمادگی پذیرایی از مهمان را نداشته باشد و شرمند شود و در دل ناراحت گردد، یا شخصی در خانه او باشد که دوست نداشته باشد مهمان‌ها او را ببینند، یا وضع اطاق‌ها مرتب نبوده و وقت منظم کردن نداشته بعد که مهمان سرزده بیاید و این وضعیت را ببیند برای دیگران نقل کند و آبروی صاحبخانه برود، یا صاحبخانه به امر مهمی اشتغال داشته یا جایی می‌خواسته برود و مهمان سرزده مانع کار او شده است، یا صاحبخانه در حمام بوده یا لباس تنش نبوده بعد مشکلی پیش بیاید که اصلاً قابل جبران نباشد.

شخصی به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: آیا می‌توانم بدون اجازه به اطاق مادرم وارد شود؟ پیامبر فرمود: دوست داری مادرت را عریان ببینی؟ گفت: نه! فرمود شاید عریان باشد.^{۱۱۰}

یکی از معانی این آیه بر می‌گردد به ورود مهاجرین و اتباع بیگانه به کشور ما بدون اجازه و به صورت قاچاق که طبق این آیه شریفه این کار ممنوع است و باید با گذرنامه و به طور رسمی وارد شوند.

109. سوره مبارکه نور: 27-28.

110. تفسیر نمونه: ذیل آیه شریفه.

جلسه بیست و چهارم:

* بسیار ذکر بگوئید و به یاد خدا باشید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا

ای اهل ایمان! خدا را بسیار یاد کنید و صبح و شام او را تسبیح گوئید.^{۱۱۱}

چون عوامل غفلت در زندگی انسان فراوان است و تیرهای وساوس شیطان از هر سو به طرف انسان پرتاب می شود و از طرفی هم انسان باید صاحب اصلی جهان را بشناسد و صفات او را بیان کند، لذا باید مرتب در شبانه روز به ذکر الهی مشغول باشد.

به این صورت که در مواقع مختلف مانند : هنگام برخورد با گناه، هنگام به دست آمدن نعمت، در وقت بلا و مصیبت ، در هنگام رویارویی با دشمنان خدا و در مواقع دیگر هم با زبان و هم در دل خدا را تسبیح کند و او را به بزرگی یاد نماید.

«از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: در قیامت چه کسی مقامش از همه بالاتر است؟ فرمود: کسانی که بسیار ذکر خدا می گویند!!

پرسیدند: یعنی از مجاهدین فی سبیل الله هم بالاترند؟ فرمود: مجاهد فی سبیل الله آنقدر بجنگد که سلاحش بشکند و باخون رنگین شود باز هم «ذاکرین الله کثیراً» از او برتر اند!»^{۱۱۲}

آثار ذکر کثیر چیست؟

جبرئیل امین به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفت: هر که بگوید «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ عَدَدَ مَا عِلِمَ وَ زِنَةَ مَا عِلِمَ» خدا به او شش خصلت میدهد:

- 1- اسمش جزء «ذاکرین الله کثیرا» نوشته می شود.
- 2- برترین کسی است که خدا را شب و روز یاد کرده.
- 3- برای او در بهشت درختها غرس میکنند.
- 4- گناهانش همانند برگ درختان می ریزد.
- 5- خدا با لطف به او نگاه می کند
- 6- و هر که خدا به او نظر لطف کند او را عذاب نخواه کرد.^{۱۱۳}

112. تفسیر نمونه : ذیل آیه شریفه.

113. تفسیر نمونه : ذیل آیه شریفه.

انواع ذکر زبانی

1- حمد و شکر

«رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی سیصد و شصت بار به عدد رگهای بدن تسبیح می فرمودند.»
 «امام رضا علیه السلام بعد از نماز ظهر به سجده رفته و صدبار می فرمودند: حَمْدُ اللَّهِ. وبعد از نماز عصر به سجده رفته و صدبار می فرمودند: شُكْرًا لِلَّهِ.»

2- استغفار

«روایت شده هر که غروب ها هفتاد بار بگوید: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ. هفتصد گناهش پاک شود و اگر خود گناه نداشته باشد، گناهان پدر و مادر و دیگر اقوامش پاک شود»

3- تسبیح

«قبل از هر حمد و شکری، گفتن تسبیح «سُبْحَانَ اللَّهِ» مستحب است. مثل: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ»

4- تکبیر

«با گفتن الله اکبر نماز شروع می شود و گفتن تکبیر در مواقع مهم از جمله در موقع روبرو شدن با دشمن سفارش شده است»

5- صلوات

«بهترین ذکر، صلوات است که اصول الدین را دربردارد.»
 «روایت شده که در شبهای جمعه ملائکه فراوانی به زمین نزول کرده و تا شب شنبه آنجا هستند و فقط صلوات بر محمد و آل محمد را می نویسند»
 «روایت شده که در میزان هیچ عملی به اندازه صلوات سنگینی ندارد»

6- لا اله الا الله

«در حدیث سلسله الذهب است که خدا فرمود: کلمه لا اله الا الله، حصار من است و هر که در حصار من وارد شود، از عذابم ایمن می باشد.»

«امام باقر علیه السلام معمولاً به ذکر لا اله الا الله مشغول بودند.»

7- لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم

«امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه غم اندوهت زیاد شد، این ذکر را زیاد بر زبان جاری کن!»

8- نامهای خداوند مثل یاحی یا قیوم

9- تسبیحات حضرت زهرا سلام الله علیها

«هر که این تسبیحات را بعد از نمازهای یومیه بخواند، ثواب هزار رکعت نماز دارد»

فواید ذکر الهی در دنیا

1- مبارزه با افسردگی و روان پریشی و ناامیدی

2- جلوگیری از گفتن مطالب بی فایده و سخنان لغو

3- دوری از شیطان

4- استجابت دعا

5- جلوگیری از آلوده شدن به گناهان

6- نورانیت ظاهری و باطنی

7- موفقیت در کارها

جلسه بیست و پنجم:

* بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله صلوات بفرستید

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

همانا خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود و رحمت می فرستند. ای اهل ایمان! بر او درود فرستید و آن گونه که شایسته است، تسلیم او باشید.^{۱۱۴}

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آنقدر مقامش نزد خداوند سبحان بالا است که خدا و فرشتگان شبانه روز بر او رحمت و صلوات می فرستند و به همه مؤمنین هم دستور داده این کار را بکنند.

فرستادن صلوات در هنگامی که نام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برده می شود مستحب است و در تشهد نماز واجب است.

فرستادن صلوات باعث بالارفتن درجه پیامبر و آل او می شود و برای ما آثار مهمی در دنیا و آخرت دارد از جمله:

- 1- گناهان را پاک می کند و کفاره گناهان می شود.
- 2- حاجتها برآورده می شود
- 3- با صدای بلند صلوات فرستادن ، نفاق را برطرف می نماید.
- 4- اخلاق را خوب می نماید
- 5- سلامتی جسم می آورد
- 6- مساله فراموش شده را به یاد می آورد
- 7- برطرف کننده قرض است
- 8- شیطان را دور می کند
- 9- دهان را خوشبو می نماید
- 10- اموال را حفظ می نماید
- 11- پایان دهنده به دعوهاست
- 12- سروصدای مجلس را آرام می سازد.
- 13- کسی که یک صلوات بفرستد هزار صف از فرشتگان بر او هرکدام هزار صلوات می فرستند
- 14- استجابت دعا را به همراه دارد
- 15- در قیامت در ترازوی میزان چیزی سنگین تر از صلوات نیست
- 16- دفع عطش در قیامت است
- 17- در قیامت مور شفاعت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قرار می گیرد

18- نزدیکترین شخص به پیامبر صلی الله علیه و آله در قیامت است.^{۱۱۵}

داستانهای زیادی درباره معجزات صلوات در کتابها ذکر شده که به یک نمونه از کتاب «چهره نورانی قمر بنی هاشم» نوشته استاد ربانی خلخالی اشاره می شود:

آیه الله سید طیب جزایری که الان در قم هستند نقل می کنند که در زمان طاغوت می خواستیم به عراق برویم ولی درب سفارت خانه عراق بسته بود و روادید نمی دادند. هزار صلوات برای ام البنین سلام الله علیها نذر کردیم. در همان روز به آسانی به وسایلی که خدا جور کرد روادید از سفارت عراق گرفتیم .

جلسه بیست و ششم:

* سخن محکم و درست را بر زبان جاری کنید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يَغْفِرْ ذُنُوبَكُمْ وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا

ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید و سخن درست و استوار گوئید تا [خدا] اعمالتان را برای شما اصلاح کند و گناهتان را بر شما بیامرزد و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، بی تردید رستگاری بزرگی یافته است.^{۱۱۶}

ای مؤمنین! حرف که می زنید حرف درست و محکم و موافق واقع بزنید و از سخنان لغو، حرام و مضر برای خود و جامعه خودداری کنید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر موقع منبر می رفتند ابتدا این آیه را تلاوت می فرمود.^{۱۱۷}

زبان انسان هم می تواند پربرکت ترین عضو بدن آدمی باشد و هم خطرناک ترین و پرگناhterین عضو بدن باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : ایمان درست نمی شود تا قلب درست شود و قلب درست نمی شود تا زبان درست شود!^{۱۱۸}

زشتی های زبان

انسان با زبانش می تواند بهترین سخنهارا بگوید و با زبانش ایجاد محبت و صمیمیت کند ، افرادی را هدایت نماید ، علم بیاموزد ، نصیحت کند ، با خدا راز و نیاز نماید و دهها کار مفید انجام دهد.

ومی تواند با زبانش به کارهای زشت سفارش کند ؛ ایجاد دشمنی نماید ، اسرار دیگران را فاش کند ، به دیگران ناسزا و دشنام بگوید و ده ها گناه انجام دهد.

یکی از گناهان زبان، فحش و ناسزا است.

عده ای از انسانها به عادت زشت ناسزاگویی عادت کرده اند ، گاهی عادت دارند که به همسر و فرزندان شان ناسزا بگویند ، گاهی عادت دارند به زیر دستان خود اهانت کنند و گاهی پا را فراتر گذاشته و به مقدسات و ارزشهای مردم ناسزا و اهانت می کنند.

116. سوره مبارکه احزاب : 70-71 .

117. تفسیر نمونه : ذیل آیه شریفه.

118. همان .

عوامل ناسزا گوئی

- 1- عادت
- 2- عصبانیت
- 3- شوخی
- 4- مقابله به مثل
- 5- مسائل سیاسی و حزبی
- 6- مسائل اقتصادی
- 7- تربیت نادرست

درمان ناسزاگوئی

1- سکوت

«رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه مشاهده کردید که مؤمن خاموش و باوقار است، به او نزدیک شوید که او به حکمت دست پیدا کرده است»

2- تربیت صحیح از دوران کودکی

«پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : فرزندان خود را احترام کنید و ادب خوب به آنها بیاموزید.»

3- رعایت ادب نسبت به دیگران

«علی علیه السلام : دیگران را نیکو صدا بزنید تا شما هم جواب خوب بشنوید.»

زان کس که نام خلق به گفتار زشت کشت

دوری گزین که از همه بدنامتر است

دشنام در آئینه احادیث

«پیامبر اکرم صلوات الله علیه: کسی که به پدر و مادرش دشنام دهد، ملعون است! پرسیدند که: مگر کسی به پدر و مادرش دشنام می دهد؟ فرمود: شخصی به پدر دیگران فحش می دهد، آنها هم به پدر و مادر او فحش می دهند.»

«علی علیه السلام: از کلام زشت و ناروا دوری کنید که باعث می شود که پست ها و رذل ها به شما نزدیک شده و افراد بزرگوار از شما بگریزند.»

«پیامبر اکرم صلوات الله علیه: فحش دادن به مؤمن مثل نزدیک شدن به مرگ است»

«امام صادق علیه السلام شنید که مسلمانی به غلامش فحش داد، به این خاطر امام با او قطع رابطه کردند.»

«امام صادق علیه السلام: فحش دادن ظلم است و ظالم در آتش جهنم است.»

انواع فحش و ناسزا

1- ناسزا به ناموس

2- خطاب کردن به اسم حیوان

3- به وسیله کاریکاتور و نقاشی اهانت کردن

4- با اشاره توهین کردن

و موارد بسیار دیگر.

هر بد به خود نمی پسندی باکس مکن ای برادر من

گر مادر خویش دوست داری دشنام مده به مادر من!!

افشاء اسرار

از خصوصیات خوب، بازگونکردن اسرار دیگران است. در سخنان بزرگان دین، از اسرار مؤمن به عورت تعبیر شده است. یعنی همانطور که حفظ عورت از نگاه دیگران واجب و لازم است، حفظ اسرار مؤمن نیز لازم می باشد.

انواع اسرار

- 1- اسرار خانوادگی
- 2- اسرار نظامی
- 3- اسرار اقتصادی
- 4- اسرار علمی
- 5- اسرار سیاسی
- 6- اسرار مذهبی و دینی
- 7- اسرار فرهنگی

که رازها و اسرار نظامی و سیاسی از بقیه مهم تر بوده و گاهی افشاء آنان باعث از بین رفتن جان صدها نفر و شکست حکومتی خواهد شد که در این موارد جرم افشاء کننده بسیار بزرگ است.

«در یکی از جنگهای صدر اسلام، وقتی که سپاه اسلام برای یورش به مشرکین مکه آماده می شد رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور داده بود تا خبر این حمله محرمانه بماند، یکی از مسلمانان خبر این حمله را به ابوسفیان اطلاع داد، در این مورد این آیه نازل شد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ وَ تَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»

ای اهل ایمان! [با فاش کردن اسرار و جاسوسی برای دشمن] به خدا و پیامبر خیانت نکنید، و به امانت‌های میان خود هم خیانت نوزید، در حالی که می‌دانید [خیانت، عملی بسیار زشت است].^{۱۱۹}

«امام صادق علیه السلام: کسی که اسرار ما را فاش کند، گویا ما را به قتل رسانده‌است»

«امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه:

«يَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ»: پیامبران را به ناحق می‌کشتند.» فرمودند: به خدا سوگند پیامبران را با شمشیر نکشتند، بلکه اسرار آنان را فاش کردند و آنها کشته شدند.»

بعضی از حافظین اسرار

وقتی «قیس بن مسهر» سفیر امام حسین علیه السلام برای مردم کوفه، توسط مأمورین دشمن محاصره شد، نامه امام را پاره کرد و خورد.

وقتی اورادستگیر کردند، برای اینکه اسرار امام را فاش کند او را شکنجه کردند ولی او لب به سخن نگوید و عاقبت او را به شهادت رساندند.»

جلسه بیست و هفتم:

* دین خدا را یاری کنید تا خداهم شمارا یاری نماید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ

ای مؤمنان! اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را یاری می‌کند و گام هایتان را محکم و استوار می‌سازد.^{۱۲۰}

اگر چه خدا به یاری ما نیازی ندارد اما متنی دیگر بر مسلمانان نهاده و شرط کرده که هر که دین او را یاری و مساعدت کند، خدا هم او را کمک و مساعدت نماید. و این به خاطر آزمایش مؤمنین از یک طرف و شکست دشمنان خدا از طرف دیگر است.

اینکه خداوند سبحان، انسان را یاری می کند به این صورت است که:

اگر چه شما از نظر عُدّه و امکانات، نسبت به دشمنانتان در حد پایینی باشید، اما خداوند ترس شما را در دل دشمنانتان قرار می دهد، در دل سربازان شما شجاعت و نترسی قرار می دهد. شما را با راههای شکست دادن دشمنانتان، آشنا می نماید، به شما ثابت قدمی می دهد، ملائکه خود را به یاری می فرستد. در تاریخ، فراوان است که لشکر حزب الله در مقابل لشکر چندین برابر طاغوتها پیروز شده است. از جمله داستان طالوت که با 313 نفر در مقابل جالوت ستمکار با چندین هزار نیرو ایستاد و او را شکست داد.

اشموئیل علیه السلام به طالوت امر فرمود که در مقام دفاع برآمده و با جالوت به جنگ پردازد.

طالوت لشگری آراست و به جنگ جالوت رفت؛ سپاهیان طالوت نافرمانی کردند و استقامت به خرج ندادند و از رفتن به جهاد شانه خالی کردند، هنگامی که طالوت به میدان جنگ رسید، سپاهیان او بیش از 313 تن نبودند، بقیه یا گریخته بودند و یا در اثر نافرمانی طالوت از تشنگی مرده بودند. خدای تعالی این آیه شریفه را از قول اینان که در میدان جنگ نسبت به دشمن ناچیز بودند ذکر می فرماید و آنان را می ستاید که مردمانی با استقامت و با ایمان بودند و از روی اعتقاد به خدا برای جهاد آمده بودند و یقین داشتند که در اثر آن، به لقای خدا نایل می شوند. می گفتند که ما نباید از کمی عده خود نا امید شویم، بسیار دسته های کوچک بودند که بردسته های بزرگ به اذن خدا پیروزی یافتند، اگر شماره دشمنان افزون است در عوض، استقامت و پایداری ما بیش تر می باشد که خداوند با صابران است.

این عده کم بر دشمن ظفر یافتند، حضرت داود که یکی از همان 313 نفر بود، جالوت را کشت و سپاهیانش گریختند.

یا در جنگ بدر، مسلمانان 313 نفر بودند و سلاح درستی نداشتند و دشمن چند برابر بود و سلاح کافی داشتند ولی با یاری خدا، مسلمانان پیروز شدند.

در دفاع مقدس مردم ایران، بارها و بارها یاری خدا دیده شد. در جنگ 33 روزه اسرائیل علیه حزب الله، مردم دنیا با تعجب، پیروزی عظیم الهی را دیدند که چگونه چند هزار نفر حزب الله را بر ارتش چهارم دنیا پیروز نمود.

در مساله مبارزه با داعش در عراق و سوریه و اکنون مبارزات دلیرانه ی ملت یمن با دولت فاسد سعودی نیز از نمونه های عینی این مساله اند.

همچنین در مسائل کوچکتر، مؤمنین، یاری خدا را بارها و بارها دیده اند.

جلسه بیست و هشتم:

*** یاری کننده خدا باشید**

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَنَّا طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتِ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ

ای اهل ایمان! یاران خدا باشید، همان گونه که عیسی پسر مریم به حواریون گفت: یاران من در راه خدا چه کسانی اند؟ حواریون گفتند: ما یاران خداییم. پس طایفه‌ای از بنی اسرائیل ایمان آوردند و گروهی کافر شدند در نتیجه کسانی را که ایمان آوردند، بر ضد دشمنانشان یاری دادیم تا پیروز شدند.^{۱۲۱}

هر پیامبری، یاران و اصحابی داشته است.

به یاران خاص حضرت عیسی علیه السلام، حواریون می گفتند که دوازده نفر بودند که حضرت عیسی علیه السلام آنها را به عنوان نماینده خود به مناطق مختلف می فرستاده است، آنها افراد مخلص، ایثارگر و مؤمنی بودند که تا آخر با حضرت بودند غیر از یک نفرشان به نام «یهودای اسخریوطی» که به حضرت عیسی علیه السلام خیانت کرد و مطرود شد.

پیامبر اسلام هم اصحاب بزرگواری داشتند از جمله آنها:

- 1- سلمان فارسی:
- 2- ابوذر غفاری:
- 3- عمار بن یاسر:
- 4- مقداد بن اسود کندی:
- 5- ابویوب انصاری:
- 6- خزیمه بن ثابت:
- 7- عبدالله بن مسعود:
- 8- حذیفه بن یمان:
- 9- زید بن حارثه:
- 10- جابر بن عبدالله انصاری:

همچنین امیرمؤمنان علی علیه السلام اصحاب خاصی داشتند از جمله:

- 1- مالک اشتر:
- 2- کمیل بن زیاد:
- 3- میثم تمار:
- 4- محمد بن ابوبکر
- 5- قنبر:
- 6- عدی بن حاتم:
- 7- رشید هجری:
- 8- صعصعہ بن صوحان:
- 9- ابو الاسود دثلی:
- 10- حبر بن عدی:
- 11- اصبع بن نباته:

جلسه بیست و نهم :

* خبر آدم فاسق را بدون تحقیق قبول نکنید

یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اِنْ جَاءَکُمْ فَاسِقٌۢ بِنَبَاٍۭ فَتَبَيَّنُوا اِنْ تُصِیْبُوْا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوْا عَلٰی
مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِیْنَ

ای اهل ایمان! اگر فاسقی خبری برایتان آورد، خبرش را بررسی و تحقیق کنید تا مبادا از روی ناآگاهی گروهی را آسیب و گزند رسانید و بر کرده خود پشیمان شوید.^{۱۲۲}

یکی از بزرگترین نیازهای بشر، تبادل اخبار با هم است.

حوادثی که به وقوع می پیوندد اگر بیان نشود، تاریخ گذشته انسانها اگر گفته نشود، علوم و فنون اگر تعلیم نگردد، نیازهای بشر اگر به زبان آورده نشود، زندگی بشر را فلج می کند، اما نمی توان هر حرف و حدیث و خبری را بدون تحقیق و بررسی قبول کرد.

چه بسا یک خبر دروغ باعث ضررها و زیانهای فراوانی به بشریت گردد و افراد زیادی بوده اند که بی گناه بوده اند ولی به خاطر یک خبر دروغ، کشته شدند یا زندانی گردیدند یا خانواده آنها از بین رفته اند و جنگهایی بخاطر یک خبر دروغ برپاشده و دانشمندان و بزرگانی به خاطر خبر افراد فاسق بدون اینکه بررسی شود کشته شدند و از بین رفتند همانند امام کاظم علیه السلام که به خاطر خبر یک نفر دروغگو، به شهادت رسید.

یا امامان دیگر و عالمان دیگری چون شهید اول و دوم و شخصیت هائی چون شیخ فضل الله نوری یا امیر کبیر بخاطر خبر فاسق کشته شدند.

شاه عباس دستور داد فرزندانش را بخاطر اخبار دروغی مبنی بر توطئه آنها، کور کردند یا کشتند.

لذا در اسلام خبر عادل و مؤمن، دارای اعتبار است ولی خبر آدم بی دین یا دروغگو یا خلافکار نیاز به بررسی و تحقیق دارد.

زشتی دروغگویی:

دروغ گفتن چون خلاف طینت پاک آدمی است و باعث انحراف بسوی بدیها می شود بسیار مورد نکوهش و مذمت قرار گرفته است:

قرآن می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ»

خدا کسی را که اسراف کار و بسیار دروغ‌گوست، هدایت نمی‌کند.^{۱۲۳}

در روایت است که پیامبر اکرم صلوات الله علیه فرمود:

إِيَّاكُمْ وَالْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ فَجْورٌ يَهْدِي إِلَى النَّارِ

بر حذر باشید از دروغ زیرا گناهی است که انسان را به آتش جهنم می‌کشاند.

نتیجه ترک دروغ:

یکی از مسلمانان نزد حضرت علی علیه السلام آمده و گفت: یا امیر المؤمنین در اسلام از همه کارهای زشت نهی شده و مرا اجتناب از همه آنها میسر نیست، یکی از زشتی‌ها را بگو تا از آن دوری کنم. حضرت فرمود: دروغ مگو!!

آن شخص قبول نموده و بیرون آمده در کوچه‌ها که می‌رفت نظرش به مستی افتاد و میل به شراب خوردن پیدا کرد ولی با خود اندیشید که اگر علی علیه السلام به من بگوید آیا شراب خوردی اگر بگویم نه دروغ گفته‌ام و اگر بگویم آری بر من حد شرعی جاری می‌کند پس از آنجا عبور کرده به قمار بازی رسیده و میل به قمار پیدا کرد ولی باز همین فکر به ذهنش آمده پس از آنجا هم عبور کرد و به همین صورت به هر منکری می‌رسید این فکر او را از گناه باز می‌داشت پس به نزد علی علیه السلام مراجعت نموده گفت: یا علی راه همه گناهان دروغ است و باعث همه حسنات و کارهای خوب راستی است!!

پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله فرمود:

«آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثُ إِذَا وَعِدَا خُلِفَ وَإِذَا ائْتَمَنَ خَانَ وَإِذَا حَدَّثَ كَذِبَ»

علامت منافق سه چیز است : 1- اگر وعده بدهد تخلف می ورزد 2- و اگر به او اطمینان کنند خیانت می کند 3- و اگر سخنی بگوید دروغ باشد.

بوذرجمهر گفته است : دروغگو با مرده یکسان است برای آنکه فضیلت سخن راستی است پس وقتی که اطمینان به سخن نباشد زندگی او باطل است.

کیفر دروغگو در عالم برزخ:

روزی رسول اکرم صلوات الله علیه فرمود: دیشب در خواب دیدم که مردی نزد من آمد و گفت برخیز ، برخاستم دو مرد را دیدم که یکی ایستاده و در دست خود چیزی شبیه به عصای آهنین دارد و آن را بر گوشه دهان مرد دیگری که نشسته است فرومی برد و به اندازه ای فشار می دهد تا میان دو شانه اش می رسد آنگاه بیرون آورده و در طرف دیگر دهان او داخل می کند ، طرف اول خوب می شود این قسمت دیگر را هم مانند قبل پاره می کند.

به آن شخص که مرا حرکت داد گفتم: این چه شخصی است و برای چه این طور عذاب می کشد؟؟
گفت: این مرد دروغگو است که در قبر او را تا روز قیامت این طور کیفر می دهند!!

فردوسی:

همه راستی کن که از راستی نیاید بکار اندرون کاستی

چو با راستی باشی و مردمی نبینی جز از خوبی و خرمی

رخ مرد را تیره دارد دروغ بلندیش هرگز نگیرد فروغ

شخصی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: اهل جهنم چه کرده بودند حضرت فرمود:
دروغ زیرا بنده وقتی دروغ گفت گناهکار می شود و زمانی که کافر شد داخل جهنم می شود.

انواع دروغ

1. دروغ بر خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام که روزه را باطل می کند و قرآن در این باره فرمود:

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ»

ستمکارتر از کسی که بر خدا دروغ بسته، یا آیات او را تکذیب کرده کیست؟^{۱۲۴}

2. شهادت دروغ:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

«شَاهِدُ الزَّوْرِ كَعَابِدِ الْوَثَنِ»

شهادت دهنده دروغ مثل عبادت کننده بت است.

3. قسم دروغ:

که پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله می فرماید: سه دسته هستند که روز قیامت خدا با آنان سخن نمی گوید از جمله آنها کسی که سوگند دروغ برای فروش کالایش می خورد.

4. دروغ در وعده:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَيْفَ وَعْدَهُ»

کسی که به خدا و روز جزا ایمان دارد باید به وعده اش وفا کند.

5. شوخیهای دروغ:

امام حسین علیه السلام فرمود:

«اتَّقُوا الْكِذْبَ الصَّغِيرُ مِنْهُ وَالْكَبِيرُ فِي كُلِّ جِدٍّ وَهَزْلِ»

بپرهیزید از دروغ چه بزرگ آن چه کوچک آن در هر شوخی که باشد.

6. نقل کردن و نوشتن و گوش دادن به دروغ:

که منشاء بسیاری از شایعات نقل نمودن دروغ است.

شرمنده شدن دروغگوی لاف زن:

گویند شخصی قبل از ظهر هر روز کنار درخانه خود فرشی پهن کرده و می نشست و قلیان می کشید.

بعضی از عابران نیز به نزد او آمده و با او می نشستند و به خوردن چای و قهوه مشغول می شدند.

آن مرد یکی از روزها در حالی که دست بر سبیل خود می کشید گفت:

دیشب جای شماها خالی بود ، عیالم برای ما ته چین پلو پخته بود آنقدر این غذا چرب بود که نتوانستم همه اش را بخورم لذا قدری را گذاشتم برای امروز صبح به عنوان صبحانه خوردم آنقدر این غذا چرب بود که سبیل ما را چرب کرده است!!

در این میان کسی از بچه های کوچک منزل دویده و گفت : آقا جان! آقا جان! آن دنبه ای که امروز صبح سبیلت را با آن چرب کردی گربه آمد و آن را برد!!!

آثار زشت دروغ:

1. سرچشمه نفاق است.

2. اساس ایمان را خراب می کند.

همانطوری که امام پنجم علیه السلام فرمود:

«إِنَّ الْكَذِبَ هُوَ خَرَابُ الْإِيمَانِ»

دروغ یعنی نابود کردن ایمان .

4. دروغ انسان را به کفر می کشاند.

5. دروغ باعث بی اعتباری دروغگو است.

علی علیه السلام فرمود:

«مَنْ عُرِفَ بِالْكَذِبِ قَلَّتِ الثَّقَةُ»

کسی که معروف به دروغگویی شود اطمینان به او کم می شود .

ریشه های دروغگویی :

1. احساس حقارت و خود کم بینی.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«لَا يَكْذِبُ الْكَاذِبُ إِلَّا مِنْ مَهَانَةٍ نَفْسِهِ»

دروغگو دروغ نمی گوید مگر بخاطر آنکه در خود احساس پستی می نماید.

2. ترس از جریمه و مجازات.

3. دورویی و نفاق.

قرآن حکیم می فرماید:

«وَاللَّهُ يَشْهَدُ أَنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبِينَ»

خدا گواهی میدهد که منافقین دروغ میگویند.^{۱۲۵}

4. فشار زیاد از طرف اولیاء و مربیان به فرزند و رؤسا و فرماندهان به زیر دستان.

5. دروغ پدر و مادر و مربیان باعث عادت کودک به دروغ می شود.

6. شوخی و خنده و خوشحال کردن دیگران.

امام پنجم علیه السلام درباره دروغ فرمود: خداوند برای کارهای بد قفل‌هایی قرار داده که کلید آن قفل‌ها دروغ است و دروغ گفتن از شراب خوردن بدتر است.

امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند:

«أَقْلُ النَّاسِ مُرُوءَةً مَنْ كَانَ كَاذِبًا»

کم مروت‌ترین مردم کسی است که دروغگو باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله در رابطه با سوگند دروغ می‌فرماید:

کسی که به خدا قسم می‌خورد پس به اندازه پر پشه‌ای در آن دروغ وارد کند نقطه سیاهی در قلبش پیدا می‌شود که تا روز قیامت می‌ماند.

پیامبر اکرم صلوات الله علیه فرمود:

هر گاه مؤمن بی‌عذر دروغ گوید هفتاد هزار فرشته به او لعنت نمایند و چون از قبر در آید بدبو بود و بوی او به عرش رسد و حاملان عرش او را لعنت کنند.

حضرت عیسی علیه السلام فرمود: کسی که دروغش زیاد شد نورش می‌رود.

امام ششم علیه السلام فرمود: بدرستی که دروغگو دروغ می‌گوید پس بخاطر آن خداوند او را از نماز شب محروم می‌کند و هر گاه از نماز شب محروم شد رزق حلال بر او حرام می‌شود.

علی علیه السلام فرمود: راستی امانت و دروغ خیانت است.

شاعر گوید:

چه از شرک بگذشت کمتر گناه

میان کبایر دروغ است آه

مگردان زبانت بگردِ دروغ

که باشد رخت در دو گیتی سیاه

جلسه سی ام:

* هیچگاه همدیگر را مسخره نکنید

يا ايُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ اَنْ يَّكُوْنُوا خَيْرًا مِنْهُمْ و لَا نِسَاءٌ عَنِ
نِسَاءٍ عَسَىٰ اَنْ يَّكُوْنَ خَيْرًا مِنْهُنَّ و لَا تَلْمِزُوا اَنْفُسَكُمْ و لَا تَنَابَزُوا بِاَسْمَاءِ الْفُسُوْقِ
بَعْدَ الْاِيْمَانِ وَّمَنْ لَمْ يَتُبْ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظَّالِمُوْنَ * يا ايُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيْرًا مِّنْ

الظَّنَّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيَحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ

ای اهل ایمان! نباید گروهی گروه دیگر را مسخره کنند، شاید مسخره شده‌ها از مسخره کنندگان بهتر باشند، و نباید زنانی زنان دیگر را [مسخره کنند] شاید مسخره شده‌ها از مسخره کنندگان بهتر باشند، و از یکدیگر عیب‌جویی نکنید و با لقب‌های زشت و ناپسند یکدیگر را صدا نزنید بد نشانه و علامتی است اینکه انسانی را پس از ایمان آوردنش به لقب زشت علامت‌گذاری کنند. و کسانی که [از این امور ناهنجار و زشت] توبه نکنند، خود ستمکارند. ای اهل ایمان! از بسیاری از گمان‌ها [در حق مردم] پرهیزید زیرا برخی از گمان‌ها گناه است، و [در اموری که مردم پنهان ماندنش را خواهانند] تفحص و پی‌جویی نکنید، و از یکدیگر غیبت ننمایید، آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ بی‌تردید [از این کار] نفرت دارید، و از خدا پروا کنید که خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

در این دوآیه به بیماریهای روحی که بعضی دچارند و باعث اختلال در جامعه مسلمین و ایجاد دشمنی بین مسلمانان می شود اشاره کرده است ؛ 1- بیماری مسخره کردن دیگران 2- مرض نامگذاری دیگران به نامهای زشت 3- بیماری سوءظن 4- مرض عیب جوئی 5- غیبت.

بسیاری از دشمنی هایی که بین افراد ایجاد میشود به دلیل گناهان فوق است.

وقتی شخصی یا گروهی را مسخره کردید باعث عکس العمل طرف مقابل می شود. اگر دیگران رابه نامهای زشت، صدا زدید باعث ناراحتی افراد و ایجاد دشمنی می شود. اگر به کارهای دیگران با عینک تیره ی بدگمانی نگاه کنید، دشمنانتان فراوان و دوستانتان کم می شوند. و اگر به دنبال بردن آبروی دیگران از راه غیبت و فاش کردن عیوب آنها باشید، برادری و صمیمیت و مهربانی رخت بر بسته و جای آن، نفاق و دشمنی و تفرقه حاصل می شود.

مسخره کردن دیگران

از گناهان زبان، مسخره واستهزاء دیگران است. مسخره کردن از این جهت ناپسند است که باعث توهین به دیگران می شود.

ریشه های مسخرگی

1- دشمنی و کینه

2- تکبر

3- تحقیر کردن

4- شوخی و مزاح

5- سفاهت و نادانی

«علی علیه السلام: مسخرگی، تفریح سفیهان و کار نادانان است»

6- حقارت نفس و خودکم بینی

«امام صادق علیه السلام : ذلیل ترین مردم شخصی است که به مردم توهین می نماید»

گاهی مسخره کردن در مورد مسائل اعتقادی است. همانطور که عده ای از اقوام گذشته، پیامبران خدا را مسخره می کردند.

گاهی مسخره کردن در مورد مسائل مالی است. مانند مسخره کردن بعضی از مردان و زنان پولدار، فقیران و بی بضاعتان را.

«پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله : کسی که مؤمنی را ذلیل کند و یا بخاطر فقرش او را تحقیر نماید، خداوند او را در کنار پل جهنم رسوا می سازد.»

گاهی استهزاء در مورد مسائل سیاسی است.

انواع مسخره گی:

1- موارد اخلاقی

«مثلاً می گوید فلان شخص بخیل است!»

2- موارد اعتقادی

«إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ * وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ * وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ * وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ * وَمَا أَرْسَلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ * فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ»

بدکاران همواره [در دنیا از روی ریشخند و استهزا] به مؤمنان می خندیدند و هنگامی که بر آنان می گذشتند آنان را با اشاره چشم و ابرو به مسخره می گرفتند، و چون به خانواده خود باز می گشتند [به سبب تمسخر مؤمنان] خوشحال و شادمان باز می گشتند و هنگامی که مؤمنان را می دیدند، می گفتند: بی تردید اینان گمراه اند و حال آنکه کافران را بر مؤمنان نگهبان و مراقب نفرستاده بودند [که مراقب هدایت و گمراهی آنان باشند]. پس امروز همواره مؤمنان به کافران می خندند.^{۱۲۶}

3- در مورد قیافه و اندام افراد

«مثلاً می گوید فلانی کوتاه قد است!»

چه برخوردی با مسخره کنندگان بکنیم؟

1- بی اعتنائی

«نقل شده که روزی مالک اشتر رضوان الله تعالى علیه، سردار سپاه علی علیه السلام از بازار عبور می کرد ، شخصی از بازاریان که او را نمی شناخت، برای مسخره کردن او، پوست خربزه ای به طرف مالک پرتاب کرد ، اما مالک اعتنائی به او ننمود و به راه خود ادامه داد.

بازاریان به آن مرد خبر دادند که این فردی که تو او را مسخره کردی، مالک اشتر سردار نظامی لشکر اسلام است، آن مرد هراسان شد و برای عذرخواهی به دنبال مالک رفت. او مالک را در مسجد یافت و عذرخواهی کرد. مالک گفت: من قصد نداشتم به مسجد بیایم. ولی وقتی این حرکت را از تو دیدم، به مسجد آمده و نماز خواندم و برای دعا کردم تا خدا تورا ببامرزد.»

2- برخورد قاطعانه و نهی از منکر

گاهی لازم است که جلو مسخره کننده بایستد و او را نهی کند و مانع شود تا بعداً دیگری را مسخره ننماید. رسول خدا صلی الله علیه و آله: روز قیامت، شخصی را که در دنیا مؤمنین را مسخره می کرده است ، می آورند و برای او دری از بهشت را می گشایند

ومی گویند: داخل شو! او هم که خیلی ناراحت بوده است، به طرف در بهشت حرکت می کند ، ناگهان در بهشت را می بندند و از طرف دیگری دری می گشایند! و به او گفته می شود: داخل شو! چون نزدیک آن در شود، آن را هم می بندند!!

اگر ممالک روی زمین به دست آری

وز آسمان بر بایی کلاه جباری

و گر خزائن قارون و ملک جم داری

نیرزد آنکه وجودی ز خود بیازاری

عیب جوئی و تجسس

بعضی از انسانها عادت به تجسس در عیبهای مردم و بازگو کردن این عیبها برای دیگران دارند.

درحالی که اگر نسبت به عیبهای خود تأمل کنند، متوجه می‌شوند که خوددارای عیوب متعدد بوده و باید خود را مداوا کنند.

«پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: به دنبال لغزشهای مؤمنین نباشید که هر که به دنبال این مطلب باشد، خداوند عیبهای او را آشکار کند»

سنائی گوید:

مرد باید که عیب خود ببیند

بر ره زور و غیبه ننشیند

تو اگر عیب خود همی دانی

نه‌ای عامی بل جهانبانی

از صفات خداوند «ستار العیوب» بودن است و ما که بنده‌ایم باید از خالق بیاموزیم و عیب دیگران را ظاهر نکنیم.

«امام پنجم علیه السلام: برای انسان همین عیب بس که به عیوب مردم دقیقاً آشنا باشد ولی همان عیوب را که در خود اوست، نبیند»

عیب جوئی مکن ز خلق خدا

که بود کار مردم جاهل

عیب خود بین چو مرد روشن بین

تا شود تیرگی ز دل زائل

ای که غفلت فرا گرفته تورا

گوش کن پند ناصح کامل

گفت احمد خوشا بحال کسی که

چومردان پاک و روشندل

هست دائم به عیب خود مشغول

لیکن از عیب دیگران غافل

«علی علیه السلام: از عیب جویان دوری کنید که دوستانشان هم از آنها درمان نیستند.»

انسانهای کریم و بزرگوار اگر از عیوب دیگران هم مطلع شوند، آن را نادیده گیرند و وظیفه خود دانند که عیبهای دیگران را بپوشند و آبروی دیگران را حفظ کنند، خداوند در قرآن در سوره حجرات دستور داده که:

«وَلَا تَجَسَّسُوا»: یعنی در جستجوی عیب دیگران نباشید.

فردوسی:

چو عیب تن خویش داند کسی

ز عیب کسان برنگوید بسی

«امام صادق علیه السلام: در عیب رفیقت تعجیل نکن، شاید خدا او را بیامزد! و بر عیبهای خود ایمن نباش شاید بخاطر آن عذاب شوی!»

مکن عیب کسان تا می توانی

که توای دوست عیب خودندانی

مده بر عیب کس نادیده اقرار

و گرینی بپوشان بهتر ای یار

که توهم عیب داری عیبناکی

خدا را شد سزای عیب پاکی

مکن مدح خود و عیب دگر کس

وگرگوید کسی گو زین سخن بس!»

پیامبر اکرم صلوات الله علیه : بعضی از شما خار را در چشم دیگران می بیند ولی استخوان را در چشم خودش نمی بیند!»

«علی علیه السلام : عدم اطلاع از عیب خود ، از گناهان بزرگ است.»

«پیامبر اکرم صلوات الله علیه : هر که عیب برادرش را بیوشاند، گویا دختر زنده به گوری رازنده گرده است!»

«پیامبر اکرم صلوات الله علیه : هر که عیب برادرش را ببیند ولی آن را بیوشاند، خدا در قیامت عیش را بیوشاند»

«پیامبر اکرم صلوات الله علیه : بدنبال عیوب مؤمنین نباشید که هر که اینگونه باشد، خدا به دنبال عیش باشد و هر که خدا به دنبال عیش باشد، رسوا می شود اگر چه در درون خانه اش [پنهان] باشد!»

سوء ظن

انسان در روابط خانوادگی و اجتماعی باید دارای حُسن ظن باشد.

حُسن ظن به پیشرفت کارها و ایجاد محبت بین خانواده و جامعه کمک می کند.

ولی سوء ظن باعث از بین رفتن روابط سالم اجتماعی می شود.

معنای سوء ظن آن است که کارها و اعمال دیگران را بر علیه خود حمل کنیم. و یا دیگران را بدون علم و یقین ، متهم نمائیم.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ»

ای اهل ایمان! از بسیاری از گمان ها [در حق مردم] پرهیزید زیرا برخی از گمان ها گناه است.^{۱۲۷}

«پیامبر اکرم صلوات الله علیه : خدا سوء ظن به مؤمن را حرام کرده است.»

هرچه دائره سوء ظن وسیع تر باشد گناه و فسادش بیشتر است.

سوء ظن در مسائل سیاسی باعث خرابی کشور و مملکتی می شود.

سوء ظن در مسائل کاری و شغلی مشکلات زیادی در روند کار ایجاد می کند.

سوء ظن در مسائل خانوادگی به اختلافات خانوادگی منجر می شود.

و خلاصه سوء ظن در موارد مختلف باعث ضرر و زیانهای آشکاری می شود.

«نقل شده که:

شخصی سگ باوفائی داشت ، روزی کودک در گهواره اش را با سگ تنها گذاشت و از خانه اش خارج شد ، وقتی به منزل برگشت ، سگ درحالی که پوزه اش خونی بود، به استقبال صاحبش آمد ، مرد خیال کرد که سگ به کودک او آسیبی وارد کرده است ، لذا شمشیرش را کشید و سگ را کشت. اما وقتی وارد منزل شد ، کودک را سالم دید و در کنار گهواره مار مرده ای را مشاهده کرد و فهمید که مار قصد آسیب رساندن به کودک را داشته ولی سگ مانع شده و با او زد و خورد نموده است.

مرد آنچنان پشیمان شد که تا سه روز بر بالین سگ مرده اشک می ریخت و اظهار پشیمانی می کرد.»

سوء ظن دشمنان خیالی انسان را زیاد می کند ، افراد دارای سوء ظن دارای اضطراب بوده و کمتر در آرامش می باشند.

مثلاً زنانی که به شوهران خود سوء ظن دارند اکثر اوقات فکرشان نا آرام بوده لذا دچار بیماری های روانی می شوند.

همچنین مردانی که بدون جهت نسبت به همسرشان سوء ظن دارند ، دچار ناراحتی اعصاب می شوند و آرامش خود را از دست می دهند.

«امام صادق علیه السلام : کسی که بخاطر مشکلات مالی ازدواج نمی کند ، به خدا سوء ظن دارد. زیرا خداوند وعده داده است که رزق بندگانم را می دهم.»

درمان سوءظن

بهترین درمان ، حمل کردن کارهای دیگران بر خوبی است.

تا انسان یقین به بد بودن حرکتی نکرده آن را بر خوبی و خیر حمل نماید.

همچنین فاصله گرفتن از افراد دارای سوءظن نیز به مداوای این درد کمک می کند.

سوءظن در آئینه روایات

«علی علیه السلام : بین حق و باطل چهار انگشت فاصله است ، پس آنچه را با گوش شنیدی چنانچه با چشم هم دیدی راست و حق است.»

«اعمال برادرت را تا دلیلی بر خلافت نیافتی ، بر نیکوترین وجه حمل نما و تا زمانی که می توانی سخن مؤمن را بر خوب حمل کنی، هرگز نسبت به سخن مؤمن گمان بد مبر.»

«امام صادق علیه السلام : اصل حُسن ظن از حُسن ایمان و سالم بودن دل است که هر که را می بیند پاک و خوب می پندارد و احتمال حیاء و امانت و صیانت و راستی به او می دهد.»

«پیامبر اکرم صلوات الله علیه : به برادرانتان گمان خوب داشته باشید تا دچار صفای دل و پاکی طبع گردید»

پادشاهان ظالم و حاکمان ستمکار برای اینکه مخالفان خود را شناسائی و سرکوب کنند و مردم را از وحدت و همدلی دور نمایند تخم بدگمانی به هم را بین آنها می افشاندند به طوری که در زمان صدام ملعون در میان 15 میلیون جمعیت عراق ، 4 میلیون نفر از مردم به نیروهای اطلاعاتی دستگاه حکومت تبدیل شده و دیگران را با یک سوءظن جزئی به عنوان مخالف حکومت معرفی می کردند.

در زمان طاغوت هم ساواک بین عده ای از مردم با همین شیوه ترس و وحشت و سوءظن به هم را رواج داده بود.

الان هم در بعضی از کشورها قدرتهای شیطانی با همین شیوه ادامه حیات می دهند.

جلسه سی و یکم

* حرفی که خود به آن عمل نمی کنید را ننویسید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ

ای مؤمنان! چرا چیزی را می‌گویید که خود عمل نمی‌کنید؟ نزد خدا به شدت موجب خشم است که چیزی را بگویید که خود عمل نمی‌کنید.¹²⁸

بعضی از مسلمانان قول‌هایی می‌دهند و حرف‌هایی می‌زنند ولی در مرحله عمل، جا زده و به قولشان عمل نمی‌کنند؛ برای مثال: عده‌ای از مسلمانان در صدر اسلام، می‌گفتند اگر دوباره جنگی درگیر فرار نمی‌کنیم! ولی در جنگ بعدی باز فرار نمودند.

یا قبل از آمدن حکم جهاد، عده‌ای گفتند: اگر بدانیم بهترین عمل چیست آنرا انجام می‌دهیم!

وقتی حکم جهاد نازل شد و خداوند فرمود که: بهترین عمل، ایمان خالص و جهاد است!

به قولشان عمل نکردند و از شرکت در جهاد شانه خالی نمودند.

و این یک مشکل بزرگ برای عده‌ای از افراد است که ادعاهائی کرده ولی اعتمادی به آنها نیست زیرا احتمال عمل نکردن به حرفشان است در حالی که باید قول و عمل باهم انطباق داشته باشد.

داستان زنی که کودکش را نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آورد تا حضرت او را از خوردن خرما که برایش مضر بود بازدارد ولی پیامبر به روزی دیگر محول کرد و روز بعد کودک را از خوردن نهی فرمود و گفت: دیروز نگفتم زیرا خود خرما خورده بودم و کسی که خود خرما خورده چگونه می‌خواهد دیگران را از خوردن آن نهی کند؟ این داستان نیز درباره انطباق قول با عمل است.

یا پزشکانی هستند که خود سیگار می‌کشند ولی بیماران خود را از کشیدن سیگار نهی می‌نمایند!!

یا عالمانی که مردم را به دوری از وابستگی دنیا دعوت می‌کنند ولی خدای نکرده خود یا منسوبین به آنها دنیا طلب هستند.

گویند شخصی کنار جالیز خیاری ایستاده بود و مردم را از خوردن خیار مردم نهی می‌کرد ولی خود می‌خورد از او پرسیدند چرا خود می‌خوری؟؟ گفت: من برای خنک بودنش می‌خورم نه برای حرام بودنش!

همچنین نقل شده مردی به یک نفر روحانی گفت: زخم نماز نمی خواند! روحانی گفت: او را به بهشت بشارت بده شاید بخواند! گفت: دادم ولی نمی خواند! روحانی گفت: او را از جهنم بترسان! گفت: ترساندم ولی نمی خواند! روحانی گفت: حرفش چیست؟ گفت: می گوید اول خودت بخوان تا من هم بخوانم!!!
عمل نکردن به نذرهای نیز مصداق این آیه می باشد.

در روایات ، عالم بدون عمل به درخت بدون فایده و میوه تشبیه شده است و معمولاً مردم از آدمی که به حرفش عمل نمی کند بدشان می آید ، پس آدمی که سر حرفش نمی ماند و به سخنی که می گوید عمل نمی کند، هم مبعوض خالق است و هم مبعوض مخلوق.
البته مراد سخن درستی است که می گوید نه سخنان نادرست و بی پایه که اصلاً نباید به آنها عمل کند.

جلسه سی و دوم:

*** وقتی ندای نماز جمعه را شنیدید با عجله بسوی آن بشتابید**

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ
ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

ای مؤمنان! چون برای نماز روز جمعه ندا دهند، به سوی ذکر خدا بشتابید، و خرید و فروش را رها کنید.
که این [اقامه نماز جمعه و ترک خرید و فروش] برای شما بهتر است اگر [به پاداشش] معرفت و آگاهی
داشتید.^{۱۲۹}

آثار و فواید مهم نماز جمعه

آثار دنیوی نماز جمعه:

1- دمیدن روح وحدت در اقشار مختلف مردم و مسئولین:

در نماز جمعه از همه اقشار و همه مشاغل در یک مجمع جمع می شوند و به بیانات خطیب گوش می دهند و در کنار هم نماز به جا می آورند و بعد از نماز با هم دست می دهند و گاه در نماز جمعه شعارهایی داده می شود با اینکه بعضی با هم در خارج از نماز جمعه اختلاف سلیقه سیاسی دارند و یکی چپ است و دیگری راست ولی در مسائل اصولی نظام با هم یک نظر دارند. همه با هم مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل می گویند، همه با هم مرگ بر ضد ولایت فقیه می گویند. همه با هم ندای حمایت از دولت سر می دهند و با رهبر عزیز انقلاب و ولی امر مسلمین، عهد مجدد می بندند.

2- اثر دیگر نماز جمعه آشنا شدن امت اسلامی با معضلات و مشکلات و حوادث تلخ و شیرین دنیای

اسلام است، وقتی خطیب در خطبه دوم به حوادث جهان اسلام یا حوادث ایران اسلامی اشاره می کند، مستمعین با آن آشنا می شوند و می فهمند که در حال حاضر کی ظالم است و کی مظلوم؟؟ چه کسی مستکبر است و چه کسی مستضعف؟؟ با چهره پلید آمریکا و هم پیمانانش آشنا می شوند، از طرفی قلبشان برای مظلومین فلسطین و لبنان و عراق و جاهای دیگر می تپد و جریحه دار می شود.

3- اثر دیگر نماز جمعه تضعیف و مایوس نمودن دشمنان اسلام است.

وقتی مردم هر هفته بهتر از قبل به طرف مصلاهای نماز جمعه حرکت می نمایند ، منافقین ناراحت می شوند ، شیاطین نگران می شوند ، مستکبرین هراسان می گردند ، مخصوصاً نماز جمعه پایتخت که با حضور مسئولین طراز اول و اقشار مختلف مردم گاه به امامت ولی امر مسلمین حفظه الله تعالی یا دیگر شخصیت های نظام اسلامی برپا می شود که این گونه نمازهای جمعه دشمن شکن هستند.

4- فایده دیگر نماز جمعه بسیج مردم برای کمک رسانی و یاری رسانی است.

گاه برای زلزله زدگان و گاه برای سیل زدگان و گاه برای حمایت از مردم ستم دیده فلسطین و لبنان و عراق و یمن و جاهای دیگر است و گاه برای مستمندان و دانش آموزان بی بضاعت است ، گاه بسیج برای اعزام نیرو به جبهه های حق علیه باطل است که در زمان پیامبر اعظم صلوات الله علیه این گونه بود و در زمان علی علیه السلام هم بعد از خطبه ها نیرو اعزام می شد و در ایام دفاع مقدس نیز نماز جمعه ها نقش مهمی در اعزام نیرو داشتند.

5- اثر مثبت دیگر نماز جمعه اطلاع رسانی مسئولین به مردم است.

از بهترین تربیون هایی که مسئولین می توانند مسائل خود را از آن جا با مردم در میان بگذارند تربیون نماز جمعه است. معمولاً قبل از خطبه ها به مناسبت های مختلف مسئولین حضور پیدا می کنند و مردم را با نحوه فعالیت های خود و انتظاراتی که از مردم دارند آشنا می کنند.

6- در نماز جمعه، می توان مطالبات مردم را به گوش مسئولین رساند و معضلات و مشکلاتی که امام جمعه صلاح می داند از این طریق مطرح شود تا در حل آن تسریع گردد.

7- از طریق نماز جمعه مردم با سیاستهای نظام اسلامی و مواضع ولی امر مسلمین آشنا می شوند ، امام جمعه در مناسبتهای مختلف مواضع رهبری را برای عموم مردم تبیین می کند.

برای مثال : برای مردم بیان کند که از نظر مقام معظم رهبری دامت برکاته ، اصول گرایی و اصلاح طلبی حزب خاصی نیست بلکه هرکس که ارزشهای نظام اسلامی را قبول داشته باشد و التزام عملی به آنها داشته باشد اصول گرا نامیده می شود و هرکس که به فکر اصلاح و پیشرفت جامعه باشد اصلاح طلب نامیده می شود که انقلابی گری جمع این دو است و این مسئله نکته بسیار مهمی است که در وحدت امت اسلامی و در انسجام امت اسلامی و در کم کردن تنش های سیاسی نقش مهمی ایفا می کند.

8- اثر دیگر این است که مردم با وظایف دینی و اجتماعی خود آشنا می شوند ، برای مثال متوجه می شوند که در دین اسلام به رعایت حقوق زنان سفارش اکید شده است ، متوجه می شوند که ازدواج در اسلام امر مقدسی است به طوری که از سفره عروسی بوی بهشت استشمام می شود ، می فهمند که خانواده در اسلام جایگاه بسیار مهمی دارد و باید در استحکام آن تلاش نمود و صدها مورد دیگر که در هنگام حضور در نماز جمعه نصیب نمازگزاران می شود

9- فایده دیگر این است که انسانها در بهترین ساعت و در بهترین روز به ذکر خدا روی آورده اند و این باعث تقرب الی الله می شود ، در ساعتی که عده ای مشغول تفریح و گاه لهو و لعب و کارهای شیطانی هستند درصد کمی از مسلمین در مصالها اجتماع کرده و به ذکر خدا و یاد او و نماز برای او مشغولند.

اینها برگزیدگان از میلیونها انسان اند که انتخاب شده اند و به فضیلت ذکرالله تَفَضَّل یافته اند ، خوشا به حال اینان ! خوشا به حال آنهایی که از اول انقلاب تا الان در صفوف نماز جمعه حضور دائمی داشته اند و خوشا به حال امامان جمعه ای که در صدها خطبه نماز جمعه ، مردم را با فرهنگ اهل بیت علیهم السلام ، با فرهنگ قرآن کریم ، با فرهنگ اسلام ناب محمدی آشنا نموده اند.

10- فایده دیگر نماز جمعه ، جایگاه با عظمت امام جمعه در شهرستانها است.

با حضور امام جمعه در شهرستانها به عنوان کسی که از طرف ولی امر مسلمین منصوب شده است، مردم و مسئولین محلی، به او به چشم نماینده ولی امر مسلمین نگاه کرده و او را بالاترین شخص آن منطقه از بُعد معنوی می دانند.

قضات و فرماندهان نظامی و انتظامی و فرمانداران و مسئولین دیگر همه حرمت او را نگه داشته و به ارشادات و نصایح او گوش می نمایند.

حضور او در شهرستان باعث خیر و برکت برای منطقه شده و با اخلاص و تدبیر او گاه کارهای بزرگ فرهنگی و غیره با هزینه اندک انجام می شود که اگر دولت بخواهد آن کارها را خود انجام دهد باید هزینه گزافی بپردازد.

ائمه جمعه ای که مصلی ساخته اند ، حوزه علمیه احداث نموده اند ، بیمارستان و کتابخانه درست کرده اند ، مجتمع های فرهنگی راه انداخته اند ، ده ها مسجد را احداث یا در تکمیل آن کمک

کره اند و در کنار این اقدامات ، دفتر آنها پناهگاهی برای مردم بوده که یا برای کمک مادی مراجعه نموده و یا برای حل اختلافات خود و یا برای کمک معنوی به امام جمعه پناه برده اند. نقش امام جمعه نقش بی بدیلی است که از عهده دیگر عالمان بر نمی آید ، او باید در جلسات اداری ، مرتب مسئولان را به خدمتگزاری به مردم و رفع گرفتاری مردم دعوت کند. مشکلات منطقه را متذکر شود ، همه را به وحدت فراخواند ، بین جناحهای سیاسی تعادل برقرار کند ، سیاستهای نظام را برای مردم تبیین کند و...

آثار توجه و بی توجهی به نماز جمعه

- روز قیامت به اندازه سبقت به نماز جمعه ، افراد در وارد شدن به بهشت از هم سبقت می گیرند.
- پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله : از جمله افرادی که اعمالشان مانند روزی که متولد شده اند حساب می شود کسی است که نماز جمعه را تمام کرده و دارد مراجعت می نماید.^{۱۳۰}

جلسه سی و سوم:

* مبادا مال و منال شما را از یاد خدا غافل کند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

ای مؤمنان! مبادا اموال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل کنند، و آنان که [به خاطر مال و فرزند از یاد خدا] غافل می شوند، زیانکارند.¹³¹

اکثر کسانی که از خدا دور می شوند، بخاطر فرزندان و جمع آوری مال است ، لذا خداوند هشدار مهمی به بشر داده که مواظب باشید در این دو مورد افراط و تفریط نکنید.

می توان از مال و منال برای رسیدن به خدا سود برد و این دو می توانند جلو رسیدن به رضای خداوند را بگیرند.

مرد که ازدواج می کند، سرپرست خانواده می شود ، او باید خانواده را به سوی سعادت ببرد ، او باید حد وسط را در جمع آوری مال و در محبت به فرزندان رعایت کند ، او باید مواظبت بکند که مسیر خانواده از راه راست منحرف نشود.

پدر به عنوان سرپرست خانواده و سگّاندار این کانون ، مسئولیت هدایت خانواده در مسیر سعادت را به عهده دارد.

این مسئولیت از طرف خداوند به عهده پدر گذاشته شده و هیچ کسی نمی تواند این مسئولیت را از روی دوش او بردارد:

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَ اللَّاتِي نُسُوْرُهُنَّ فَعِظُوْهُنَّ وَ أَهْجُرُوْهُنَّ فِی الْمَضَاجِعِ وَ إِضْرِبُوْهُنَّ فَإِنِ اطَّعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَیْهِنَّ سَبِيْلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيًّا كَبِيْرًا»

مردان، کارگزاران و تدبیرکنندگان [زندگی] زنانند، به خاطر آنکه خدا مردان را [از جهت توان جسمی، تحمل مشکلات و قدرت روحی و فکری] بر زنان برتری داده، و به خاطر آنکه [مردان] از اموالشان هزینه زندگی زنان را [به عنوان حقّی واجب] می پردازند پس زنان شایسته و درست کار [با رعایت قوانین حق] فرمانبردار [و مطیع شوهر] ند [و] در برابر حقوقی که خدا [به نفع آنان برعهده شوهرانشان] نهاده است، در غیاب شوهر [حقوق و اسرار و اموال او را] حفظ می کنند. و زنانی که از سرکشی و نافرمانی آنان

بیم دارید [در مرحله اول] پندشان دهید، و [در مرحله بعد] در خوابگاه‌ها از آنان دوری کنید، و [اگر اثر نبخشید] آنان را [به گونه‌ای که احساس آزار به دنبال نداشته باشد] تنبیه کنید پس اگر از شما اطاعت کردند برای آزار دادن آنان هیچ راهی مجوید یقیناً خدا بلند مرتبه و بزرگ است.^{۱۳۲}

خصوصیات پدر نمونه

همان ده خصلتی که در زنان باید باشد تا سعادت دو جهان را دریابند، در مردان هم باید باشد که شامل:

- 1- مسلمان بودن
- 2- ایمان
- 3- اهل دعا
- 4- راستگو
- 5- صبور
- 6- مطیع خدا
- 7- اهل انفاق
- 8- روزه
- 9- عقیف
- 10- اهل ذکر است .

اگر پدر صالح باشد و وظایف خود را به خوبی انجام دهد حتما خانواده خود را خوشبخت خواهد نمود.

پدری که مؤمن بوده و اهل معنویات هست و به فضائل اخلاقی اهمیت می‌دهد، نخواهد گذاشت که خانواده در مسیر نادرست قرار بگیرد.

برخلاف فرهنگ غرب که با عدم نظارت و عدم دخالت پدر در امور شخصی و خصوصی همسر و فرزندان به اسم آزادی، خانواده‌ها از هم‌پاشیده شده و دیگر لقب پدر به عنوان یک واژه مقدس کمتر به کار می‌رود.

سرپرستی پدر

پدر مسئولیت ویژه‌ای برعهده دارد که خداوند به عهده او گذاشته است و آن سرپرستی خانواده خویش می‌باشد. در کشور ما در بسیاری از خانواده‌ها مخصوصاً در زمان گذشته به این مسئولیت عمل می‌شد و پدر جایگاه خویش را داشت ولی اخیراً بدلیل شعارهای فمینیستی و زن گرائی بعضی و به دلیل تقلید از فرهنگ غرب و به دلیل عدم اطلاع شوهران از مسئولیت خویش، در بعضی از خانواده‌ها وضع برعکس شده است و با وجود حضور مرد، زن سرپرست خانواده می‌باشد و فرزندان مطیع پدر نیستند!!

اگر چه سرپرست بودن مرد، علامت برتری او بر زن در نزد خداوند نیست ولی با ایفای این مسئولیت توسط اوست که خانواده‌ها از فروپاشی مصون می‌مانند و اسیر عواطف زنانه نمی‌شوند و در حوادث مهم از ادامه مسیر باز نمی‌مانند، لذا اخیراً در کشور آمریکا عده‌ای از زنان و مردان طی درخواستی از قوه قضائیه آن کشور، درخواست کرده‌اند که همانند گذشته مسئله سرپرست بودن مرد در خانواده‌ها احیاء شود زیرا آزادی‌هایی که به زنان داده شده است، نه تنها فایده‌ای برای زنان نداشته بلکه باعث تزلزل و فروپاشی خانواده‌های بسیاری شده است.

مردی که باید در مسائل مهم زندگی تابع زن باشد ولی در حقیقت زن تصمیم گیرنده است، از نظر اجتماعی و روانی دارای مشکلاتی می‌شود.

«به امام کاظم علیه السلام گفته شد: مردی به زنش می‌گوید که اختیار تو با خودت است! آیا این حرف صحیح است؟ امام فرمود: خیر این حرف باطل است، زیرا خدا این حق را برای مرد قرار داده است و کسی نمی‌تواند این حق را از مرد بگیرد. سپس امام آیه «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...» را تلاوت فرمودند.»

در بسیاری از خانواده‌ها، مرد خانه در حد یک کارگر تنزل کرده، کارگری که باید مادیات خانواده اش را جور کند ولی در تصمیم گیری‌ها به او محلی نمی‌گذارند و سخنش را جدی تلقی نمی‌نمایند. نه همسر و نه فرزندان او را به عنوان یک عضو مهم خانواده قبول ندارند و آخرین حرف یعنی حرف اول و آخر را در خانواده، زن یا فرزندان می‌زنند! و چون این برخلاف سعادت خانواده است کم کم خانواده از مسیر درست منحرف شده و از دین و معنویت و مسجد و نماز جمعه و محافل مذهبی جدا شده و به سوی کجراه حرکت می‌کند.

داستان کسانی که بخاطر فرزند، بدبخت شدند و یا بخاطر ثروت، دشمن خدا گردیدند فراوان است که باید برای عبرت از این مساله به کتابهای تاریخی مراجعه کرد.

نتیجه پول دوستی

آمده است که حضرت عیسی علیه السلام به همراه مردی سیاحت می کرد ، پس از مدتی راه رفتن گرسنه شدند ، به دهکده ای رسیدند ، عیسی علیه السلام به آن مرد گفت: برو نانی تهیه کن و خود مشغول نماز شد ، آن مرد رفته و سه گرده نان تهیه کرد و بازگشت ، مقداری صبر کرد تا نماز حضرت عیسی پایان پذیرد ، چون کمی طول کشید یک گرده را خورد. حضرت عیسی آمده پرسید : گرده سوم چه شد؟؟ گفت : همین دو گرده بود. پس از آن مقداری دیگری راه پیموده به دسته آهویی برخوردند حضرت عیسی علیه السلام یکی از آنها را پیش خواند و آن را ذبح کرده و پخته خوردند بعد از خوردن حضرت عیسی فرمود:

«قُمْ بِاذْنِ اللَّهِ : با اجازه خداوند برخیز» آهو حرکت کرده و زنده شد، آن مرد تعجب کرده زبان به کلمه «سبحان الله» جاری کرد. عیسی گفت : تو را سوگند می دهم به حق آن کسی که این نشانه قدرت را برای تو آشکار کرد بگو نان سوم چه شد ، باز جواب داد دو گرده بیشتر نبود!! دو مرتبه به راه افتادند ، نزدیک دهکده بزرگی رسیدند، در آنجا سه خشت طلا افتاده بود رفیق عیسی گفت: اینجا ثروت و مال زیادی است آن جناب فرمود: آری یک خشت برای تو و یکی برای من و خشت سوم را اختصاص می دهم به کسی که نان سوم را برداشته . مرد حریص گفت : من نان سوم را خوردم ! عیسی از او جدا گردیده گفت : هر سه خشت مال تو باشد ، آن مرد کنار خشتهای نشسته و به فکر برداشتن و بردن آنها بود. سه نفر از آنجا عبور نمودند او را با سه خشت طلا دیدند ، همسفر عیسی را کشته و طلاها را برداشتند ، چون گرسنه بودند قرار بر این گذاشته یکی از آن سه نفر از دهکده مجاور نانی تهیه کند تا بخورد.

شخصی که برای نان آوردن رفت با خود گفت : نانها را مسموم کنم تا آن دو پس از خوردن بمیرند. دو نفر دیگر نیز هم عهد شدند که رفیق خود را پس از برگشتن بکشند.

هنگامی که آن مرد نان را آورد آن دو نفر او را کشته و خود با خاطری آسوده به خوردن نانها مشغول شدند ، چیزی نگذشت که آنها هم به رفیق خود ملحق گشتند .

حضرت عیسی در مراجعت چهار نفر را بر سر همان سه خشت ، مرده دید سپس گفت : این گونه دنیا با اهلش معامله می نماید.

امیرمومنان علی علیه السلام:

روز قیامت، مؤمن پولدار را برای حساب می آورند. خدا می فرماید: ای بنده ام! جواب می دهد: لبیک ای خدا! پروردگار می فرماید: آیاتو را شنوا و بینا نکردم و مال زیادی به تو ندادم؟ می گوید: آری ای خدا! خدا می فرماید: برای ملاقات با من چه آماده کرده ای؟ می گوید: به توایمان آوردم، پیامبرت را تصدیق کردم و در راه تو جهاد نمودم. خدا می فرماید: با آنچه به تو دادم چه کردی؟ می گوید: در راه اطاعت تو انفاق نمودم.

خدا می فرماید: برای وراثت چه گذاشتی؟ می گوید: من و آنها را تو خلق کردی! تو به من و آنها رزق دادی! تو قادر بودی که همانطور که به من رزق دادی به آنها هم روزی بدهی! لذا آنان را به تو سپردم! خدا می فرماید:

راست گفتی! برو که اگر بدانی چه مقامی نزد من داری، زیاد می خندی!

سپس مؤمن فقیر را برای حساب می خوانند، خدا می فرماید: ای فرزند آدم! می گوید: لبیک ای خدا! می فرماید: چه کرده ای؟ می گوید: ای خدا! مرا به دینت هدایت کردی و به من نعمت دادی! به اندازه کفایت به من دادی که اگر روزی زیاد به من می دادی، شاید مرا از عبادت مشغول می کرد! خدا می فرماید: راست گفتی! اگر بدانی چه مقامی نزد من داری، بسیار می خندی!

سپس کافر پولدار را می آورند! خدا می فرماید: برای ملاقات با من چه آماده کرده ای؟ می گوید: چیزی آماده نکرده ام! خدا می فرماید: پس با آنچه به تو دادم چه کردی؟ می گوید: همه را برای وراثت گذاشتم! خدا می فرماید: چه کسی تو را خلق کرد؟ می گوید: تو! می فرماید: چه کسی به تو روزی داد؟ می گوید: تو! خدا می فرماید: چه کسی وراثت تو را خلق کرد؟

می گوید: تو! خدا می فرماید: آیا همانطور که تو را روزی دادم، نمی توانستم وراثت تو را هم روزی بدهم؟ اگر بگوئی فراموش کردم، هلاک هستی! اگر بگوئی نمی دانستم، باز هم هلاک هستی! اگر بدانی چه عذابی برایت آماده کرده ام، بسیار گریه میکنی!

سپس کافر فقیر را می آورند. خدا می فرماید: در باره دستورات من چه کردی؟ می گوید: خدایا! مرا به بلای دنیا - فقر - دچار کردی، بطوری که تورا از یاد بردم و این بلا مرا از عبادت تو دور کرد! خدا می فرماید: چرا مرا نخواندی تا به تو روزی بدهم؟ اگر بگویی فراموش کردم، هلاک هستی! و اگر بگویی نمی دانستم، هلاک هستی! اگر بدانی چه عذابی برایت مهیاء نموده ام، گریه بسیار می کنی!

جلسه سی و چهارم:

* بعضی از همسر و فرزندان شما دشمن شما هستند مواظب باشید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

ای اهل ایمان! به راستی برخی از همسران و فرزندان شما [به علت بازداشتن شما از اجرای فرمان‌ها خدا و پیامبر] دشمن شما نیستند بنابراین از [عمل به خواسته‌های بی‌جای] آنان [که مخالف احکام خداست]

بپرهیزید، و اگر [از آزار و رنجی که به شما می‌دهند] چشم‌پوشی کنید و سرزنش کردن آنان را ترک نمایید و از آنان بگذرید [خدا هم شما را مورد الطاف بی‌کرانش قرار می‌دهد] زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.^{۱۳۳}

گاهی مرد می‌خواهد کار خیری انجام دهد، ولی خانواده او مانع می‌شوند یا مرد می‌خواهد به جهاد و جنگ با دشمنان خدا برود ولی خانواده اش مانع می‌شوند یا می‌خواهد علیه ظالمین و ستمکاران قیام کند ولی همسر و فرزندان مانع می‌شوند و گاه با ستمکاران ارتباط برقرار می‌نمایند، همانند همسر لوط علیه السلام و همسر نوح علیه السلام که با اینکه شوهرانشان پیامبر بودند ولی با دشمنان خدا همراهی می‌نمودند و با پیامبر مخالفت و دشمنی می‌کردند.

گویند مردی پای منبر روحانی شنید که وقتی انسان بخواهد صدقه ای بدهد هفتاد شیطان دستهای او را می‌گیرند تا مانع شوند!!

او به خانه اش رفت و مقداری غذا برای فقرا برداشت که ناگاه همسرش جلوی او را گرفت و گفت: نمی‌گذارم چون خودمان بیشتر نیاز داریم!

و خلاصه مرد دست خالی به مسجد برگشت، یکی از دوستانش گفت: آیا هفتاد شیطان را دیدی؟؟ گفت: نه ولی مادرشان را دیدم!!!

بعضی از فرزندان به این فکرند که کی پدرشان می‌میرد تا آنها به مال و ثروتی برسند!! و در بعضی از مناطق هنوز پدر از دنیا نرفته، فرزندان طلب میراث از پدر می‌کنند و حقشان را می‌خواهند.

اگر چه گاهی زنان و فرزندان هستند که کمک کار پدر در امور خیر هستند و مشوق او می‌باشند.

در هر حال انسانهای زیادی بودند و هستند که گرفتار زن و فرزندانی هستند که از کارهای خیر بدشان می آید و همه اموال شوهر را برای خودشان می خواهند ، در این موارد باید مرد با اعمال سرپرستی و مسئولیتی که اسلام برای او قائل شده در عین حالی که به خانواده اش ظلم نکند و اسباب راحتی آنها را فراهم کند و از نظر مالی شرایط سخت را به آنها تحمیل نکند ولی مقداری از اموالش را برای کارهای خیر بگذارد و اصلاً لازم نیست تصمیمات خود را به اطلاع خانواده اش برساند.

همچنین آنهایی که می خواهند در راه خدا کار کنند ولی خانواده شان مخالفت می کنند نباید مخالفت آنها در تصمیمشان خللی وارد کند و باید راه درستی را که انتخاب کرده اند ادامه دهند.

همانطوری که وقتی امام حسین علیه السلام به طرف کربلا می رفت خیلی ها می خواستند مانع حضرت شوند و امام را منصرف کنند و از این قیام بترسانند ولی امام علیه السلام هرگز سست نشدند و راه خدا را ادامه دادند.

همچنین امام راحل در قبل از انقلاب ، تقریباً به این مضمون فرمودند: اگر همه انس و جن یک طرف باشند و کسی مرا کمک نکند من راهی که انتخاب کرده ام ادامه می دهم.

معمولاً کسی که در راه حق حرکت می کند ، با موانع فراوانی مواجه می شود که نباید از این موانع ، مایوس شود و باید با استقامت و اراده آهنین به مسیر خود ادامه دهد.

جلسه سی و پنجم :

* چشمهای خود را بر حرام ببندید

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ
بِمَا يَصْنَعُونَ

به مردان مؤمن بگو: چشمان خود را [از آنچه حرام است مانند دیدن زنان نامحرم و عورت دیگران] فرو بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه‌تر است، قطعاً خدا به کارهایی که انجام می‌دهند، آگاه است.^{۱۳۴}

اگر زن و مرد بتوانند کنترل چشم خود را به طور صد در صد در اختیار داشته باشند، از بسیاری از گناهان و انحرافات مصون می‌مانند.

در حدیث از پیامبر اکرم صلوات الله علیه است که فرمود:

«لِكُلِّ عَضْوٍ مِنْ ابْنِ آدَمَ حَظٌّ مِنَ الزَّانَا فَالْعَيْنُ زِنَاهُ النَّظَرُ»

«هر یک از اعضای بدن انسان بهره‌ای از زنا دارد که بهره‌ی چشم نگاه کردن است.»

در عصر ما بُرنده‌ترین اسلحه دشمن، تصاویر غیر اخلاقی است. انسان‌ها برای اینکه از طریق چشم لذت ببرند، پولهای زیادی را صرف تهیه تصاویر مستهجن چه از طریق ماهواره و چه از طریق اینترنت و ویدئو و ابزارهای دیگر می‌نمایند.

و هنگامی که چشم این صحنه‌ها را دید، دلش هوای آن را می‌کند و ای بسا که زمینه انحرافات دیگر را فراهم کند.

گاهی برای شخص این گونه تصور می‌شود که می‌توان چنین گناہانی را در این کشور و در این شهر انجام داد، به دنبال افراد مثل خود می‌رود و مجالس پارتی و رقص و غیره تشکیل می‌دهد و مقدمه‌ای می‌شود برای مفاسد و انحرافات بزرگتر.

بعنوان مثال: باندی را گرفتند که دختران و پسران را به محلی که انواع مفاسد در آنجا مهیا بود، دعوت می‌کردند، سپس در حالی که آنان به شهوات نامشروع مشغول می‌شدند، از آنها فیلم و عکس تهیه

می کردند و بعد از چند روز سراغ او می رفتند و می گفتند که ما فیلم کارهای خلاف شمارا داریم!! باید این مبلغ را به ما بدهی و الاّ این فیلم را در اختیار پدر و مادر و همسر و دیگر اقوامت قرار می دهیم! و خلاصه وارد معرکه های خطرناکی می شوند که در آن قتل و تجاوز و تهدید و سرقت و غیره چیز عادی به شمار می رود ...

ز دست دیده و دل هر دو فریاد

که هر چه دیده بیند دل کند یاد

بسازم خنجری نیشش ز فولاد

زنم بر دیده تا دل گردد آزاد

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«النَّظَرَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِّنْ سِهَامِ ابْلِيسَ.»

«نگاه به نامحرم، تیری از تیرهای مسموم شیطان است.»

گفته اند شخصی بود چشم چران که درب مغازه خود در حالی که به هر زن و دختری که عبور می کرد تا جائی که می توانست نگاه می نمود، ذکر لا اله الاّ الله می گفت! یک روز یک نفر مشتری نزد او آمد و از این حالت مغازه دار با خبر شد ، جنسی را خواست و مغازه دار رفت تا جنس را بیاورد ، در این حین خانمی عبور کرد ، مغازه دار جنس را آورد و دست مشتری داد ، مشتری گفت: شما که رفتید این را بیاورید، یک لا اله الاّ الله عبور کرد!

او جواب داد: عجب سبحان الله!!

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«اگر از آسمان بیفتم و دو نیم شوم برایم بهتر است که به عورت شخصی نگاه کنم یا شخصی به عورت من نظر نماید!»

جلسه سی و ششم:

* بقیه الله برای شما بهتر است

بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ

135 بقیه الله برای شما بهتر است. اگر مؤمن باشید.

آیاتی که در قرآن کریم در مورد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تفسیر شده است :

1- «يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ: در آن روز مؤمنان شادمان می شوند.»^{۱۳۶}

امام صادق علیه السلام: در موقع قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ، اهل ایمان از یاری خدا خوشحال می شوند.

2- «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً: نعمت های آشکار و نهانش را بر شما فراوان و کامل ارزانی داشت.»^{۱۳۷}

امام کاظم علیه السلام: نعمت ظاهری همان امام ظاهر و نعمت باطنی همان امام غایب است که از دیدگان مردم مخفی است و گنجهای زمین در هنگام ظهورش آشکار می شود و هر چیز دوری برایش نزدیک می گردد.

3- «وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى! و سوگند به روز آن گاه که آشکار شود.»^{۱۳۸}

«امام باقر علیه السلام: مراد از روز ، قائم ما اهل بیت است که هرگاه ظهور کند ، بردولت باطل پیروز می شود.»

4- «سَيُرَوُّ فِيهَا لَيَالِي وَ أَيَّاماً آمِنِينَ: شبها و روزها با امنیت در آنها مسافرت کنید.»^{۱۳۹}

«امام صادق علیه السلام: مراد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که در زمان او همه راهها ایمن است.»

5- «فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَمِهِلُهُمْ رُؤِيداً: پس کافران را مهلت ده و مدت اندکی آنان را در این حالی که هستند، واگذار.»^{۱۴۰}

«علی بن ابراهیم قمی رضوان الله تعالی علیه در تفسیر آن گفته است که:

136. سوره مبارکه روم : 4 . در ترجمه این آیه به استثناء از ترجمه استاد : عبدالمحمد آیتی استفاده شده است .
137. سوره مبارکه لقمان : 20 .
138. سوره مبارکه لیل : 2 . در ترجمه این آیه به استثناء از ترجمه استاد : عبدالمحمد آیتی استفاده شده است .
139. سوره مبارکه سبأ : 18 .
140. سوره مبارکه طارق : 17 .

در زمان قیام قائم ، او از جباران و طاغوتها انتقام می گیرد.»^{۱۴۱}

6- «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ: خدا هر کس را بخواهد به سوی نور خود هدایت می کند.»^{۱۴۲}

«علی علیه السلام: او قائم ما اهل بیت است.»

7- «وَالْفَجْرِ: سوگند به سپیده دم.»^{۱۴۳}

«امام صادق علیه السلام : فجر لقب قائم ما است.

8- «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ : حق آمد و باطل نابود شد.»^{۱۴۴}

امام کاظم علیه السلام :

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ذَهَبَتْ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ : آن گاه که قائم عجل الله تعالی فرجه قیام کند، سلطه ی

باطل از بین می رود.^{۱۴۵}

9- لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون

9- «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ : آیا چه کسی دعای مضطرّ

را مستجاب می کند و از او رفع رنج و غم می نماید؟»^{۱۴۶}

امام صادق علیه السلام :

وَاللَّهِ لَكَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجَرِ ثُمَّ يُنْشِدُ اللَّهُ حَقَّهُ

إِلَى أَنْ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هُوَ وَاللَّهُ الْمُضْطَرُّ فِي كِتَابِ اللَّهِ فِي قَوْلِهِ: «أَمَّنْ يُجِيبُ

الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ» فَيَكُونُ أَوَّلُ مَنْ

يُبَايِعُهُ جَبْرِئِيلُ : به خدا سوگند گویا قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را می بینم که به

سنگی تکیه داده سپس خداوند حقش را به او عطا می کند ... و حضرت می فرمودند تا اینجا که

141. تفسیر قمی : ج 2 / ص 416 .

142. سوره مبارکه نور : 35 .

143. سوره مبارکه فجر : 1 .

144. سوره مبارکه اسراء : 81 .

145. تفسیر نورالثقلین : ج 3 / ص 212 به نقل از روضه الکافی.

146. سوره نمل : 62 . در ترجمه این آیه به استثناء از ترجمه استاد : کاظم ارفع استفاده نموده ایم .

: به خدا سوگند که او همان «مضطر» است که در آیه شریفه آمده است که جبرئیل اولین کسی است که با او بیعت خواهد کرد.^{۱۴۷}

10-

«وَنُرِيدُ

أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَيْمَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ :
و ما اراده کردیم که بر آن مردم ضعیف شده در روی زمین منت گذاریم و آنان را رهبران مردم کرده و وارثان شان نماییم.^{۱۴۸}»

امیر مومنان علی علیه السلام در تفسیر این آیه میگوید :

«هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيُعِزُّهُمْ وَ يُذِلُّ عَدُوَّهُمْ: آنان (که در آیه آمده است) همان خاندان محمد صلی الله علیه و آله اند که خداوند هدایتگری از آنان بر می انگیزد پس از تلاش آنان که خداوند به واسطه آن هدایتگر آنان (شیعیان و آل رسول) را عزیز می گرداند و دشمنان شان را خوار می گرداند.^{۱۴۹}

و بسیاری آیات دیگر که به طور غیر مستقیم بر این مساله دلالت دارند.

کتابنامه:

1- صلوات کلید رفع حاجات :محسن حسینی ارسنجانی

2- تفسیر نمونه : آیت الله مکارم شیرازی

3- تفسیر جامع : آیت الله سیدابراهیم بروجردی

4- میزان الحکمه :آیه الله محمدی ری شهری {

خاندان عصمت {سید تقی واری {

خانواده نمونه {مؤلف {

147. تفسیر نور الثقلین : ج 4 / ص 94.

148. سوره مبارکه قصص : 5. در ترجمه این آیه به استثناء از ترجمه استاد : کاظم ارفع استفاده نموده ایم .

149. تفسیر نور الثقلین : ج 4 / ص 110.

